نام کتاب نظم اللئالی کاغذ شکری فرنگی. صفحه اول افتاده

مؤلف متن محمد بن احمد الاحسائی نجفی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر ۱۲۳۶ ق نوع خط نستعلیق خفی محمدی اصفهانی تعداد سطر ۲۱

جزء کتب فقه زبان فارسی عدد اوراق ۶۲

طول ۱۴/۵ عرض ۱۰ شماره عمومی ۲۴۰۶۶

وقفی حسین سلطانی گرد فرامرزی / خریداری تاریخ وقف / خریداری ۹ تیر ماه ۱۳۷۶

ملاحظات جلد تیماج خرمائی ضربی کهنه

۶۶

نام رساله مخلوط شد

نظم اللآلی

نیز بهره حاصل کنند و آنرا بدرّ اللآلی موسوم ساخت بهنده عا ازنافذان معدنش و
مجاوشتن منبعش الحق چون آن اشان رفع البنیان مرفوع گردد بکتابداران سرکار فیض آثار
سپارند تا بعین اقبال متوجه گشته بمسطر نظر اصلاح بسنجد در هر مسئله که در نسخ اشتباهی یا تغییر
برای نسخ واقع شده تا سخان را بنسخ منسوخ مقرر دارند امید که از رسیدن بشرف عز
قبول شیرازه اعتبار یافته باعث افتخار این ذره بی مقدار و حاصل اصیلا جهة دلی الابصار گردد
تا چون اوراق نسخه اعمال و اعتقادات خود را بر آن عرض نمایند بلاشائبه تسویش ولی مظنه اشتباه
ضبط و تصحیح توانند نمود و توکلت فی جمیع اموری علی الله الجلیل وهو حسبی ونعم
الوکیل **وبعد** مخفی نماند که در هر مدعا که سؤال و جواب با هم بنظر رسیده بود هر
دو را نقل نموده مصدر بسؤال و جواب نمودم و در هر مسئله که جواب تنها ضبط شده بود
اگر بملاحظه سؤال مطلب وضوح داشت معنون بمسئله گردانیده ام والا سؤال
مناسب جهت آن تفحص نموده مصدر بسؤال و جواب ساختم و هر چه بخط و مهر شریف دیده
و یا خود بخصوص شنیده و در آن اوراق ندیده بودم در آخر جواب یا مسئله جهة آن ممیزی قرار
دادم و اگر در اوقات مختلفه سؤالات متعدده شده بود که حاصل همه یکی و در اجوبه تفاوتی
باجمال و تفصیل یا اندک تغییری بود بیک سؤال اکتفا نموده اجوبه متعدده سوالا از یکدیگر ممتاز
ساخته با آن سؤال در یک تحریر در آوردم و بعضی مسائل هم که از خصوصیات کتب و
فصول و ارکان و مباحث نبود اما مناسبتی بیکی از اینها داشت اگر مناسبتی بمقصود
اصل کتاب داشت آنرا در ملحقات کتاب بعنوان خاتمه مذکور ساختم
و اگر ملایمت بفصلی از فصول داشت در آخر آن بلا فاصله تذنیب
و تذییل ملحق نمودم و اگر الفت برکنی و مبحثی داشت مثل فرع و فروع و
تفریع متمم آن رکن یا آن مبحث گردانیدم والسّلام
علی من اتّبع الهدی

بنا علوم معقول و علم استدلال

کتاب علم و دران دو فصل است **فصل اول** در طریقه استنباط و استدلال **سؤال**
علومی که موقوف علیه استدلال است چه علوم است و بچه قدر **جواب** علم صرف و نحو بقدر ضرورت
و بقدر آنچه در فهم قرآن و حدیث در کار است و علم معانی و بیان قلیلی و علم منطق قدری که در استدلال ضرور شود
و علم کلام قدری که اصول خمسه را باستدلال بداند از لوازم ایمانست و علم تفسیر که آیاتی که از آنها احکام
مستنبط میتواند شد بر دقایق آنها اطلاع بیابد و علم اصول فقه بقدری که در استدلال ضرورت
و علم فقه آنقدر که مسائل اجماعی و خلافی و مشهور بین الفقهاء را بداند و تتبع جمیع آثاری که از ائمه اهل البیت ع
رسیده است و علم رجال بقدری که تمیز میان حدیث تواند کرد و غیر اینها شعور و ادراک مستقیمی باید که آن
اختیاری نیست ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء **سؤال** امر مطلق مقتضی فوریت است یا تراخی **جواب** هیچیک
چه باشد **سؤال** اصل در اشیاء اباحت است یا توقف یا حرمت **جواب** اباحت است **سؤال** حدیث را چون
نقل بمعنی کنند آنرا نقل بالمعنی میگویند یا نه **جواب** ظاهرا داخل است دران **سؤال** اگر کسی گوید که
حدیثی از معصوم ص در باب فلان چیز هست و متن آن حدیث را نقل نکند داخل نقل بالمعنی هست و سند
بان میتوان شد یا نه **جواب** نه فل اگر عالم و عارف بمعانی و خصوصیات احادیث باشد داخل نقل بالمعنی
هست و مناط استنباط میتواند شد **سؤال** احادیثی که در باب احتیاط وارد شده استدلال میتوان کرد بر آنکه هرگاه
در مسئله چند قول شده مکلف عمل بان قول کند که احتیاط در آن بیشتر باشد هر چند که از برای هیچ کدام
حدیثی بنظر نرسیده باشد یا از برای بعضی بنظر رسیده باشد اما مستند آن قولی که احتیاط در آن است بنظر
نرسیده باشد و همچنین احادیثی که در باب احتیاط واقع شده معلوم میتوان کرد که در مسئله خلافی چنان
رعایت احتیاط کنیم که عمل بهمه اقوال واقع شود هر چند کسی قایل نشده باشد بمجموع آنچه ما رعایت
کرده ایم مثل آنکه در سفری که چهار فرسخ باشد در حالی که قصد رجوع همان روز نداشته باشیم اما قصد

امامی

امامی هم متخلف نشوی هم قصر بازکنیم و هم تمام **جواب** ظاهرا اخبار احتیاط شامل اینها باشد
سؤال هرگاه در امری تعدد بهم رسد میان حرمت آن و جواز آن آیا ارتکاب آن باعث عقوبت شود یا نه
جواب جزم بعقوبت مشکل است اما احتیاط طریق نجات است **فصل دوم** در آداب تقلید

بیان آداب تقلید

سؤال اگر کسی در بلدی پدر یا مادر داشته باشد و خواهد که طلب علم کند و در همان بلد تحصیل علم ممکن باشد
آیا جایز است بشهرهای دیگر برود بدون رضای ایشان **جواب** احوط آنست که جمع کند حسب المقدور
میان تحصیل رضای والدین و طلب علم و اگر ممکن نباشد در تحصیل واجبات ضروری رضای ایشان
در کار نیست **سؤال** در اموری که بعضی از علما قائل بحرمت شده اند و بعضی بکراهت احتیاط در آن است
بر کسی از علما اوست یا نیست و همچنین در فعلی که بعضی قایل بوجوب شده باشند و بعضی باستحباب **جواب**
جزم بوجوب مشکل است و احتیاط مسلک نجات است **سؤال** هرگاه از عالمی مسئله پرسند آیا بعد از مردن
آن عالم بان مسئله عمل میتوان کرد یا نه **جواب** احوط تجدید سوال است از عالم حی **سؤال** اگر کسی
از عالمی که بر قول او اعتماد داشته باشد مسئله پرسد و او جوابی گوید و بعد از آن آن عالم بخلاف
فتوای اول حکم بفتوای دیگر دهد بکدام فتوی عمل باید کرد **جواب** بفتوای اخیر عمل باید کرد یا
جهت شبهه از او بپرسند اگر ممکن باشد **سؤال** کسی که مقلد شخصی باشد و مسائل عمل خود را آنچه
از او شنیده اند نوشته باشد و بالفعل از روی آن احتمال میدهد که رای او تغییر یافته باشد بلکه هر
روز در جمیع مسایل این احتمال میرود طریقه چیست **جواب** آنچه از رای مجتهد دانسته باید عمل
نماید تا خلاف آنرا علم بهمرسد **سؤال** شیخ بهاء الدین ره و غیر او از علما که ادعیه و اعمال
سنتی را در کتب خود ذکر کرده اند و نگفته اند که این در حدیث است عمل کردن بان چه صورت
دارد **جواب** دعا قصوری ندارد و اعمال دیگر را اگر خلافی باشد از عالم حی سوال باید کرد
سؤال عمل بکتاب فقها میتوان کرد **جواب** نمیتوان کرد **سؤال** بکتاب عالمی که زنده باشد
عمل میتوان کرد بدون اجازت یا نه **جواب** ظاهرا اگر درست فهمیده باشد عمل میتوان کرد

و تصنیف کردن اجازه علم است **سؤال** اگر کسی نیز بیند در کتابهای معتبر و فهمد معنی آنرا
اگر همه باستعانت کتاب لغت باشد آیا عمل بآن میتواند کرد یا نه و ملکی بکر میتواند گفت که مضمون
آن عمل کند یا نه **جواب** با عدم رتبه ترجیح مشکل است و در حال اضطرار اگر احتیاط نتواند کرد
شاید عمل بآن تواند کرد **سؤال** اگر کسی تتبع تام ندارد و ترجیح مسائل نداده و عالمی نیست که رجوع
کند چنین شخصی اگر مسائل را از کتب فقهی فهمد یا در کتب احادیثی که دلالت بر بعضی مسائل دارد و بباید معنی
او را فهمد جمعی که از و مسایل بپرسند میتواند فتوی بایشان داد **جواب** اگر بگوید علما یا بعضی علما چنین گفته اند یا
حدیث چنین وارد شده است شاید بد نباشد **سؤال** کسی قابلیت استدلال نداشته باشد و مقلد مجتهد
حی نبوده باشد بلکه آنچه ظاهر بعضی احادیث فهمد یا قول بعضی فقها عمل نماید چه حکم دارد و چنین کسی
اگر فتوی نیز بهمین وجه میداده باشد منافی عدالت هست **جواب** ظاهرا چنین عمل صحیح نباشد
و دغدغه عظیم در عدالت چنین شخص میرود **سؤال** او ساط طالب علمان را لازم است که باستدلال
معلوم کنند که فرض ایشان استدلال یا رجوع بعلماست یا این نیز از کتب و تتبع باعلم معلوم باید
کرد **جواب** این مسئله اصولی است باید باستدلال بر او معلوم شود که فرض او استدلال یا رجوع بعلماست
سؤال کسی رتبه استدلال دارد و آنچه او را علم نیز بهم رسد عمل میکند یا آنچه را نبوده داشته باشد بر او
لازم است که رجوع باعلم کند و بر فرض رجوع باید طلب دلیل کند یا باعتقاد او عمل کند **جواب** این
نیز بدلیل باید دانست **سؤال** در اصول دین چه قسم و جماعتی را تقلید جایز خواهد بود باعتقاد ایشان
و جماعتی که تقلید نکنند چه مقدار دلیل از برای ایشان کافی است که کمتر از آن احتمال دغدغه
داشته باشد و این از مسائلی است که عموم آن بسیار احتیاج دارند و اکثر میخواهند مستند
بفتوای شما باشند از برای خدا متوجه جواب خواهند شد **جواب** هر کس بمقدار فهم و قابلیت
خود مکلف است و هر دلیل که موجب علم او گردد کافی است اگرچه دلایل اجمالیه باشد والله
تعلم محمد **کتاب توحید** **سؤال** اگر کسی بدون دلایل حکما و متکلمین بتعقل و تفکر

باب توحید

اما بعد ... [illegible]

خود اثبات ولایت کند خوب است **جواب** خوب است **کتاب حجت** **سؤال** آیا نبی بعقل
خود ثابت کند نبوت رسول و امامت ائمه را خوب است **جواب** خوب است **سؤال** چه فرق است میان
مذهب و ملت و دین و منهاج **جواب** مذهب اعم است و ملت اصول اعتقادی است که به تبدیل پیغمبران
تبدیل نمی یابد و نسخ در آن راه ندارد مثل توحید و دین مجموع ما جاء به النبی است در هر زمانی
و منهاج خصوصیات جزئیه فرعیه است که در دین پیغمبر و صی او تعیین میفرماید پس ملت پیغمبران بعد از
زمان ابراهیم یکی است و دین همه از ادیان سایر پیغمبران ممتاز است و منهاج علما زود آید خصوصیات
است که با زبعلم و تعلیم نبوی و الهام الهی است تعیین نموده **سؤال** اینکه مشهور است که حضرت
فرموده که من از عرب و عرب از من نیست اصلی دارد یا نه **جواب** نه **سؤال** حدیثی هست درباب
اینکه حضرت امیر المؤمنین ع در شبی از شبهای ماه مبارک رمضان در خانه هشتاد تن از صحابه افطار
نمودند **جواب** حدیثی نیست **کتاب معاد** **سؤال** چه میفرمایند علمای امامیه در این مسئله
که روح بعد از مفارقت از بدن بکجا میرود و ثواب و عقاب که واقع میشود برکه واقع میشود از
حال تا روز قیامت بر بدن حالی یا قالب مثالی یا روح و روح در کجاست و تعلق بکدام بدن
دارد و عود روح واقع میشود یا نه از حال تا روز قیامت آنچه از کتاب و سنت مستنبط میشود
اعلام فرمایند **جواب** آنچه از احادیث ظاهر میشود اینست که ارواح سعدا گاهی در بهشت
دنیا و گاهی در وادی السلام که صحرای نجف اشرف است میباشند و گاهی در هوا طیران میکنند
و نیز در قبر خود می آیند و در ساعت اول که بقبر میگذارند روح بهمین بدن واقع میشود و
بعد از آن روح در قالب مثالی تعلق میگیرد و در آنجا مکرر میباشد و ثواب و عقاب که واقع
میشود بر روح واقع میشود و ارواح اشقیا گاهی در برهوت که وادی است در یمن معذب میباشند
و ارواح مستضعفین را ثواب و عقابی در برزخ نمیباشد تا در قیامت حال ایشان معلوم شود
و جمعی از نیکان بسیار نیک و بدان بسیار بد ایشان را رجعت میباشد در آن وقت ارواح نیز بدان
ابدان عود میکند **کتاب ایمان و کفر** و در آن چند فصل است **فصل اول** در بیان
اعتقادات **سؤال** چه میفرمایند در باب شخصی که بقدم عالم قایل باشد و گوید که ما نمیگوییم قدم
بالذات است بلکه قدیم بالزمان است حال این شخص چون است **جواب** این هم مخالف ... [illegible]

باب حجت

باب معاد

باب ایمان و کفر در اعتقادات

[illegible]

سؤال چه میفرمایند که هرگاه کسی انکار این حدیث کند که آسمانها لون مخصوص دارند و گوید عقل من این را قبول نمیکند و ما هرچه از اصول باشد از حدیث قبول میکنیم و هرچه از فروع است بعضی حدیث را سنجیم اگر قبول کرد قبول میکنیم والا فلا حال این شخص چون است جواب آنچه متواتر و ضروری دین نباشد انکارش موجب کفر نمیشود اما جرات بر خدا و ائمه است

سؤال چه میفرمایند در پیروی حلاج و امثال او آیا هدایت است یا ضلالت جواب بسم الله الرحمن الرحیم بسیاری از اعتقادات و اعمال ایشان مخالف طریقه مستقیمه اهل بیت رسالت علیهم السلام است و احتراز از ایشان لازم است و کسی که شیعه اهل بیت علیهم السلام باشد میباید اقوال و افعالش موافق فرموده ایشان باشد و در کتاب عین الحیوة بعضی از بدعتهای ایشان را ذکر کرده ام والسلام علی من اتبع الهدی محمد مومن

فصل دوم در احکام نیت اعمال

سؤال بنده ذلیل سید علی عرض میرساند که هرچند فکر میکنیم که مطلب آن قبله گاه را در این مسئله که در عبادات قصد نیت و وجوب و ندب و ادا و قضا در کار نمیباشد بفهمیم نفهمیم زیرا که بنا بر تحقیق مراد از معنی نیت چه باشد آن نحو که در عین الحیوة و چه بآن نحو که بالمشافهه فرموده اند نیت گفتن بزبان یا گذرانیدن در خاطر لفظ وجوب و استحباب و ادا و قضا را نیست و هرگاه شخص اداء و قضاء و وجوب و ندب فعلی را داند بدون این قصد چه نحو عمل میتواند آورد که مراد آنم که دانستن وجوب واجب و ادای ادا را در کار نمیدانند پس اگر شخصی مثلا نداند که ظهرین واجبند و بعد از خروج وقت قضا میشوند و همچنان میکند آیا صحیح است یا نه جواب بسم الله اینکه نیت وجوب و ادا در کار نیست محل دارد یکی بنا بر طریقه فقهاست که تذکر و استحضار این معانی را مقارن تکبیر در کار نمیدانند و دیگری آنکه در افعال همین که معلوم شد که مطلوب شارع است ضرور نیست سعی در علم بوجوب و ندب و در ادا و قضا و در ادعای مشتبهه بدون تحصیل علم یا ظن هم با احتیاط میتوان آورد و مسئله که شما فرض کرده اید از ضروریات دین است و جهل در آن ضرر دارد

سؤال در عبادات و سایر اعمال نیت قربت که عبارت از امتثال شارع و رجحان شرعی است بر وجهی که ممتاز باشد از غیر کافی میباشد یا نیت دیگر را در کار میدانند جواب نیت قربت در جمیع اعمال کافیست

سؤال اگر کسی اگر گوید بقصد دخول در نماز بدون اینکه قصد کند در دل

خود

خود که فلان نماز واجب یا سنت ادا یا قضا میکنم برای رضای خدای تعالی و در غسل سر بزیر آب کند یا آب بر سر ریزد بقصد غسل بدون اینکه در دل گذراند که غسل جمعه یا جنابت میکنم برای استباحه صلوة یا اینکه فلان غسل سنت میکنم برای رضای خدای تعالی و در وضو آب بر رو بریزد بقصد وضو بدون اینکه قصد کند که وضوی واجب میسازم برای استباحه صلوة واجب یا سنت قربة الی الله آیا نماز و غسل و وضو بدین وجوه درست است یا نه و بر تقدیری که جمیع آنچه مذکور شد شرط باشد اما شرط است که قصد قربة الی الله در آخر باشد یا در اول و وسط نیز جایز است جواب نیت در خاطر گذرانیدن این امور نیست اگر در آن وقت میداند که نماز واجب ادا میکند و غرضش رضای الهی است کافیست و همچنین در سایر اعمال و قصد اول و آخری نمیدارد باید باعث بر عمل رضای خدا باشد

کتاب ذکر و دعا و قرآن

سؤال الذاکرین الله کثیرا والذاکرات شامل است کسی را که فکر بسیار در معنی حدیث و قرآن کند یا تامل در آیات خدا کند یا فکر در احوال مرگ و بعد از مرگ کند یا نه جواب افضل انواع ذکر این است

سؤال فکر کردن در معنی قرآن و دعا افضل است یا خواندن بی تصور معنی جواب تفکر افضل است و جمع اکمل

سؤال اگر کسی مثلا یک ساعت بیشتر فرصت قرآن خواندن ندارد مثلا اگر بتانی و تدبر بخواند یک حزب میتواند خواند و اگر بسرعت بخواند دو حزب آیا تانی افضل است یا بیشتر خواندن جواب تانی و تدبر در تلاوت افضل است

سؤال حکمت در تکرار قصه واحده در قرآن مجید چیست جواب حکمتش بسیار است و قصه واحده را بعبارات مختلفه ادا کردن از جمله بلاغت است و تکرار قصه واحده بلفظ واحد آن قدر اثر ندارد که بالفاظ مختلفه ادا کنی و وجوه دیگر بسیار است والله یعلم

سؤال اگر کسی قرآن یا دعا بخواند و معنی آن را در دل مستحضر باشد آیا داخل است در مصداق حدیث تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة یا نه جواب ظاهرا داخل باشد

سؤال اگر کسی از ترس عذاب آخرت متکلم شده که یا لیتنی کنت عقیما و امثال این جایز هست یا نه جواب اگر مناجات منقوله را بخواند بهتر است و امثال این عبارات در بعضی از دعاهای منقول هست

سؤال اگر کسی بگوید که خداوندا مرا صبر بر عذاب آخرت نیست اگر گناهان مرا میبخشی خوب

واگر جزای اعمال سیئه مرا در دنیا بمرض یا بلای ابتلای ببلاها اما صبر بلا در حین نزول
بلا روزی کن آیا خوبست **جواب** دعای مغفرت و طلب آمرزش و عافیت باید کرد و رحمت
خدا وسیع است و بلا طلبیدن ممنوع است **سؤال** این فقره چه معنی دارد کم فیها اوجب
حقا علیّ واقدم احسانا الیّ واعظم منة لدیّ فان اقاصّها بعدل او اجازیها بمثل
جواب ظاهرا مراد این باشد که وجوب حق این نعمتها زیاده از مرتبه است از وجوب که بمقاصّه
و مجازات توان کرد پس بعد سر کلام چنین میشود که ما هی بل کم اوجب حقا منها فی
حال یمکن لی ان اقاصّها والله یعلم **سؤال** نفع ندادن دعای مخصوص از برای درد
مخصوص هرگاه از معصوم منقول باشد و همچنین هرگاه در شان آیه منقول باشد که از برای
فلان چیز نافع است و آخر نفع آن ظاهر نمیشود از چه راه است **جواب** بعضی شرایط دارد
از ترک معاصی و نیت درست و اعتقاد جازم و نفقه حلال و غیر ذلک و بترک آنها دعا اثر نمیکند
و در عین الحیوة قدری بیان شده است **سؤال** در کتب معتبره مرویست از حضرت صادق که من قال
سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم وبحمده کتب الله له ثلثة آلاف حسنة ومحی عنه ثلثة آلاف سیئة
ورفع له ثلثة آلاف درجة وخلق منها طایرا فی الجنة یسبّح له وکان اجر تسبیحه له و از حضرت رسول
منقولست من قال سبحان الله وبحمده کتب الله له الف الف حسنة ومحی عنه الف الف سیئة ورفع
له الف الف درجة الحدیث اگر در حسنه متفاوت در کیفیت نباشد سبب چیست که ثواب اول کمتر باشد
با وجود اشتمال او بر ثانی و مزید بر آن **جواب** لازم نیست تفاوت در مقدار حسنه هر حدیث
محتمل است و تفاوت در اخلاص در نیت و سایر شرایط قبول و کمال عمل نیز والله یعلم **سؤال**
دعا را هرگاه نقش باشد که بنویسند و بیاشامند بمرکب نوشتن و آشامیدن چون نیست یا چون بعد
طبع **جواب** لازم است حرمت هر چیز که طبع از آن نفرت داشته باشد ثابت نیست اما احتیاط آنست
که بزعفران و امثال آن نوشته شود والله یعلم **سؤال** در ثواب الاعمال و غیر آن حدیثی هست که هر که صلوات
علی محمد وآله کتب الله له مائة حسنة ومن قال صلی الله علی محمد واهل بیته کتب الله له الف حسنة وعن
عمار بن موسی قال کنت عند ابی عبدالله فقال رجل اللهم صل علی محمد واهل بیت محمد فقال
ابو عبدالله یا هذا قد ضیّقت علینا اما علمت ان اهل البیت خمسة اصحاب الکساء فقال الرجل

کیف

کیف اقول قال قل اللهم صل علی محمد وآله فنکون نحن وشیعتنا قد دخلنا فیه این حدیث بحسب ظاهر با حدیث
سابق منافات دارد **جواب** حدیث عمار کم است که لفظا و یا معنی ندانسته باشد و شاید مراد باشد
از اهل بیت خصوص اصحاب کسا کرده باشد لهذا منع فرموده و اگر کسی معنی عام را اراده کند خوب باشد والله یعلم
سؤال اگر کسی داخل کند در خواندن اذکار و خواندن سوره و نماز و روزه مثل اینکه روزه ماه رمضان
در کردن او هست در ایامی که روزه سنت میکند روزه بدارد و مثلا چهار رکعت نماز نافله شام را به
هیئت نماز غفیله و نماز وصیت بگذارد تا قائم مقام هشت رکعت شود و دوازده قل هو الله سنت است بعد
از هر نماز و در صبح با نیت قل هو الله خواندن سنت است و در قبرستان یا نیت قل هو الله احد بخواند بقصد هر سه و
در آخر یک قل هو الله دیگر بخواند تا دوازده تمام شود یا این دوازده قل هو الله بمنزله سی و چهار قل هو الله شود یا
در این مواضع و امثال این مواضع صادق است که عمل بجمیع احادیث کرده و حاصل میشود برای او جمیع ثواب اگر جدا
جدا میکرد یا نه **جواب** در نیت اکتفا نباشد و اگر در غیر صوم جدا بعمل آورد بهتر است و در صوم تا حکم
باشد سنت بلکه بگیرد **سؤال** هر تربت شریف امام حسین استشفا با شرایطی که مذکور است در کتابها
افضل است یا شرط است و بر تقدیر عدم اشتراط تا چهار فرسخ و هشت فرسخ که واقع شده از برای اینها
مسافت خاصیت شفا تمام هست و اگر از خارج بیاورند و تو به ضریح مبارک و بالای سر برند ترجیح
دارد و داخل تربت محترمه خواهد بود یا نه اتفاقا یا نه و تربتی که احترام آن واجب است کدام است و
خلاصه آنچه در باب حرمت استشفا دارید بیان فرمایید **جواب** تفاصیل اینها در مزار بحار مذکور است و
اگر اصحح توان برداشت احوط است و هر چند نزدیکتر باشد بهتر است و ظاهرا با تفسیح توان برداشت
و ظاهرا اگر بقصد استشفا بدون دعا بردارد نیز خوب باشد و اگر بعکس روایات دعا عمل کنند احوط است و
محترم آنست که بقصد تبرک برداشته باشند والله یعلم محمد مهدی **کتاب طهارت** و در آن دوازده فصل
است **فصل اول** در انواع آبها و احکام آن **سؤال** چشمه که آب کمی از آن بیرون می آید و قلیلا
بیکجا جمع شده یا هیچ جمع نشده باشد بملاقات نجاست نجس میشود یا نه **جواب** آنچه از آن جمع شده باشد جاری
باشد یعنی چشمه اش منقطع نشده باشد بدون تغییر نجس نمیشود **سؤال** مقدار کر که بملاقات نجاست نجس نمیشود
باعتبار وزن و مساحت چه قدر است **جواب** قوی تر آنست که باعتبار مساحت شبر در شبر در شبر
کافی است اما سه شبر و نیم احوط است **سؤال** آب کم از کر بملاقات نجاست نجس میشود یا نه **جواب** اشهر

و اولی آنست نجس نمی‌شود و در جای دیگر فرموده که ظاهر اینست که نجس نشود و احوط اجتناب است
سؤال آب چاه بملاقات نجاست نجس می‌شود یا نه جواب اولی آنست که نجس نمی‌شود مطلقا بملاقات خصوصا وقتی
که کر باشد و در جای دیگر فرموده اند ظاهر آنست نجس نمی‌شود اما بهتر احتیاط نزح کردن است سؤال نزح که در کتب
فقهی مذکور است و از برای هر چیزی قدری مقرر شده مستحب است یا واجب جواب اگر آب چاه متغیر بنجاست نشده باشد
مستحب است و اگر متغیر شده واجب است سؤال اگر چند دلو آب از چاه بکشند و بریزند در نهر که مجموع
بقدر کر باشد اما زمین منحدر باشد که آب یکجا نمی‌ایستند آیا این حکم کر دارد یا نه جواب اگر قدر کر باهم
مجتمع و متصل باشند حکم کر دارد سؤال هرگاه بئر و بالوعه در زمین رخوه باشند و بئر نسبت
به بالوعه فوق است بحسب جهت یا تحتیت یا مساوی داشته باشد و در صورت مساوی بئر طرف شرقی بالوعه واقع
شده باشد یا طرف غرب و در هریک از صور اربع بئر نسبت به بالوعه فوقیت قرار داشته باشد یا تحتیت یا مساوی
و در هریک از این صور دوازده گانه چه مقدار فاصله میان ایشان مستحب است جواب

بیان بئر و بالوعه

تحتیت جهة بئر (رخاوت)			فوقیت جهة بئر (رخاوت)		
فوقیت قرار بئر	تحتیت	تساوی	فوقیت قرار بئر	تحتیت	تساوی
۵	۷	۷	۵	۵	۵
تغرب بئر (رخاوت)			**تشرق بئر (رخاوت)**		
فوقیت قرار بئر	تحتیت	تساوی	فوقیت قرار بئر	تحتیت	تساوی
۵	۷	۷	۵	۷	۷

سؤال فضله و بول گربه اگر بچاه بریزد چه حکم دارد جواب اگر توانند تمام آب چاه را بکشند و الا
دو روز که چهل دلو کافی باشد و اگر هفتاد دلو بکشند بهتر است والله یعلم بحقیقته سؤال آب مضاف
کدام است جواب آب مضاف آبیست که اطلاق اسم آب بدون قید بر آن نتوان کرد فصل دوم
در بیان نجاسات و اسئار سؤال نجس العین چند چیز است که اجتناب از آنها و سور آنها باید کرد جواب
سگ و گراز و خوک سؤال موش نجس العین است یا نه جواب نه و استعمال سور آنرا مکروه میدانند
سؤال موش نجس بلد اند و میته اش نجس است یا نه جواب نجس است سؤال در بعض بلاد که اهل
تسنن می‌باشند و کشک و روغن می‌سازند گاه اتفاق می‌افتد که مهمان ما می‌شوید یا ما را بایشان
رجوعی هست چیزی بایشان دادن و با ایشان در خانه ایشان چیزی خوردن و از ایشان روغن و

بیان انواع نجاسات

کشک

کشک خریدن هر چند ضرر رسانند چون است جواب اگر نجاست ایشان ظاهر نباشد ظاهرا جایز
است و با ظهور تعصب اجتناب کردن بدون ضرورت شاید احوط باشد سؤال سنی و صوفی خواه عالم باشند
و خواه جاهل پاکند یا نجس جواب سنی در این زمان حکم بنجاست ایشان نباید کرد تا امام حق ظاهر
شود مگر آنکه عداوت اهل بیت را ظاهر کنند و از صوفیان چیزی که خلاف ضروری دین باشد
نشنوند حکم بنجاست او نتوان کرد والله یعلم سؤال پوستی که در دست سنیان باشد خواه دباغی کرده
باشند و خواه نکرده باشند پاکست یا نه و کفش و مسح و موزه و غیر اینها از ایشان خریدن چون است جواب
پوستینهایی که میته را بدباغی پاک میدانند احوط آنست که مطلقا از ایشان پوست نخرند سؤال ادای سرکین
طاهر است یا نجس جواب طاهر است تا آنکه علم بهم رسد که ایشان ملاقات برطوبت کرده اند هر چند که مستحب است
از جهت آنکه احتمال دارد که ایشان از مسلمانان مستعمل بعد خریده باشند سؤال بول و سرگین اسب و استر و الاغ
پاکست یا نجس جواب احوط اجتناب است خصوصا بول سؤال هرگاه همراه فضله انسان مثلا دانه
انگوری بیرون آید و همان فضله را تا آن دانه انگور گاوی بخورد باز آن دانه همراه سرگین گاو
بیرون آید آیا آن دانه انگور پاکست باعتبار آنکه داخل فضله آدم بوده و احتیاج بشستن این
مسئله اینست که مشهور است چنانکه مشهور که چنین سرگین در میان خرمن غله هنگام کردن ابتر آنرا و ظاهر مشهور
جواب ظاهر اینست که پاکست و از کجا علم بهم میرسد که این دانه همان است که در میان فضله آن انسان بوده
سؤال زرق طیر غیر مأکول اللحم پاکست یا نجس جواب اظهر طهارت است و احتیاط عدم در اجتناب
سؤال زرق طیوری که مأکول اللحم بودن و نبودن آن مشتبه باشد پاکست جواب در زرق طیور
هر چند مأکول اللحم نباشد طهارت را اقوی میدانم خصوصا در مشتبه است سؤال در نجاست
و طهارت شیر مرضعه دختر و آنچه اعتقاد دارید جواب ظاهرا شیر ایشان هر دو پاکست سؤال
شیر آدم پاکست یا نجس جواب پاکست و شیر دختر گر احتیاط داشته در نماز اگر غیر صاحب شیر مطلقا در آن
نماز نکنند احوط است والله تعالی یعلم سؤال سؤر حیوان نیم خورده است یا مباشره جسم حیوان جواب
مباشره جسم حیوان سؤال شما را در سؤر حیوان چه اعتقاد است جواب فقها آنرا مباشره جسم
حیوان را عنوان کرده اند فصل سیم در آداب استنجا سؤال در وقت تغوط عند الحاجه
خود را بسنگ پاک آلوده میتوان کرد یا نه جواب اگر از حد استنجا عرفا بدر نرفته باشد

بیان آداب استنجا

دو رسته توان کرد و مشهور آنست که واجبست استنجا با آب **سؤال** آب استنجا پاکست یا نجس
و بر تقدیری که پاک باشد شامل استنجا از غایط با تعدی هست یا نه **جواب** آب استنجا پاکست و در غایط
متعدی مشهور آنست که پاک نیست و ظاهر آنست که پاک باشد مگر آنکه تعدی بر خلاف معتاد کرده باشد مثل
آنکه بران رسیده باشد و احوط اجتنابست **سؤال** هرگاه شخصی استنجا با آب کند از غایط و بدست راست
آب بریزد و بدست چپ خود را پاک کند آیا پیش از آنکه مخرج پاکیزه شود آب استنجا پاکست هر چند دست
ملوث باشد بنجاست و بعد از آنکه مخرج پاک شد از عین نجاست آیا دست و مخرج را علیحده آب باید ریخت
یا احتیاج نیست **جواب** پاکست هرگاه دست از آب بر مخرج ملوث شده باشد و اگر عکس شده باشد
نیز ظاهرا پاک باشد اما محل خلافست و بعد از زوال عین از دست و از مخرج دیگر آب ریختن در کار نیست
سؤال کسی که استنجا از غایط میکند هرگاه آب بریزد بیکمرتبه تا عین زایل شود یا بعد از زوال عین
عین احتیاج هست که یکمرتبه دیگر یا زیاده آب بریزد یا در کار نیست **جواب** در ازاله مخرج غایط زوال
کافیست و مخرج بول را دو بار بریزند و سه بار بهتر است احتیاطاست و آب بدست نجس بعد از آن در کار
نیست **سؤال** کره التخلی علی القبر یعنی چه **جواب** یعنی بول و غایط کند بر روی قبر

فصل چهارم در ذکر طریق تطهیرات متنجس

در بیان تطهیر اشیاء متنجسه

سؤال آب قلیل که نجس شود بمجرد اتصال بکر پاک میشود یا امتزاج
شرط است **جواب** ظاهرا اتصال کافی است **سؤال** آب نجس که یخ شود و برف نجس را چون متصل
با آب جاری کنند طاهر میشود یا نه **جواب** آب نجس که یخ شود ظاهرا تا آب کشیدن پاک نشود و برف نجس را
اگر در میان کر فرو بریزد و آب نفوذ کند آنچه نجاست نفوذ کرده طاهرا پاک شود **سؤال** چه میفرمایند در
آبی که از آب چاه پر کرده و سطح وی مشرف باشد بر حوض نجس و از آن کر متصلا یا منقطعا
آب آن حوض بریزد تا بقدر یک کر آب شود باشد آیا آب آن حوض طاهر و مطهرست یا نه **جواب**
اظهر و اقوی آنست که اگر آب بسیار بریزد که در عرف اتصال بهم رسد و ممزوج شود پاک میشود والله اعلم
سؤال کری که آب آن ملتی باشد بباران قلیلا که آب آن بسرعت بر زمین جاری نمیشود و باوده
از آن جاری نمیشود پاک میشود یا نه **جواب** احوط آنست که تا جاری نشود حکم بطهارت نکنند

فصل پنجم در ذکر طریق ازاله نجاست از بدن و جامه و اشباه آن

در بیان ازاله نجاست از بدن و جامه

سؤال صبایا و مجانین
نیز حکم کبیر عاقل دارند که هرگاه در بدن یا جامه ایشان نجاستی مشاهده شود و چون از نظر غایب

شوند

شوند بار دیگر که ببینیم که نجاستی ظاهر شد حکم بطهارت کنیم یا نه **جواب** اشکال دارد که ایشان حکم
کبیر عاقل داشته باشند **سؤال** هرگاه در ماه روزه کسی نجس شد آیا اگر آب بر دهن و دماغ بریزد پاک
میشود یا نه **جواب** احوط ازاله جمیع است **سؤال** هرگاه زیر ناخن یا زیر پوست خون دلمه باشد
و بعد از چند روز ابتدا به بیرون آمدن بکند آیا بعد از شروع کردن خون به بیرون آمدن هر خونی
که با آن متصل است و حرج ندارد واجبست که بیرون آورد یا نه **جواب** اگر بمالیدن بلکه رنگین شود اگر ضرر
نرساند خون را بیرون آورد و الا اجره کند و اگر رنگین نشود بیرون آوردن در کار نیست **سؤال** ازاله نجاست از
بول و غیر آن بچه روش باید کرد تا پاک شود **جواب** ازاله نجاست بول بدو نوبت شستن است و بهتر آنست که حتی الامکان
دو نوبت بیفشرند یکی در میان و یکی در آخر و در باقی نجاسات بغیر از لیسیدن سگ بعد از ازاله نجاست یکمرتبه
باید شست **سؤال** جامه را در آب کم تطهیر باید داد مفصلا بیان فرمایند **جواب** در آب کثیر که بقدر کر باشد
اگر فرو برند بعد از زوال عین نجاست و بیفشرند کافی است و اگر دو مرتبه بشویند احوط است و با آب قلیل اگر
در دست نگاه دارند و آب بر آن بریزند و بیفشرند دو مرتبه چنین کنند خوبست و اگر در میان ظرف بگذارند
و آب بریزند و بیفشرند و آب ظرف را بریزند و آب دیگر در ظرف بگذارند و بریزند دو مرتبه چنین کنند
احوط است **سؤال** رنگ خون که بعد از ازاله عین و غسل در جامه بماند پاکست یا نجس **جواب** بعد از التطهیر
شرعی قصوری ندارد **سؤال** اگر کسی بگوید جامه اش که با احتلام یا غیر آن نجس شده باشد بشوید بمجرد زوال
عین و لزوم حمل افعال مسلمین بر صحت حکم بطهارت آن میتوان کرد تا آنکه یقین بطهارت بهم رسد
حکم بطهارت نمیتوان کرد **جواب** هرگاه فی الجمله اطلاع و تدین داشته باشد حکم بطهارت میتوان کرد
سؤال میخواهیم بدانیم عمل شما را در این مسئله بچه طریقست **جواب** کسی که معتمد دانیم و ظن غالب داشته باشیم
که نهایت احتیاط در تطهیر میکند برا و اعتماد میکنیم **سؤال** کفش که نجس شود بمحض آب ریختن پاک
میشود یا نه **جواب** پاک میشود بشرط آنکه آنقدر آب بریزند بعد از برطرف شدن نجاست که آب نفوذ کند در جا
جاکه نجاست نفوذ کرده و در نجاست بول دو مرتبه آب بریزند **سؤال** هرگاه بدست جامه نجس را بشویند
یا بدست آب را با طراف ظرف بریزند تا ظرف پاک شود آیا شستن دست در این صورت واجب است
یا نه **جواب** دست با جامه پاک میشود در ظرف اگر آب بریزند در دست بهم است **سؤال** اگر باران وقت
باریدن بر زمین نجس چکد و بر جهد بر جامه و غیر جامه آیا نجس میشود یا نه **جواب** اگر باران بر زمین جاری

شده باشد نجس نمیشود والا احوط اجتناب است **سؤال** آیا معفو است نجاست جامه مربیه صبی هرگاه
بشوید آن جامه را در روزی یکمرتبه **جواب** اگر غیر از آن جامه نداشته باشد معفو است **سؤال**
فرق هست میان مربیه صبیه و صبی و مربیه که مولد باشد **جواب** فرقی نیست **سؤال** زمین گل مطهر است
یا نه **جواب** احوط اینست که مطهر ندانند مگر رطوبت بسیار قلیل داشته باشد که آن مطهر است اقرب است **سؤال**
مراد از اینکه در بعضی اخبار وارد شده که گل باران را تا سه روز اگر ببدن و جامه برسد ازاله کردن
نیست چیست با علم بنجاست یا بدون آن **جواب** مراد آنست که بعد از سه روز هرچند علم بنجاست نباشد
ازاله مستحب است **سؤال** ته کفش و پا که نجس باشد بسبب راه رفتن در زمین تر یا گل پاک میشود یا نه **جواب**
هرگاه گل منجس بر طرف شود پاک میشود **فصل ششم** در ذکر طریق تطهیر زمین و اشباه آن

بیان تطهیر زمین و اشباه آن

سؤال در زمین ریگ که آب باران زود جاری میشود و از زمین غیر ریگ اگر بسبب باران بام زمین
تر شود آیا پاک میشود آن جایی که نجس است از زمین هرچند که ناودانها از آنقدر باران جاری نشود یا نه
جواب احوط آنست که تا جاری نشود حکم بر طهارت نکنند و در جای دیگر فرموده اند که ظاهر آنست که
هرگاه باران آنقدر ببارد که اکثر جاها آب جاری شود چنین بارانی مطهر است و پاک میکند **سؤال** اگر سنگ
یا خشت را در زمین کوفته باشند نجس شود اگر آب بران بریزند پاک میشود یا نه و تفاوتی هست میان آنکه
در زمین کوفته باشند یا نه و همچنین اگر بر زمین نجس سست یا سخت آب قلیل بریزند و منفصل شود طاهر
میشود یا نه **جواب** مشهور آنست که اگر غساله از آن سنگ یا زمین جدا میشود پاک میشود والا پاک
نمیشود و از بعضی احادیث ظاهر میشود که پاک میشود و احوط عمل بمشهور است **سؤال** خشت پخته و سنگ
را که فرش کرده باشند اگر نجس شود و آب بران ریزند یا تر شود و آفتاب آنرا خشک کند پاک میشود یا نه
جواب بعد از برطرف شدن عین نجاست ظاهرا اگر آب بریزند و با آفتاب خشک شود پاک شود **سؤال**
آنچه و حصیر هرگاه نجس شده باشد و عین نجاست باقی نباشد بتابیدن آفتاب پاک میشود یا نه **جواب** پاک
نمیشود مگر آنکه اول آبی بران بپاشند و بعد از آن آفتاب بتابد و خشک کند **سؤال** زمین خانه
که آفتاب بران نتابد بر نجاست قلیل پاک میشود یا نه **جواب** هرگاه آب بر زمین بریزند که آب مستولی
شود پاک میشود **سؤال** زمین نجس را که بروبند گرد آن چه حکم دارد **جواب** آن گرد نجس است **سؤال**

در زمستان

در زمستان و بهار در کوچه‌ها گل میشود و نجاست ظاهری هم در آن کوچه هست و جاهایی که نجاست ظاهر است
آب و گل بآن جای نجس متصل است در باب نجاست و طهارت چه حکم دارد **جواب** چنانچه نجاست معتبر
باشد تا هر جا که آب اتصال دارد نجس است و گل چنانچه تلبین در آن باشد که نجاست نفوذ باطراف
کند آن اطراف نجس خواهد بود والا نجس نخواهد بود **فصل هفتم** در ذکر طریق تطهیر ظروف و حکم ظروف

بیان تطهیر ظروف و حکم ظروف طلا و نقره

طلا و نقره **سؤال** مثلا قدحی که از سفال است از آب نجس پر شده و از آن ظرف آب بیرون آمد
و بعد از آن آب آن بر طرف و خشک شد آیا اگر آنرا به آب فرو برند و فی الحال بیرون آورند چنان
ظاهر و باطنش پاک میشود که اگر بعد از آن آنرا پر از آب کنند و قدری بگذارند که آب از آن ظرف
بیرون آید آن آب بیرون آمده پاک باشد یا نه **جواب** احوط آنست که آنقدر در میان آب بگذارند
که آب پاک بهر جا که آب نجس رسیده است برسد **سؤال** ظرفی را که بیرون و اندرون آن
نجس باشد چگونه تطهیر باید داد **جواب** آب بر بیرون بریزد و باندرون بگرداند و بریزد و در غیر
لیسیدن سگ دو مرتبه احوط است **سؤال** کوزه که از گل نجس ساخته شود به تحقیق پاک میشود یا نه **جواب**
مشکل است **سؤال** در وقتی که دوشاب میپزند دو محلی که یکی از برای انگور است و دیگری از برای
عصیر اول است ثانی ارتفاعی داشته و دمی هرکدام بقدر یک گز یا زیاده شاید باشد اگر احدهما
نجس شود و جریان آب کثیر مفقود شود تطهیر بآب قلیل چگونه میتوان داد و همچنین اگر بیش از آنکه
آب بران کرده شود نجس شود و آب وان و باران و تابیدن آفتاب ممکن نباشد علاج آن چگونه
خواهد شد **جواب** اگر ممکن شود که بریزند آب آنرا بمحل نجس احوط است و طریق تطهیر در جمیع
بآب قلیل آنست که اول پایین او را بشویند و همچنین بتدریج از پایین بسمت بالا بشویند
و آخر غساله آنرا بکوزه بردارند و بکهنه خشک کنند و آن کوزه و کهنه را با آب بشویند احتیاطا
و احتیاط آنست که دو مرتبه باین روش شسته شود **سؤال** ظروف طلا و نقره که استعمال آن حرام
است چه چیز است **جواب** ظاهر اینست که آنچه در عرف و عادت بجهت استعمال اکل و شرب است **فصل**
هشتم در ذکر طریق تطهیر نمد و قالی و اشباه آن **سؤال** اگر قالی و نمد و پلاس و لحاف و

فصل بیان تطهیر نمد و قالی

نهالی و بالش که پنبه یا پشم یا چیزی دیگر در میان آن کرده باشند و نجس شود و آب
قلیل بران ریزند چنانچه نجس را فرا گیرد و مطلقا آن را تفت ریزند هرچند فشردن آن

قدری ممکن باشد آیا طاهر میشود یا نه جواب مشهور آنست که پاک نمیشود و احوط آنست
که آن قدر آب بریزند که جمیع آنچه نجاست بآن رسیده است بعنوان جریان آب بآن برسد
و بیفشرند آنچه را فشردن ممکن باشد و الا بکوبند بدست یا بچوب تا آنچه ممکن است بیرون
آب از آنها بیرون رود سؤال قالی یا پلاس که نجس شود بدون فشردن بمحض آب ریختن
دو مرتبه پاک میشود یا نه جواب پاک میشود بشرط آنکه بجای فشردن احتیاطا بکوبند سؤال
چیزی که فشردن آن متعذر یا متعسر است مثل نمد و رختخواب اگر نجاست از آن طرف
بیرون آید آیا کافی است که آب را بران ریزند تا بر روی آن جاری شود و بجوف برسد
یا نه جواب احوط آنست که آب آنقدر بریزند که بجمیع آنچه نجاست بآن رسیده بعنوان
جریان برسد با چوب و غیران بکوبند تا آنچه مقدور است از بقایای آب بیرون رود
و احوط آنست که دو بار چنین کنند و اگر بالش باشد که رویش را توان جمع کرد
و فشرد ممکن است که رویش را آب بکشند و میانش نجس باشد و الله یعلم سؤال هرگاه
نجاست در رختخواب نفوذ کرده باشد بلکه از آنطرف بیرون آمده باشد طریقه
تطهیر آن چیست جواب بعد از ازاله نجاست آنقدر آب بریزند که بهمه جا جاری شود و بکوبند
و در نجاست بول دو مرتبه سؤال پلاس و قالی و نمد که نجس شود اگر ظرفی در زیر آن
گذارند و ازاله کنند و آب بران ریزند تا از آن طرف بیرون آید بدون فشردن
آیا این در تطهیر کافی است یا نه جواب ظاهرا کافی باشد و احوط آنست که بیفشرند
یا بکوبند که بقیه آب حتی المقدور بیرون رود و الله یعلم سؤال ریسمان نجس خواه از مو
باشد و خواه از غیر مو در آب قلیل طهارت دهند اخراج آب آن بقدر مقدور لازم است
یا نه جواب احوط آنست که عصر بعمل آید سؤال هر چه را از پوست ساخته باشند مثل
کفش و مسجی و غیر آن هرگاه نجس شود بمجرد ریختن آب پاک میشود یا نه جواب اگر بعد از
ازاله عین نجاست آب نفوذ کند هر جا که نجاست رسیده پاک میشود و اگر نجاست بول باشد
دو مرتبه آب بریزند

فصل هفتم در بیان حکم غساله بدن و جامه و غیر آن

سؤال هرگاه کسی مثلا روی خود را که نجس است میشوید و آب جدا میشود یا بر روی

در بیان حکم غساله بدن و جامه

بدن

بدن حرکت میکند و بجامه یا عضوی دیگر میرسد آیا پاک است یا نه و همچنین آبی که در شستن رخت
نجس با بدن جدا میشود آیا پاک است یا نه جواب اگر زوال عین نجاست نشده نجس است و
اگر زوال عین شده پس بعد از آن اگر غساله شستن اول باشد اجتناب احوط است سؤال
هرگاه بر بدن نجاستی هست که عین دارد بسبب زخم و آن شخص از آن نجاست اصلا خبر ندارد
در غیر وقت وضو و غسل آبی بآن رسید و آن آب بجاهای دیگر از بدن و رخت رسید آیا
این آب حکم غساله دارد یا بلا خلاف و بلا شک نجس است جواب اگر نجاست بآن زایل نشده
خلاف غساله در این جاری نیست بلکه بخلاف آب قلیل بر میگردد اگر متغیر نشده و با تغیر اتفاقا
نجس است سؤال غساله بدن و جامه و ظرف پاک است یا نه جواب جزم بنجاست ندارم
بدون تغیر و احوط اجتناب است سؤال هرگاه در وقت تطهیر جامه و بدن آب منفصل
و بر بدن یا جامه ریزد در مرتبه اول یا ثانی آیا شستن آنچه غساله بآن رسیده باشد واجب است
یا نه و اگر شستن آن لازم باشد آیا چه نحو است جواب محل خلاف است و احوط شستن است و اگر نجس
باشد که تعدد در شستن داشته باشد احوط آنست که بهمان طور بشوید سؤال آب کثیر که در آن
غسل جنابت یا باقی اغسال کرده باشند چه حکم دارد و غسل کردن و وضو ساختن مرتبه دیگر
بآن جواب ظاهرا ضرری ندارد و جایز است طهارت گرفتن مرتبه دیگر بآن سؤال استعمال
آبی که در رفع حدث اکبر استعمال شده باشد جایز است یا نه جواب مکروه است سؤال
غساله حمام که مذکور است در احادیث و فقه کدام است و حکم آن چه چیز است جواب ظاهرا
آبی است که در زمین حمام جمع میشود و جایی که در حمامها میباشد که آب غسل در آن جمع میشود
که الکال و مجلاب بعضی آنست و در جای دیگر فرمود که اگر مراد بغساله حمام اینکه آب از
اطراف سطح حمام جریان کرده در موضع جمع میشود و آنرا الکال و مجلاب مینامند پس در نجاست
آن شکی نیست و اگر مراد بغساله ظرفها چاهی است که در آن آب بر کنند و آنرا استعمال
میکرده باشند پس اگر آب آن بقدر کر است حکم کر دارد و اگر کمتر از کر است و متصل بماده
هست و ماده بقدر کر یا زیاده هست و ماده بلندتر است از آن آب مادامی که متصل

بآن ماده چیزی آنرا نجس نمیکند و اگر متصل بماده نیست حکم آن حکم آب قلیل است **تذنیب**
سؤال زمین حمام نجس است **جواب** پاکست تا علم بملاقات نجاست بهم نرسد **سؤال** عرقی که
از سقف حمام میریزد پاکست یا نه و اگر آن شخص که در نماز است این عرق براو بریزد آنچه
براو واجبست چه چیز است **جواب** حکم بنجاست نمیتوان کرد و اگر احتیاطا نماز را بعد از تطهیر
اعاده کند خروجا عن الخلاف بد نیست **فصل دهم** در بیان احکام سرایت
نجاست **سؤال** هرگاه چیزی ملاقی متنجسی شود نجس میشود یا نه **جواب** اگر ملاقات برطوبت
کند نجس میشود **سؤال** اگر بدن نجس شود و عرق کند لا جامه که ملاقی آن شود نجس میشود **جواب**
اگر عرق بسیار باشد بحیثیتی که جاری شود و از موضع نجس بجامه برسد نجس میشود **سؤال**
کل نجس یا آب نجس هرگاه یخ شود یا زمستان که یخ بسته شود و رطوبت قلیلی داشته باشد آیا اگر
جامه خشک یا غیر آن ملاصق آن شود نجس میشود یا نه **جواب** اگر رطوبت بجامه برسد نجس میشود
سؤال اگر تمام دست یا جامه نجس شد و نصف آنرا آب کشید آن نصف نجس سرایت میکند
باین نصف آب کشیده یا نه **جواب** محل خلافست و اکثر گفته اند جایز است **سؤال** اگر تمام بدن
اینکس نجس باشد اما نه چنانچه آب روان باشد بلکه بعضی از جاها قطرهای آب ایستاده است آیا
اگر بعضی بدن نجس شود سرایت بباقی بدن میکند یا نه **جواب** اکثری میگویند اعلای اسفل
سرایت میکند نه بعکس و بعضی بسرایت مطلقا قایل نیستند و مسئله محل اشکال است والله العالم
سؤال نجاست مینه خشک سرایت میکند یا نه **جواب** ظاهرش اینست که سرایت نکند و اگر
موضع ملاقات را تطهیر نماید بهتر است **سؤال** هرگاه اینکس در وقت وضو ساختن روی
خود را شست و تخلیل کرد و دهن خونین شد و رطوبت و دهن بسبب مضمضه کردن
متصل شده بود آیا اگر لبهای خود را بهم نهاد و دعیه وضو را میخوانده باشد
روی او نجس است بسبب سرایت یا نه **جواب** سرایت معلوم نیست اما احتیاط
اولی است **سؤال** اگر موضعی از خانه یا از جامه یا از پلاس نجس باشد و نداند که آن
جای نجس کجاست و چیزی با رطوبت ملاقی آن شود آیا حکم بنجاست آن چیز باید کرد

بیان احکام نجاسات

لا یبطل بحوت السؤال مراد ظاهر است عدم سرایت

یانه **جواب** احتراز از ان موضع مشتبه اگر محصور باشد لازم است در سجود اما حکم بنجاست
آنچه با آن ملاقات کند برطوبت نمیتوان کرد و احوط آنست که موضع ملاقات را آب
کشند و ایضا در جای دیگر فرموده اند که ظاهرا تا علم بهم نرسد که ملاقی موضع نجس شده
نجس نمیشود **مبحث دوم** در احکام شک در نجاست **سؤال** اگر عضوی از اعضای شخصی
زخم باشد و آنرا از خون پاک کرد و بسیار است که بعد از آن خون بیرون می آید و در
طهارت دادن آن آزار باید کشید و وقت صرف باید کرد آیا کسی بعد از آنکه طاهر
کند آن عضو را از خون جایز است که یکروز و دو روز و زیاده نگاه نکند در خون
هر چند که ظاهر این باشد که خون دارد یا در هر وقت وضو و غسل ملاحظه واجبست **جواب**
اگر ظن غالب بنجاست نباشد در کار نیست **سؤال** هرگاه دیکسی مثلا نجس شد و بسر آب
رفت که آنرا بشوید و آخر شک کرد که آیا شسته باشد یا در وقت بیرون آمدن از حمام دیر حمامی سراکه
نجس است بدست خود واکرد و بعد از ان جامه پوشید و بعد از ان شک کرد که آیا دست خود را شسته بود
چه حکم دارد و گاهی دیگر ظنش بر شستن غالب است **جواب** بهتر آنست که دست را آب کشد اما حکم بنجاست
جای دیگر که علم بطهارت آنها داشته بمحض ملاقات دست آنها نمیتوان کرد والله یعلم **وایضا** در جواب
نظر این فرموده اند اگر ظن بتطهیر غالب باشد و شک از راه وسواس باشد اعتبار نکند شک را و اگر شک
واقعی باشد دست را آب کشد و چیزهای دیگر تا علم بملاقات بهم نرساند حکم بنجاست نکند **فصل یازدهم**
در حکم بواطن و حکم مو و ریزهای پوست و ناخن که از بدن جدا میشوند **سؤال** هرگاه اندرون
دماغ خون داشته باشد و آب دماغ بر روی خون جاری شود و بیرون آید و تغیر نکند نجس میشود
یانه **جواب** اشهر و اقوی عدم نجاست و احوط اجتنابست **سؤال** اگر از بیخ دندان شخصی
خون بیرون آید آیا تمام دهن نجس میشود یا همانجا که متغیر شده **جواب** مشهور آنست که نجاست مخصوص
آن موضع است و بزوال عین نجاست پاک میشود و احوط آنست که بعد از زوال عین مضمضه
بکند **سؤال** هرگاه دهن اینکس نجس شد و در بیخ دندان اینکس بقیه از طعام هست آیا بعد از
آنکه دهن بدون آب پاک شد آنچه در بیخ دندان هست نیز پاک میشود و بر تقدیری که پاک نشود
بدون آب اگر چیزها بعر یا غیر آن بخورد و بعد از آن بخوره را آب پاک کند آن چیز نجس

بیان احکام نجاسات

در احکام موی و اجزای بدن

میشود بسبب آن بقیهٔ طعام یا نه **جواب** مشهور آنست که پاک میشود و احوط آنست که مضمضه
بکنند **سؤال** دست را که عین خون در آن باقی است هرگاه در دهن کند بحیثیتی که بلب نرسد و
دهن هم متغیر نشود آیا نجس میشود یا نه و در حکم میان دهن نجس و متنجس فرقی هست یا نه **جواب**
مشهور آنست که ازالهٔ نجاست باطن دهان واجب نیست و احوط آنست که مضمضه بکنند **سؤال**
اگر کسی عین نجاست را بدون آب از باطن دماغ و دهن و غیر آن از بواطن برطرف کند
دیگر آب در دماغ و دهن کردن جهت طاهر شدن آن در کار هست یا نه **جواب** احوط
مضمضه و استنشاق است چنانچه گذشت **سؤال** مویی که از بدن کنده میشود هیچ مو
که از میان گوشت بیرون آمده نجس است یا نه و بر تقدیر نجاست پاک میشود بآب یا نه و
اگر در وقت وضو و غسل که رو و دست این کس تر است چنین مویی بکند چه کند **جواب**
ظاهر آن موست که هنوز سیاه نشده **سؤال** ریزهای پوست که بلب خشک میشود و از آن جدا
جدا میشود پیش از انفصال و بعد از آن پاک است یا نه **جواب** ظاهر آپاک باشد **فصل**
دوازدهم در ذکر اقسام طهارات از حدث و در آن سه رکن است و ثلث یک **رکن**
اوّل در کیفیت و احکام متعلقهٔ آن و در آن سه مبحث است **مبحث اوّل** در کیفیت وضو
سؤال وضو را چه روش باید ساخت **جواب** سنت است که اوّل دستها را بتفصیل
مشهور بشوید و مضمضه و استنشاق کند بکمرتبه و احوط آنست که سه مرتبه مضمضه کند و سه
مرتبه استنشاق بروشی که آب از میان بینی در هر مرتبه برسد و واجب بعد از آنکه
بخاطرش باشد که وضو میسازم بجهت آنکه نماز کردن برا و مباح شود بجهت رضای خدا
و فرمودهٔ خدا بعمل آید آب بر رو ریخته رو را بشوید اما باید پیشانی از رستنگاه
موی سر بریزد و در یک شده جمع رو را بروشی که آب بر جمیع اجزای رو جاری شود و
در این مبالغه در دست البته کند تا بگوشهٔ چشمها و اطراف بینی آب جاری شود و بعد از آن
یک کف آب بر مرفق دست راست بریزد تا سر انگشتان بشوید بروشی که آب بجمیع محل غسل
جاری شود و همچنین یک کف آب بر مرفق دست چپ بریزد تا سر انگشتان بشوید بروش
مذکور و به تتمهٔ آب وضو پیش سر را بعد از انگشت بضموم مسح کند اگرچه ظاهر آنست

که مسح

بیان اقسام طهارات از حدث

که مسح کافیست و بعد از آن پشتهای پا را از سر انگشتان تا برآمدگی پشت پا بجمیع کف
مسح کند و همچنین پشت پای چپ را اما مسح کردن تا مفصل که بند پاست احوط است و ظاهر
اینست که از سر انگشتان تا موضع مذکور را بیک انگشت مسح کند کافی باشد **سؤال** حد لحیه از سر حد
لب است یا نه **جواب** یا همین تراز سر حد لب یک انگشت پائین نداند **سؤال** مضمضه را سه کف آب
حد معین دارد یا نه **جواب** بکمرتبه کافیست و تثلیث حدی بیش ندارد **سؤال** در بار شستن اعضای وضو سنت
است یا جایز نیست **جواب** جایز نیست اگر یک غرفه کافی نباشد و آب بهمه جا جاری نشود جایز
است که یک غرفهٔ دیگر بآن ضم نمایند تا آب بهمه جا برسد **سؤال** خفیف الشعر تخلیل واجب است
یا نه و معنی خفیف الشعر چیست **جواب** خفیف الشعر آنست که بن موها نمایان باشد و این دو قسم است یکی
آنکه مانند کوسج فاصله بسیار داشته باشد و در این شک نیست که فاصلها را باید شست دوم
آنکه مو بهمه احاطه کرده اما بن آن در بعضی مواضع مینماید این محل خلافست و ظاهر التخلیل در کار
نباشد و اگر تخلیل کند نهایت احتیاط است **سؤال** اگر موضع مسح تر باشد کسی خواهد وضو
بسازد مثلا در حمام چه باید کرد **جواب** اگر رطوبت قلیلی باشد مانند عرقی که در بدن میباشد
قصوری ندارد و اگر زیاده باشد که با آب مسح مخلوط شود احوط خشک کردن است **سؤال** اگر
در حین مسح آب از دست جاری باشد وضو صحیح است یا نه **جواب** اگر عرفا گویند که مسح بعمل آمده خوبست
اما بهتر آنست که چنین نکند که اول غسل بعمل آید **سؤال** چشم را در وضو میباید گشود یا نه **جواب**
نمیباید بلکه نهی واقع شده **سؤال** پس چه میفرمایند در حدیث نبوی که افتحوا عیونکم عند
الوضوء لعلها لا ترى نار جهنم **جواب** این حدیث از طرق عامه است **سؤال** اگر قبل از
اتمام وضو بعضی از اعضای وضو خشک شود وضو صحیح است یا نه **جواب** احوط آنست که
رعایت کنند که همهٔ اعضای سابقه بر رطوبت باقی باشد و در این مسئله خلاف بسیار است و اللّٰه اعلم
سؤال اگر کسی مسحی یا جا فشوری یا دارد اوّل مرتبه دست و رو را بشوید و مسح سر کند بعد از آن

آنچه در پای راست دارد بکشد و مسح کند و باز در پا کند و بعد از آن آنچه در پای چپ دارد بکشد
و مسح کند در غیر حال ضرورت جایز است یا نه جواب اگر فاصله بسیار نشود و اعضای سابقه بر
رطوبت باقی باشد قصور ندارد اگرچه احوط عدم فاصله است سؤال اگر بعد از شستن رو و دستها
هفت و هشت قدم یا زیاده راه برود و مسح سر و پاها کند چه حکم دارد جواب ظاهرا قصور
ندارد اگر اعضا تر باشد و احوط آنست که مشغول دست مالیدن و تخلیل اعضا باشد تا برسد
بآن مکان سؤال در وضو ساختن و غسل کردن هرگاه بسبب آب جاری کردن تنها باعتبار چربی که
در بدن میباشد بعضی جاها و بیخ موها خشک ماند آیا دست مالیدن بسیار ضرورست تا خشکی بالکلیه
برطرف شود یا نه جواب [illegible] اگر ظن غالب بهم رسد که آب بجمیع موضع غسل جاری شده کافی است
و بعد از آن خشکی بیرون ضرر ندارد و مبالغه در دست مالیدن سنت است [illegible] سؤال سلس
البول که مشهور آنست که برای هر نماز یک وضو بسازد حدثش در آمدن بول کدام است و چه چیز لازم است
یعنی بنظر خشک آمدن
جواب ظاهر آنست که مراد از سلس البول آن باشد که بول را در اثنای نماز محافظت
نتواند کرد ظاهر آنست که حدثی که موجب وضو است همان بول معتاد است و اینکه بجهة هر نماز وضو
باید ساخت فقها نقل کرده اند و حدیثی بنظر نرسیده است و احوط عمل بمشهور است مبحث
دوم در احکام شک در طهارت یا شستن بعضی اعضای طهارت و احکام
نجاست در موضع طهارت و طهارت [illegible] و امثال آن سؤال اگر کسی وضو
یا غسل کند و بعد از فارغ شدن شک کرد که آیا فلان موضع را شسته ام یا مسح کرده ام یا
انگشتری را که تنگ بود در وقت شستن حرکت داده ام یا نه و همچنین در غسل ترتیبی بعد از فراغ از غسل
شک کند که آیا جانب راست را شسته ام یا نه چه حکم دارد جواب شک بعد از اتمام ظاهرا اعتبار ندارد
سؤال اگر کسی را در اثنای وضو یا بعد از فراغ ظن غالب بهم رسیده باشد که فلان عضو
را ترک کرده بود چه حکم دارد جواب در اثنای وضو بعمل آورد و شک بعد اعتبار ندارد

احکام شک در طهارات

واگر

واگر ظن او بعد از فراغ بر ترک فعلی غالب شود احوط اعاده وضو است سؤال اگر کسی یقین
داند که وضو داشته و شک دارد که بعد از آن حدثی واقع شده که موجب وضو باشد یا یقین
میداند که وضو نداشته و شک دارد که آیا بعد از آن وضو ساخته و همچنین در غسل دیگر جواب
در جمیع آنها آنچه یقین داشته بنا بر یقین میگذارد و شک اعتبار ندارد پس اگر یقین بوضو
داشته و شک دارد در حدث حکم بصحت وضو میکند سؤال هرگاه موضعی از اعضای وضوی
و اگر یقین بحدث دارد و شک در وضو ساختن بعد از آن حکم بحدث میکند
اینکس نجس باشد بنجاستی که جرم ندارد یا متنجس است یا نجاستی است که زود عین آن برطرف
میشود و اینکس در وضو فراموش کرد که آنرا تطهیر دهد و وضو ساخت آیا آن وضو
درست است یا اینکه وضو درست نیست و هم اعضای وضو پاک نشده و هر جایی که این رطوبت
بآن رسیده هم نجس است و همچنین اگر در موضع غسل باشد در غسل ترتیبی جواب اگر غیر
نجاست بول یا ولوغ کلب و خنزیر مثلا نجاستی باشد که تعدد در ازاله آن شرط نیست ظاهرا
پاک شود چنانچه زوال عین در ضمن شستن شده باشد و وضو و غسل را اعاده باید کرد و الا
اگر نجاستی باشد که تعدد در ازاله آن شرط باشد یا زوال عین نشده باشد نجس است هر موضعی
که ملاقی شده مگر آنکه داند که بر موضع نجس دو بار آب ریخته است سؤال اگر مثلا دست کسی زخم
شد و آنرا پاک کرد و وضو ساخت و نماز کرد و روز دیگر وضو یا غسل کرد باد در دست خود درست
و بعد از آن یک ساعت یا زیاده مثلا دید که دستش بسیار سرخ است و چون آب بر آن ریخت
و بسیار دست کشید سرخی برطرف شد آیا حکم بر چه چیز کند و کسی بسیار با این مبتلا باشد چاره
او چیست جواب سرخی که در آخر [illegible] ضرر شستن اول ندارد گاه باشد که آخر بهم رسیده
باشد همین که در زیر آب میکشد کافی است سؤال بعضی از اعضا که کوبیده می شود و خون
در زیر پوست جمع میشود وضو ساختن چه حکم دارد بنا بر فرضی که پوست بالای خون حس نداشته
باشد جواب چنانچه پوست سوراخ نشده باشد وضو درست است و آن خون ضرری ندارد و
چنانچه سوراخ شده باشد کهنه تری بر او بکشند و اگر رنگ دارد بقدر مقدور که جراحت نشود

[illegible]

ازاله کنند و اگر رنگ نه هم احتیاج بازاله ندارد و وضو درست است سؤال چرک داشتن بیخ
ناخن مانع صحت وضو و غسل میشود یا نه جواب مانع نیست محل اشکال است احتیاط در
آنست که چرک را برطرف کنند سؤال هرگاه مکلف بجهت نمازی که هنوز وقت آن داخل نشده وضو
بسازد آن وضو صحیح است و بآن نماز میتوان کرد جواب احوط آنست که در وضوی پیش از
وقت چنین قصد کند وضو میسازم تا آنکه طهارت شرط در مباح بودن آنست مباح شود و
برضا و فرموده خداوند عالمیان وضو میسازم تا بعد از این هر نمازی که خواهم توانم کرد و اگر
در وقت وضو ساختن مشغول الذمه بنماز واجبی باشد بنیت وجوب جهت گذاردن آن نماز
میتواند ساخت و در جای دیگر از ایشان نقل شده که احوط اینست که پیش از وقت
وضو را بقصد مشروط بالطهاره بعمل آورد هر چند که اراده بفعل آوردن آن نداشته باشد
سؤال در وضوی که پیش از غسل روز جمعه میکنند چه نحو نیت باید کرد جواب بهتر آنست
که اگر مشغول الذمه بنماز واجبی باشد بقصد آن بکنند و الا بقصد رفع حدث و مباح بودن
مطلق نماز و داخل ساختن با هر نمازی که خواهد تواند کرد و قصد قربت هم با آن ضم کند سؤال بوضوی
سنتی هر چند از برای غیر نماز سنتی باشد نماز واجبی میتوان کرد یا نه جواب ظاهرا توان کرد و
احوط آنست که استباحه صلوه بلکه مطلق آنچه طهارت شرط اوست قصد کند مبحث سیم
در طهارت گرفتن در مکان غصبی و آب مضاف و امثال آنها سؤال در زمین غصبی وضو ساختن
و غسل کردن و نماز کردن چه صورت دارد جواب حکم ببطلان نمیتوان کرد اما احتیاط در احتیاط است
سؤال طهارت ساختن در ملک کسی که اذن صریح نداده باشد چه حکم دارد جواب املاکی که زراعت نداشته
باشد و علامت عدم اذن بجهت آن نباشد و از طهارت ساختن در آنجا ضرری بصاحب ملک نرسد اذن فحوی در چنین
مواضع حاصل است که جمیع مسلمانان ره چنین امری کرده اند سؤال نهری هرگاه در ملک شخصی باشد و آن
نهر عام باشد وضو ساختن از آن نهر بنحوی که در حریم آن قرار گیرند چه صورت دارد جواب در عموم
حکم جریان حکم حریم معلوم نیست و باید که از صاحب زمین باذن صریح یا شاهد حال ماذون باشند

بیان طهارت گرفتن در مکان غصبیه و بآب مضاف

وباعدم

و باعدم اذن ظاهرا وضو باطل نباشد و الله اعلم سؤال آب غصبی وضو میتوان ساخت
جواب آب غصبی چند قسم است اگر چنانچه آبی که در ظرفی بود و حیازت کرده اند غصب کرده وضو ساختن
و غسل کردن و آشامیدن و باقی استعمالات صحیح نیست اما اگر نهر را غصب کرده اند یا کاریز را ظاهر آنست
که استعمالات ضروری مثل وضو ساختن و آشامیدن و غیر آن جایز است سؤال آب حوض خانه که
به تبعیت نهر مالکی داشته باشد چه حکم دارد جواب با عدم علم بعدم رضای صاحب آب آشامیدن و وضو
ساختن و غسل کردن و سایر استعمالات ضروری جایز است سؤال آب انهاری که مالکی داشته باشد
و اذن صریح بجهت طهارت گرفتن و باقی استعمالات در آن آب چه حکم دارد جواب ظاهرا
همه کس را در جمیع آبها حق الشرب حق الوضو بوده باشد و از فحوی نیز معلوم است که هر مسلمانی راضی
میباشد که کسی از آب وطهارت ساختن باشد سؤال در آب کاریز بدون اذن صاحب و معرفت
آنکه آیا مال صغیر هست وضو ساختن و غسل کردن و آب بدوش در حوض نشستن چه حکم دارد جواب
استعمال ضروری هر یک از آنها تا عدم رضا شخص نباشد جایز است سؤال هرگاه آبی باشد که از اطراف نهر
عام سرشار و جاری شود و شارع دیگر آن را فایده رود و علاج پذیر نباشد اگر بحوض آورند وضو
و غسل میتوان ساخت و کاسه حوض میتوان ماو سایر استعمالات میتوان کرد جواب اگر معلوم باشد
که صاحبان نهر اعراض کرده اند و احتیاج بآن ندارند خوب است سؤال وضوئی که از آفتابه مغصوب
ساخته شود صحیح است یا نه جواب احوط اجتناب است سؤال در قری و مزارع حمامی دارند و عادت
جاری شده که آب هر کس باشد میبرند و کسی هم مانع نمیشود و گاه باشد که صغیر یا غایب دخل
داشته باشد در چنین آبی وضو ساختن و غسل کردن چه حکم دارد و استدلال کردن باینکه از قدیم
چنین استمرار یافته و هر کس میخرد یا میفروشد فی الجمله منظور داشته باشد هر چند صریحا استثنا نکنند
چون است جواب با وجود دانستن آنکه صغیری شریک است غسل کردن مشکل است هرگاه ملک ایشان
باشد احتیاط اینست که شخصی قدری آب بخرد و وقف کند بر حمام که هر روز حمام را از آن آب پر کنند
و در صورت اضطرار که هیچ وجه صورت ندارد ان شاء الله آب دیگر یافت نشود در رخصت باعتبار ضرورت

جایز باشد سؤال آب مضاف طهارت میتوان کرد جواب در وقتی که آب بهم رسد و گلاب بهم رسد
اگر با گلاب وضوء بسازند و تیمم هم بکنند احوط است سؤال اگر کسی در سفر آبی برای طهارت داشته باشد و حیوان
سواری تشنه داشته باشد آیا صرف طهارت کند یا بآن حیوان دهد جواب اگر خوف هلاک حیوان باشد
بحیوان دهد **رکن دوم** در کیفیت غسل و احکام متعلقه بآن و در آن پنج مبحث است

در بیان کیفیت غسل

مبحث اول سؤال غسل جنابت را چه روش باید کرد و ارتماسی چه روش جواب
بعد از طهارت بدن از نجاست در غسل ترتیبی در وقت آب بر سر ریختن باید که قصد باشد که مثلا
غسل جنابت میکنم تا نماز برای مباح شدن بجهت فرموده و رضای الهی پس آب بر سر بریزد بروشی که
بجمیع اجزای سر و گردن آب جاری شود حتی بیخ موها و مبالغه در مالیدن کند خصوصا زنان
که آب در زیر جمیع موها جاری شود و بعد از آن باقی بدن را بشوید و احوط اینست که اول جانب راست را
بشوید تا گردن و بعد از آن جانب چپ را نیز تا گردن بروشی که آب بر جمیع اجزای بدن جاری
شود و در جمیع سه مرتبه شستن سنت است و در غسل ارتماسی بعد از نیت بروش مذکور یک عضو
را مقدم داشته بروشی که دفعه عرفی صادق آید جمیع بدن را در میان آب فرو برد و پنهان شود در
آب سؤال اگر در غسل ترتیبی مثلا بعد از شستن سر و گردن آب جاری شود حتی بیخ موهای
ای را نیت خود را بشوید و بعد از آن بروش را است جایز است یا نه جواب جایز است سؤال
در غسل ارتماسی از خارج آب نیت کرده داخل آب باید شد یا اگر در میان آب هم نیت کند
و سر فرو برد نیز مجزیست جواب در میان آب اگر نیت کند و سر فرو برد ظاهرا مجزیست و اگر
از آب بیرون آید بموضع طاهری و بعد از نیت داخل آب شود بنحوی که فاصله نشود احوط است
و ایضا در جای دیگر فرموده اند که اگر کسی در وقت داخل شدن آب نیت کند و زود ارتماس کند
مجزیست و اگر در میان آب باشد و نیت کند و بدن خود را بعد از نیت حرکت دهد و زود ارتماس
کند که بعد از نیت جمیع اجزای بدن در آب دیگر داخل شده باشد نیز مجزیست سؤال اگر روی
زمین حمام نجس باشد و در خارج آب نیت کنند و بقصد غسل بنائی داخل آب شود و سر آب جزو

برد و ثانیا بحیثیتی باشد که جمعی که آنجا حاضر باشند بفهمند که او بقصد غسل داخل آب شد و غسل کرد
آیا آن غسل درست است یا باید که البته بعد از نیت بلافاصله خود را در آب اندازد فی الحال سر زیر آب
فرو برد جواب ظاهرا آن ثانی که فاصله نشود و در میان مکث نکنند قصور ندارد اما پیش از غسل
می باید بدن پاک باشد سؤال در اثنای غسل اگر حدث اصغر واقع شود غسل باطل است یا نه
جواب ظاهرا بعد از اتمام غسل وضو بسازد کافی است و اگر اعاده غسل نیز بکند احوط است سؤال
بغسلی که به نیت وجوب از برای نماز واجب کرده باشد سنتی میتوان کرد یا نه جواب ظاهرا بقصد
قربت و استباحت صلوة که بکند درست است سؤال در غسل مستحبه یا واجبه غیر جنابت هرگاه پیش
از غسل وضو ساخته باشد بعد از آن غسل هرگاه از و حدثی صادر نشده باشد و خواهد نماز بکند آیا
وضو بر او لازم است یا نه جواب ظاهر است که در کار نباشد و احوط آنست که بسازد وضو سؤال
غسل میتوان کرد برای نماز واجب پیش از دخول وقت یا نه جواب اگر بقصد استباحت صلوة مطلق
یا قربت بکند خوبست والله یعلم سؤال اگر کسی در روز جمعه غسل جنابت کند و در وقت غسل کردن
قصد نکند از روی سهو که این از برای جنابت و جمعه و زیارت حضرت ائمه معصومین علیهم السلم
و نوبه همه است آیا بعد از این علیحده غسل جمعه و باقی اغسال مستحبه را باید کرد یا همان غسل جنابت
برای همه کافی است جواب ظاهرا برای همه کافی باشد و غسل دیگر در کار نباشد **مبحث دوم**

بیان احکام غسل جنابت

در احکام غسل جنابت سؤال غسل جنابت واجب لنفسه است یا واجب لغیره جواب وجوب لنفسه
ظاهر نیست و ظاهر آنست مطلقا خصوصا قبل از وقت شغل الذمه بنماز قصد قربت کافی باشد
سؤال غسل جنابت و غیر آن از برای نماز سنتی میتوان کرد جواب ظاهرا توان کرد سؤال
بقرینه آیا جایز است که زن با ذکر شوهرش ملاعبه کند جواب اگر انزال شود غسل واجب میشود
و اگر انزال نشود چیزی بر او نیست **مبحث سیم** در احکام حیض و استحاضه و نفاس
سؤال مضطربه در هر ماه چند روز را حیض قرار دهد جواب احوط آنست که در هر ماه هفت روز را

بیان احکام حیض و استحاضه و نفاس

باشش روز را حیض قرار دهد سؤال در ایامی که زن از روی اشتباه حیض و استحاضه خواهد احتیاط بجا
آورد و عمل باحکام هر دو بکند چنانچه از بعضی علما نقل کرده اند نماز را چه علاج کند جواب نماز را
باید کرد چون حیض شخص نیست سؤال اکثر نفاس چند روز است جواب ده روز است اما احوط
آنست که اگر بعد از ده روز نیز خون ببیند استظهار و احتیاط نماید و ترک عبادت نکند تا هجده روز
و بعد از پاک شدن نماز و روزه را که در این هشت روز ترک کرده قضا کند **مبحث چهارم** در کیفیت
غسل اموات و احکام متعلقه باموات سؤال میت را چند غسل باید داد و نیت را در چه وقت
باید کرد و که نیت کند جواب میت را سه غسل باید داد یک غسل با آبی که در آن سدر ریخته باشند دوم
با آبی که در آن کافور ریخته باشند و سیم با آب خالص و نیت هر غسل را احتیاط آنست که در اول کسی که
آب میریزد و کسی که میت را حرکت میدهد و بر میگرداند بکنند و نیت هر کدام را نیز در ابتدای شروع با آن
بکنند و نیت چنین کنند که غسل میدهم این میت را با آب سدر و کافور و قراح واجب قربة الی الله و غسل
باین روش باید داد سؤال چه مقدار کافور از برای میت مجزیست جواب کمتر کافوری و احوط آنست
که مقدار یک مثقال باشد و چهار مثقال شرعی افضلست و کمال فضل در سیزده درهم و ثلث شرعیست
سؤال در کفن میت چند جامه واجبست و چند سنت جهة مرد و زن جواب سه جامه واجبست
و ظاهر ازار و لنگ ناسری و یک پیراهن یا سه سرتاسری باشد اگر احتیاطا لنگ را نیز بکنند بهتر است و سنت
است لنگ پیچ و عمامه و زن را بدل عمامه مقنعه و پارچه که سینه زن را بهم بندد سؤال
جریدتین طول آن چه قدر میباید باشد جواب احتیاط آنست که بقدر ذراع باشد سؤال وضو
در غسل میت واجبست یا نه جواب اگر وضو دادن میت قبل از غسل بنیت قربت واقع شود احوط
است سؤال مس میت ناقض وضو هست یا نه و کسی که مس میت کرده باشد و غسل نکرده نماز میتواند کرد
یا نه جواب مسئله محل خلافست بعضی میگویند ناقض وضو هست اما مستند واضحی ندارد و بنای جواز
نماز بدون غسل و عدم آن نیز بر آن خلافست کسی که ناقض نمیداند نماز کردن را بدون غسل جایز

غسل میت و احکام

میداند

میداند و جهت ظاهر آنست که بدون غسل نماز نکند سؤال از عضوی که از آدم زنده جدا گشته مس
آن غسل واجب میشود یا نه جواب واجب نمیشود هرچند آن عضو استخوان داشته باشد سؤال هرگاه
جماعتی بسیار بر میت نماز کنند اما کسی نباشد که پیشنماز ایشان گردد نماز آنکسانی که از میت دور
درست است یا نه جواب دور نیست که درست باشد و احوط آنست که در برابر جنازه باشند سؤال نماز
کردن بر سنی و غیر سنی از علمای شیعه و کلام فرقه را از غیر علمای شیعه جایز است و واجب دعای بعد از تکبیر اول و غیر
آنرا چه باید خواند جواب ظاهرا وجوب نباشد و اگر مستضعف باشد دعای مستضعفان را بخواند و اگر سنی
منافق باشد مخیر است که چهار تکبیر گوید و دعا بعد از چهارم نخواند یا بعد از چهارم بر میت لعن کند
کند سؤال در نماز میت از برای کسی که علم بفسق او داریم گفتن اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا چون
جواب ظاهرا بد نباشد و در بحار تفصیلش مذکور است سؤال در نماز میت حرف زدن عمدا مبطل
است یا نه جواب بسبب حرف زدن و اکثر مبطلات نماز حکم ببطلان نماز میت نمیتوان کرد اما احوط
ترک است سؤال تلقین کردن و قرآن خواندن و باقی اعمال خیر کردن از برای طفل که مرده
باشد سنت است یا نه جواب معلوم نیست استحبابش سؤال و همچنین تلقین و جریدتین جواب گذاردن
آنها بهتر است سؤال اگر میت را شب اول دفن نکنند آیا نماز هدیه را در شب اول موت بکنند یا
اول دفن یا هر دو یا هیچکدام جواب اگر در هر دو بکنند شاید بد نباشد سؤال طعام خوردن در خانه
صاحب تعزیه چه حکم دارد جواب اگر نخوردن موجب انکسار قلب ایشان نشود خوردن کراهت دارد
سؤال جایز است نقل موتی بمشاهد مشرفه یا نه جواب اگر مستلزم مثله شود جایز نیست سؤال
هرگاه میت را دفن کرده باشند بعد از آن بمشاهد نقل میتوان کرد جواب نبش قبر جایز نیست
اما اگر بسپرده باشند مثلا در تابوتی گذارده باشند و دور آنرا مثلا با آجر و آهک محفوظ ساخته باشند
تا هرگاه که خواهند تابوت را برداشته نقل نمایند جایز است سؤال زراعت قبرستان کردن
بعد از آنکه اکثر آن مندرس شده باشد و از بعضی پیدا اند که علامت است چون سنگ که بر
سر قبر می اندازند بعد از زمانی که قبر پیدا نیست و رفته آن سنگ را بر سر قبر دیگری میتوانند نهند

کذشت یا نه و مالک آن سنک کیست بعد از مدتی که قبر مندرس شود **جواب** احوط آنست که تا اثری از
بعضی قبور باشد زراعت و غیران از تصرفات نکنند و سنک و زینت که حکم وقف داشته باشد
و ناممکن باشد از جای قبر تغییر نباید داد و با عدم معلومیت قبر شاید بر قبر دیگر توان انداخت **تفریع**
سوال اینکه وارد شده است که نزد موت میت صحیفه در کشند و بخاتم شهود و خاتم خود ختم نموده
همراه جریده در قبرش بگذارند مراد همین مهر متعارف است و لیبار است یا چیزی دیگر مراد است
جواب ظاهرا همین مهر متعارف مراد است و ظاهرا لیبار مراد باشد و بعضی گفته اند که تربت
حسین ع است والله یعلم **مبحث پنجم** در غسل جمعه **سوال** در حضر غسل جمعه را
پیش از روز جمعه میتوان کرد هرگاه خوف آن باشد که در روز جمعه آب بهم نرسد یا نه **جواب** بدون
خوف آب بهم نرسیدن در روز جمعه در سفر و حضر جایز نیست **رکن سیم** در کیفیت تیمم
و احکام متعلقه بان **سوال** تیمم را چه روش باید درست **جواب** بعد از قصد کردن اینکه تیمم میکنم
بدل وضو یا غسل تا اینکه آنچه طهارت شرط آنست مباح کند از جهة فرمان خدا و رضای
خدا پس هر دو کف دست را بر خاک نهد سنت است که دستها را بتکاند و پیشانی خود را تا
بالای سر بینی به هر دو کف دست مسح کند و احوط آنست که جمیع هر دو کف بپیشانی مسح شود و
بعد از آن شکم دست چپ پشت دست راست را از بند دست تا سر انگشتان مسح کند و بعد از آن شکم دست
راست پشت دست چپ را مسح کند بر روشی که کذشت و احوط و سنت است که در تیمم بدل از غسل
و وضو بجهت مسح پیشانی هر دو دست را نیز بر زمین زند و باید در دستها انگشتری باشد مثل انگشتر
یا بکیرد یا جای که ربا شد و باید که خاک پاک باشد و در وقتی که خاک یافت نشود تیمم بر سنگ و بر زمین و
یال است جایز است اگر یال است و بر زمین غبار داشته باشد و الا سنگ مقدم است **سوال** هرگاه یک دست
موضع تیمم مسحش بنا بر عذری به پارچه پیچیده شده باشد که بشره را بخاک نتواند رسانید دیگری تیمم میدهد
یا خود تیمم میکند **جواب** احوط آنست که هم خود دست بخاک بزند و بعوض بشره اگر مسح بر مکشوف باشد جز
پشت دست هم با پارچه را قرار دهد و هم دیگری ورا تیمم دهد و اگر با این عمل جبیره هم اگر ممکن باشد

ضم

(حاشیه: بیان غسل جمعه)
(حاشیه: بیان تیمم)

ضم کند احوط است **سوال** هرگاه در تیمم پیشانی را بنا بر جراحتی بسته باشد چگونه مسح میکند **جواب** اگر
قلیلی از اطراف پیشانی مکشوف باشد آنرا مسح میکند و الا هر جای از آن که ممکن باشد مسح **سوال**
در تیمم بدل غسل یکضربت کافی است یا نه **جواب** ظاهرا کافیست **سوال** تیمم بچند شرط بدل از وضو و غسل میتوان
کرد **جواب** بدو شرط یکی آنکه آب یافت نشود و احوط آنست که بعد از سعی در طلب آب تا آخر وقت
در آخر وقت بکنند **دوم** آنکه تمکن نباشد از استعمال کردن آب که ظن ضرر باشد از ان یا از استعمال آن
سوال مراد از اینکه در تیمم نیافتن آب شرط است چیست آیا مراد آنست که در اول وقت
نداشته باشد یا آنکه از اول تا آخر وقت نداشته باشد **جواب** هر جا که تحصیل آب از اول تا آخر وقت
نتواند کرد تیمم کردن جایز نیست **سوال** جایی که ظن غالب آنست که آب یافت میشود یا نه تا آخر وقت
تفحص در کار است یا نه **جواب** اگر تا آخر وقت تفحص بکنند احوط است **سوال** هرگاه جمعی در سفر آب نیافته چهار
نفر هستند آیا اگر چهار نفر از ایشان بچهار جانب تردد کنند هر کدام از تفحص ایشان طلب شان برای همه میشود
یا نه **جواب** ظاهرا کافی باشد اگر عادل باشند و احوط آنست که هر یک خود تفحص کنند **سوال** کسی تیمم میکند
میتواند اول وقت نماز کند **جواب** اگر عذرش مرجو الزوال است نمیتواند **تذنیب** در احکام
جبیره **سوال** اصل معنی شرعی جبیره چه چیز است و در وقت غسل و وضو جبیره باید کرد یعنی چه **جواب**
عضوی که شکسته باشد و بسته باشند و نتوانند گشود و آب بزیرش نتوان رسانید یا زیرش نجس باشد
و تطهیر نتوان کرد بر روی شکسته جامه طاهر میبندند و مسح میکنند و در جراحتها و زخمها و محل
فصد ظاهرا شستن دور آن کافی باشد و اگر آنها را نیز جامه ببندند و مسح بکنند بر روی آن
احوط است والله یعلم و زخمی که مظنون باشد که اگر جبیره نکند شوید آزاری یا درد میرسد که علامت محل
آن نمیشود ظاهرا جبیره کافی باشد و اگر تیمم با جبیره جمع کند بهتر است **سوال** هرگاه دور زخم جراحت را
نمیشوید در وقت وضو و غسل آیا لازم است که چیز پاکی بر روی زخم اندازد و بر روی آن مسح کند یا نه
جواب ظاهرا در کار نیست و اگر بکند احوط است **سوال** هرگاه فصد کرد زخم بدن بهم رسید
و اطراف آنرا بخون آلوده است وقتی که خواهند وضو سازند یا غسل کنند دور آن زخم را در آن

حال بعذر معذور باید شست آیا آنرا بچه نحو طاهر میتوان کرد و حال آنکه هر جزوی از اجزای
که آب میرسد متصل است بخون و آن آب ملاقی خون میشود جواب اگر خون سرایت بآن موضع
میکند که شسته است و آب متنجس بآن جاری میشود پاک نمیشود و طریق تطهیر آنکه اول عین خون
را بکهنه تری ازاله کنند تا جایی که ممکن باشد و بعد از آنکه خشک شود آن موضع را در آب جاری
یا کر فرو برند تا جایی که ممکن باشد بخون نرسد باین نحو پاک میتوان کرد سؤال کسی که قصد کرده باشد
در موضع وضو تیمم کند یا وضو با نو و جبیره کند و اگر احتیاج بغسل داشته باشد نیز تیمم
کند یا غسل کند با جبیره جواب بدل غسل تیمم کند و وضو فضل است از تیمم و دور نیست که مخیر باشد
میان غسل و تیمم و احوط آنست که در هر صورت هم جبیره کند و هم تیمم و جای دیگر از ایشان نقل
شده که فرموده‌اند که اگر جبیره تواند کرد وضو و غسل افضل است و دور نیست که مخیر باشد میان
تیمم و جبیره والله اعلم سؤال بیان فرمایند در تیممی که جبیره احتیاطا کرده میشود در صورتی که جبیره را
توان باز کرد اما ازاله نتوان کرد در تیمم باز کردن بهتر است یا با کهنه پاک تیمم باید کرد جواب
در تیمم باز کردن جبیره در کار نیست و نجس بعض کهنه که ستر عورت آن نشود ضرر ندارد و اگر جبیره
در موضع تیمم باشد و توان گشود گشودن بهتر است سؤال جبیره در موضع تیمم است و نمیتوان گشود
اما نجس است و خشک جواب پارچه بر روی آن مسح کن سؤال هرگاه کسی فصد کند یا جراحتی
داشته باشد که مانع شستن یا مسح کردن بعضی اعضا باشد جبیره مقدم است یا تیمم باید کرد و جبیره چه
ردش است جواب هرگاه مانع باشد و غسل باید کرد بدل غسل تیمم میکند و جبیره کردن درست نیست و
اگر در موضع وضو باشد اگر آن موضع شکسته شده و بسته باشد جاهای صحیح را باید شست و دست تر بالای
اعضای بسته مالیدن اما اگر فصد کرده باشد یا دمل یا جراحتی داشته باشد آنچه مقدور باشد پاک کرده
بشوید و آنچه مقدور نشود غسل آن ساقط است اگر احتیاطا دست تری بر بالای آنها که موضعش پاک
باشد بکشد خوبست و اگر در این صورت تیمم کند نیز جایز است کتاب صلوة و در آن مقدمه
فصول و خاتمه فصل اول در اعداد صلوات سؤال چه میفرمایند در آیه کریمه لا یکلف

الله

الله نفسا الا وسعها و ما را پیش از [illegible] وقت [illegible] جواب باید بر فاء کرده شود فصل
دوم در اوقات صلوات سؤال نافله ظهر و عصر هر دو را از صبح تا ظهر یا هر دو را پیش
از فریضه ظهر یا هر دو را بعد از فریضه ظهر و پیش از فریضه عصر یا نماز شام بعد ادا میتوان کرد یا نه جواب
احوط آنست که پیش نکند و بعد اگر کند قصد ادا و قضا نکند سؤال وقت نماز بعد از زوال آفتاب بزیادتی
سایه بعد از نقصان شخص معین داخل میشود و بعد از هشت رکعت نافله نماز فریضه ظهر را میباید کرد و بعد
از هشت رکعت نماز نافله عصر نماز فریضه عصر را میباید کرد و اول وقت فضیلت این دو نماز بعد از ادای نافله
ایشانست و زیاده بر این تاخیر کردن نماز عصر را فضیلت مشخص نیست و نافله ظهر بعد از زوال تا دو
قدم که بگذرد وقت اوست و نافله عصر تا چهار قدم چنانچه این مقدار گذشته باشد و نافله نکرده باشد اول
فریضه را باید گذارد و بعد از آن نافله را بقصد قربت باید کرد و نیت ادا و قضا نباید کرد و آخر وقت
نماز جمعه نیز تا دو قدم است و قدم را باین عنوان دانست که شاخص نصب کرده باشند بعد از آنکه سایه شروع
در زیادتی کند آن محل را نشان کنند آن شاخص را هفت قدم وی فرض کنند بقدر هر یک قسم که سایه
زیاده میشود یکقدم است و کسی که خواهد براو آسانتر شود دانستن اینکه چند قدم گذشته است در اول
ظهر سایه خود را ببیند چند قدم مانده اگر در اول سه قدم مانده تا دو قدم دیگر که مجموع سایه اش پنج قدم
شده باشد نافله ظهر را میتواند کرد بعنوان ادا و براین قیاس در هر یا بین هیچ شش [illegible] ملاحظه
باید کرد چرا که سایه در اول ظهر زیاده و کم میشود اما تفاوت بعد از پنج شش قدم است و قدم در نیمه زیاد و کم
نمیشود و تخمینا بنابراین میتوان گذارد و نافله مغرب چهار رکعت است وقت آن بعد از ادای فریضه
قبل از پنج شش روز [illegible]
مغرب است تا وقت بر طرف شدن سرخی طرف مغرب و چنانکه نافله نکرده باشد و سرخی بر طرف شود احتیاط
آنست که اول نماز فریضه عشا را بکند و بعد از آن نافله مغرب را بقصد قربت و نیت ادا و قضا بکند
و نماز عشا را احتیاط آنست که بعد از بر طرف شدن سرخی حمره مغربی بکند و تا نصف شب آخر وقت نماز شام و خفتن
است و تا این وقت ادا است و بعد از آن تا طلوع صبح صادق بقصد قربت باید کرد و نیت ادا و قضا
نباید کرد و نماز وتیره بعد از نماز خفتن است و وقت آن همچنین است تا وقت فریضه سؤال وقت نماز

[illegible]

حد وقت
وقت نماز ظهر

شام مشهور آنست که وقتی است که سرخی طرف مشرق برطرف شود و از برطرف شدن تا بچه روش دانست
وچه مقدار جواب مشهور آنست که در مشرق اندک سرخی که برطرف شود و سیاهی بهم رسد وقت داخل
میشود و بعضی میگویند مراد از برطرف شدن سرخی تا سمت الراس است که در مشرق جمیع سرخی تا بالای
سر بهمه برطرف شود وقت داخل میشود باین مضمون چند حدیث دارد و احتیاط در اینست که صبر کنند
تا آن وقت سؤال نماز عشا و نماز وصلح که میان نماز شام و خفتن باید کرد بعد از برطرف شدن
حمره مغربیه میتوان کرد یا نه جواب بعد غروب میشود سؤال صبح صادق را بچه روش میتوان دانست
و بچه علامت جواب اینکه اول سفیدی بهم رسد در مشرق طولانی هرگاه کناره افقی بر عرض سفیدی بهم
رسد صبح صادق است و وقت نماز صبح داخل میشود و وقت نماز نافله صبح از صبح کاذب است تا بهم رسیدن سرخی
در طرف مشرق است و بهتر آنست که در مابین صبح صادق و کاذب بکنند و بعد از بهم رسیدن سرخی اول
نماز فریضه را باید کرد تذنیب سؤال در بلدی که عرض آن زیاد باشد بحیثیتی که وقت نماز عشا
نداشته باشد نماز عشا ساقط است یا نه جواب ظاهرا ساقط باشد زیرا که وقتی ندارد فصل سیم
در احکام قبله سؤال قبله را بچه روش میتوان شناخت و جدی که روش علامتیست مشهور در بلاد عمده
مثل مشهد مقدس و اصفهان و غیر اینها جواب در هر جا حکمی دارد و در این باب رجوع بقواعد ریاضی
کردن اولی است اگر ممکن باشد والا بلاد مسلمانان و الا بهر کوری که ظنی حاصل شود و انحراف قبله مشهد
معلا از خط نصف النهار بعدد چهل و پنج درجه است و انحراف سایر بلاد در کار مذکور است سؤال
اهل خراسان جدی را در برابر کدام عضو از اعضای خود میگیرند تا روی برروی قبله کنند جواب
مواضع خراسان مختلفست اهل مشهد مقدس پنج درجه تقریبا از مردم اصفهان زیاده میگیرند باز
پشت منکب میگیرند و اندکی زیاده میگیرند سؤال هرگاه شخصی اظهار کرد از برای قبله و بعد از آن
چنین معلوم شد که قبله سر فرسنگ از پیش فلان کوه تا فلان کوه آیا در این صورت جایز است که رو
بهر جزوی از اجزای که خواهد بکند یا نه جواب هر جزوی که ظن قبله در آن بیشتر است موافق آن
بایستند و اگر مساوی باشد مخیر است سؤال هرگاه در شهری یا غیر شهری باشیم و بخانه شخصی رفتیم

بابهی

فصل سیم در احکام قبله

یا بدهی دیگر رفتیم و میخواهیم نماز کنیم و قبله را نمیدانیم آیا جایز است که بر خبر آن صاحب خانه اعتماد کنیم
و نماز کنیم خواه ممکن از تحصیل جهت قبله باشیم یا نباشیم یا نه جواب از هر یک ظن بیشتر بهم رسد
بآن عمل کند سؤال کسی که در کشتی مسافرت میکند بجانب مکه و غیر مکه در معرفت قبله عمل بقول معلم
کشتی میتواند کرد خواه سنی باشد یا غیر آن یا نه جواب اگر از قول او ظن حاصل شود زیاده از اماراتی
که خود میداند بآن رجوع میتواند کرد سؤال اگر کسی در تحدید قبله چنین کند که جدی را در رسد که
در برابر کدام عضو از اعضای اوست در وقتی که رو بقبله است و بعد از آن نگاه کند که فلان
ستاره در وقت غروب آن یا طلوع آن یا در وقتی که فلان قدر دوری دارد از روی زمین از ستارهای
که ماورای ستارهای سیاره است بر عقب دست چپ یا بر پیش آن یا در این وقت رو برروی فلان ستاره
میشود یا پشت از فلان ستاره میشود و در وقتی که جدی نمایان مثل اینکه موضع آنرا ابر داشته باشد اعتماد
بر این ستارهای دیگر مذکوره داشته جایز است یا نه جواب هر علامتی و عملی که موجب ظن باشد در حال ضرورت
عمل بآن میتوانند کرد سؤال اگر بپرسیم در حمام که قبله در کدام طرف است عمل بقول ایشان میتوان کرد
جواب اگر ظن عادل بهم رسانیده باشد در شناختن و شناسد باید رجوع بقول ایشان توان کرد فصل
چهارم در احکام لباس مصلی سؤال در جامه که از ابریشم و نقره بافته باشند نماز جایز است جواب
اگر غیر آن نقره باشد مشهور آنست که جایز است خصوصا در وقتی که مغلوب باشد و احوط آنست که خلیطه
ابریشم غیر نقره باشد سؤال مردان را استعمال طلای مسکوک یا غیر مسکوک در نماز جایز است یا نه
جواب هرگاه جزو لباس و زیور نباشد ظاهرا دغدغه ندارد سؤال هرگاه کسی چیزی
از زیور زنان را که طلا باشد همراه داشته سهوا نماز کند و آخر در وقت آن نماز بخاطرش آید
آن نماز چه حکم دارد جواب احوط اعاده است خصوصا هرگاه در موضعی باشد یعنی مثلا انگشتر را
در دست کرده باشد و در این صورت گناه دارد یکی تشبه بزنان و دیگری با زیور طلا نماز کردن
سؤال زنان را در حریر محض نماز کردن جایز است یا نه جواب ظاهرا توانند در حریر نماز کنند
سؤال ابریشم که در رخت کسی باشد مثل زه گریبان یا دکمه قبا چه حکم دارد نماز کردن با آن

فصل چهارم در احکام لباس مصلی

و مثل کیسه ابریشم با اینکه منقش باشد یا عرقچین ابریشم چه حکم دارد جواب آنچه لباس نیست مثل بند و جورب و لباس نشود
مثل کیسه احتیاط اجتناب است و در مثل عرقچین دعوی اشکال است سؤال تسبیح زینت بطلا و نقره
کردن و دانه میان آنرا از طلا کردن چون است جواب اگر مردان مزین بطلا را بدست بگیرند احوط ترک است
سؤال هرگاه در رخت غصبی مدتی نماز کند صحت و بطلان نماز چون است و اگر مغصوب منه معلوم یا موجود
نباشد ثمن آن رخت یا آن رخت چه باید کرد و نمازها قضا دارد یا نه و همچنین هرگاه از وجه دزدی
یا حرام باشد جواب بسم الله الرحمن الرحیم با علم بغصبیت و حرمت آن بنا بر مشهور و احوط آنست
که نمازهایی که در رخت غصبی کرده قضا کند خصوص رختی که در حین قیام بنماز مثلا در سجود اگر خواهد
بصاحبش دهد باعث ترک آن شود و کسی که غصب کرده اند چنانچه موجود یا معلوم نباشد بعد از ظن مأیوس
شدن از او بمستحقین دهد و دزدی نیز حکم غصبی دارد و رختی که از وجه حرام بخرند چنانچه صیغه بر عین
آن وجه واقع شود حکم غصب دارد ولیکن چنانچه بیع بر ذمه واقع شود و آن وجه را بخواه بدهد نماز
در آن رخت نقصان ندارد سؤال اگر رختی از زر غصبی یا حیوانی خریده شود و مغصوب منه معلوم نباشد
قیمت آنرا بمستحق دادن چون است و اگر در عین در صورت مفروضه غصبی باشد چه باید کرد جواب
حکمش از جواب مسئله سابق معلوم شد سؤال اگر شخصی چیزی در پای خود کند که ساق داشته باشد مثل
مسحی و بعد از آن آنرا در کفش کند مثلا آیا در این صورت باتفاق نماز جایز است یا این صورت
نیز داخل خلاف است جواب امکان فقیر تعویز ندارد و دور نیست که داخل محل خلاف باشد سؤال
اگر کسی چاقشور یا چیزی پوشیده باشد و زیر جامه او چکمه بلند باشد که پشت پا را بپوشاند آن نیز
داخل نهی دیگر و جهت یا نه جواب اگر بکند بهتر است سؤال در جامه که شراب آلوده باشد نماز جایز
است یا نه جواب نجاستش ثابت نیست ولیکن احتیاط عظیم اجتناب است سؤال اگر جامه کسی از شیره
انگور بر بعد از غلیان بنا بر قول نجاست آن پیش از ذهاب ثلثین آن در آن جامه نماز میتوان
کرد و بعد از ذهاب ثلثین احتیاج بشستن آن جامه هست یا نه جواب حکم نجاست سندی ندارد و آنچه
مستند آن شده اند صورتی ندارد و کسی که قائل بنجاست شده حکم کرده که اینها بتبعیت پاک میشوند

ثمن آن رخت یا آن رخت را

سؤال

سؤال اگر جامه شخصی نجس باشد و ازاله نجاست متعذر باشد آیا با آن جامه نماز میکند یا نه جواب
با آن جامه نماز میکند سؤال خون قروح و جروح که معفو عنه است تا چه وقت است جواب معفو است
مادام که قروح و جروح باقی باشد خواه شاق باشد ازاله آن و خواه نباشد سؤال اینکه گفته اند
که درهم بغلی بمقدار سر ابهام یا گودی کف دست اصل دارد یا نه جواب اصلی ندارد سؤال
با مو و عرق اسب و استر و الاغ نماز جایز است یا نه جواب جایز است اگر جلال نباشد سؤال
کلاه سیاه که مکروه است مخصوص است باینکه رو و کناره و آستر آن همه سیاه باشد یا اینکه کراهت ثابت است
بمجرد اینکه یکی از اینها سیاه باشد جواب احوط آنست که هیچیک سیاه نباشد و اگرچه در زیر کرده ابر
ابره باشد سؤال آویختن بند قبا چه صورت دارد جواب حرفی در بستن بند قبا نیست و نبستن
بند است سؤال تحت الحنک که سنت است بچه هیئت باید جواب سر عمامه را آویختن از یکطرف بطریق
اهل مکه **فصل پنجم** در مکان مصلی و احکام متعلقه بمساجد سؤال در
صحراها نماز میتوان کرد جواب بلی سؤال نماز کردن در ملک کسی که از او اذن صریح نرسیده باشد
چه حکم دارد جواب املاکی که زراعت نکرده باشند و علامت عدم اذن نبوده باشد و از نماز کردن در آنجا
ضرری بصاحب ملک نرسد اذن فحوایی در چنین مواضع حاصل است که جمیع مسلمانان راضی بچنین امری
میباشند سؤال در خانه که شراب باشد نماز جایز است یا نه جواب غیر کراهت ثابت نیست
و اگر احتیاط کنند بد نیست سؤال در مکانی که حال سطح زمین مباح باشد اما دیوارها و سقف را
از مال حرام و مال مسموم ساخته باشند نماز میتوان کرد جواب اشکال دارد و احتیاط آنست که نکنند
سؤال چرا نتوان کرد و حال آنکه مکان را خواه بمعنی بعد موهوم و خواه سطح باطن جاوی
گیریم سقف و دیوار از مکان نخواهد بود جواب عرفا از مکان اند و مناط اطلاق چنین چیزها
شرعا اغلب عرف است سؤال در ملک غصبی صاحب او میتواند نماز کرد جواب چرا نتواند و
دلیل بر عدم جواز در ملک غصبی نیست سؤال مرد و زن در مقابل یکدیگر نماز کنند چه حکم دارد
جواب در مقابل یکدیگر نماز کردن مرجوح و مکروه است و مشکل است حکم ببطلان نماز احتیاط

بیان مکان مصلی و احکام مساجد

آنست که موضع سجود زن در عقب قدم مرد باشد سؤال بچه حیله حکم بطهارت مساجد کنیم با وجودی
که می‌بینیم که مردم و خود در وقت برف و گل و باران داخل شوم به بیت الخلا و بازار و کوچه
که سگها و کفار بسیار راه میروند و زیر کفش نجس میشود و زمینها تر است و در راه مسجد زمین خشک
نیست یا هست و مع‌ذلک در راه رفتن برروی آن نه کفش خشک میشود و با وجود این داخل مسجد میشوند
و همچنین در حکم کردن بطهارت بازارهای سرپوشیده و دهلیزها و کفش کن خانها التماس آنکه
جوابی فرمایند که بوسیله آن وسواس وسواسیان برطرف شود جواب علم قطعی بنجاست کم بهم میرسد
و ظاهر بسیاری از احادیث و بعضی از فقها آنست که زمینها آب نجس و پاشیدن پاک میشود
و از بعضی ظاهر میشود که خاکها و گلها بحرکت دادن و مخلوط شدن پاک میشوند و بعضی از زمین
بعضی را پاک میکند و هرگاه ته کفش براه رفتن در زمین تر پاک شود با انضمام اینها هم
حکم بنجاست مساجد و بازارها نمیتوان کرد والله یعلم سؤال ازاله نجاست در مسجد اگر آب دوان داشته
باشد یا مطلقا بنابر آنکه غساله پاک باشد جایز است یا نه جواب ظاهرا توان کرد اگر غساله داخل
در مسجد ریخته نشود سؤال با خون جراحت و دمل و هر نجاستی که باشد هرگاه سرایت نکند داخل
مسجد و ضرایح مقدسه معصومین علیهم السلم میتوان شد و رخت نجس را داخل میتوان کرد جواب
هرگاه بکار تعدی نکند ظاهرا توان شد فصل ششم در احکام اذان و اقامه

بیان احکام اذان و اقامه

سؤال کسی که در سفر دو نماز را بدون فاصله میکند اذان و اقامه برای نماز دوم سنت است یا نه
و همچنین در حضر اگر نافله نکند و هر دو نماز را در وقت فضیلت یکی از دو نماز بکند جواب خواه
در سفر و خواه در حضر هرگاه نافله در میان نکند اذان دوم ساقط است و اکتفا باقامت میکنند
سؤال گفته اند که اذان در نماز قضائی وجوبی ندارد چرا اما هرگاه کسی شروع در نماز قضا کند
مستحبست که یک اذان بگوید و دیگر نمازها را با اقامت تنها اکتفا نماید چرا و این که جهت قضای یک شبانه
روز یک اذان بگوید یا هر قدر نماز را که متصل بهم قضا میکند خواه یک شبانه روز و خواه بیشتر و خواه
کمتر یک اذان بگوید جواب ظاهر آنست که هر قدر که متصل بیکدیگر میکند خواه زیاده از شبانه روز

باشد

باشد و خواه کمتر یک اذان بگوید بس است سؤال هرگاه نماز ظهر مثلا بکند و خواهد در میان آن
و عصر قدری نماز قضا بکند و برای آن قضا اذان بگوید دیگر برای عصر اذان دیگر در کار هست یا نه
جواب اگر نافله عصر را هم کرده باشد ظاهرا برای عصر اذان دیگر باید گفت مگر آنکه آن اذان را
به نیت عصر بگوید و بعد از آن قضاها را بجا آورد پس عصر را بجا آورد فصل هفتم
در بیان افعال صلوة و کیفیت آن و در آن هفت مبحث است مبحث اول در نیت

بیان افعال صلوة

نماز سؤال نیت شرط نماز است یا نه جواب شرط است و بدون آن نماز باطل است مؤلف گوید
که بعضی از احکام نیت در کتاب ایمان و کفر مذکور شد مبحث دوم در تکبیرة الاحرام سؤال

بیان تکبیرة الاحرام

تکبیرة الاحرام رکن است جواب بلی رکن است سؤال اگر شخصی پیش از تکبیرة الاحرام قصد خصوص
نماز ظهر یا نافله ظهر کند و بس درست است یا نه جواب اگر قصد قربت کند و منظور او از نماز کردن رضای
الهی باشد خوبست مبحث سیم در قیام سؤال قیام رکن است یا نه جواب رکن است سؤال حد
قیام در نماز کدام است جواب آنست که عرفا او را قایم گویند مبحث چهارم در قرائت سؤال

بیان قیام
بیان قرائت

در حمد و سوره که در نماز میخوانند قدری که از قواعد دانستن و بعمل آوردن آن ضرورت و نباید دانستن
آن صحیح نیست چند چیز است جواب بیرون آمدن هر حرفی از مخرج بروشی که قاریان نقل کرده اند تا صحیح
حروف از یکدیگر امتیاز داشته باشند خصوصا حروفی که در زبان فرس در وقت تلفظ اشتباه میشود مثل صاد و سین
و ضاد و ظا و زا و ذال و قاف و غین و در زبان ترکان حا و ها و اعرابها ظاهر شود که سبب تغییر
نشود و تشدید نیز ظاهر شود و بسبب توقف بر آن حرف و مدهای متصل ترک نشود و حروف مدغم را ادغام
کنند مثل قل رب را قررب بخوانند که لام را بدل براء کنند و باقی آداب مستحب است سؤال رعایت
تجوید ... در قرائت قرآن بعض ضرور میدانند مثلا آنچه را که لا میگویند اگر وقف کنند مبطل
نماز باشد و اگر چنین باشد شخصی که در عمر خود نماز خوانده ... جواب در کار نیست و قرائتی نیز واجب
شرعی نمیدانند و اینها بخط سؤال کسی که مدتی از عمر او گذشته و در خواندن الحمد و سوره حرفها
را از مخرج خود ادا نمیکرده و نمیدانسته که واجب است که حرفها را از مخرج باید گفت آیا این

نماز را اعاده باید کرد یا نه جواب اظهر و احوط اعاده است سؤال خواندن سوره در نماز
واجب است یا نه جواب استحباب سوره کامله در فریضه و نافله قایلند اما در وجوب بعض سوره توقف
دارند و جزم باستحباب آن ندارند سؤال در یکبار یک سوره بعینه را در دو رکعت میتوان خواند هر چند
غیر سوره توحید باشد جواب ظاهرا توان و اخباری که دلالت بر نهی دارد احتمال آن دارد که مراد نهی
از تبعیض سوره باشد هر چند که احوط آنست که چنین نکنند تتمه سؤال تعیین بسمله را برای سوره در
کار است یا نه جواب در کار نیست بعد از شروع در بسمله منصرف بآن خواهد شد مثل سایر آیاتی که لفظ
سؤال در جمعه شیخ عبدالعال خواندن سبع و عشر را عوض سوره بعد از حمد در نماز بقول قوی فرموده
جواب بخصوص سبع و عشر خبری نیست لکن خلاف در تبعیض سوره شده سؤال در رکعتین اخیرتین ظهر و
عصر و عشا و رکعت اخیره مغرب قرائت حمد افضل است یا تسبیح جواب تسبیح نزد بعضی از پیشتر بهتر
است و در پیشتر محتمل است که حمد افضل باشد خصوصا در جایی که احتمال لحوق ماموم در دو رکعت آخر
بوده باشد سؤال هر گاه شخصی در رکعات اخیره اختیار تسبیح نماید بر طریق اجمع در خواندن آن کدام است
و شخص صاحب قضا میتواند اکتفا نماید بخواندن یکمرتبه تسبیحات اربع یا نه جواب یکمرتبه تسبیحات اربع
اکتفا میتوان نمود و اگر استغفار بآن ضم کند بهتر است و سه مرتبه تسبیحات ثلث بهتر است و اگر تکبیر را
بآن الحاق نماید که ده تسبیح شود احوط است و اگر سه مرتبه تکبیر الحاق نماید که دوازده تسبیح شود
بهتر است در ادا و قضا تفاوتی نیست مبحث پنجم در رکوع سؤال آیا رکوع رکن — بیان رکوع
است جواب بلی رکن است مبحث ششم در سجود سؤال سجدتین رکنند یا نه جواب
بلی رکنند سؤال سجده بر برگ انگور جایز است در نماز جواب تا تازه است و میتوان خورد جایز نیست — بیان سجود
سؤال سجده بر سنگ جایز است جواب جایز است سؤال حصیری که بر آن سجده کرده میشود چه قدر
می باید باشد جواب برف بر میکرد و سؤال اینکه گفته اند بعد از ناخن شصت پا می باید باشد
اصلی دارد جواب نه اصلی ندارد سؤال جواز نماز در موزه مشروط است با آنکه انگشت مهین
بر موزه فشرده باشد تا صادق آید که سجود بر هفت عضو شده یا نه جواب در کار نیست و همین

که بواسطه

بیان تشهد و سلام

که بواسطه مسیلش بر زمین است کافی است والله یعلم فروع سؤال سجده عزایم را بر از خود
ما بلند میتوان باید کرد جواب احوط آنست که چنین کنند مبحث هفتم در تشهد و سلام سؤال
سلام در نماز مخرج و واجب است یا نه جواب مخرج میدانند یعنی هر گاه مصلی سلام گوید از حکم
مصلی بیرون می آید اما توقف دارند در وجوب آن و در اینکه لفظ مخرج کدام است سؤال در وقتی
که اینکس در نماز است اگر کسی سلام کند باین و کند السلام علیکم یا علیکم السلام یا سلام علیک بضمیر واحد
یا علیکم سلام یا بعبارت غلطی سلام کند مثل آنکه الف و لام را یا تنوین جمع کند یا بدون حرف
سلام را استعمال کند یا طفل سلام کند مصلی چه کار کند جواب اگر السلام علیکم گوید بهمین نحو
جواب گوید و اگر نحو دیگر بگوید در جواب بگوید بهمان نحو ظاهرا اگر جواب بگوید و قصد دعا کند بد نباشد
و اگر غلط گوید و اینکس در جواب گوید و قصد دعا کند بد نباشد و اگر در این صورت اعاده نماز
نیز بکند احوط است و ظاهرا سلام طفل را جواب واجب باشد سؤال اگر بر نماز کننده سلام کنند هر چند
موافق قواعد عربیت نباشد جواب میتوان داد یا نه جواب ظاهرا توان گفت و اگر در این صورت
احتیاطا نماز را نیز اعاده کند بهتر است فروع سؤال مردم هر گاه سلام کنند جواب ایشان
موافق قواعد عربیت واجب است هر چند سلام ایشان موافق قواعد عربیت نباشد یا نه
جواب احوط آنست که در غیر نماز مطلقا موافق قواعد عربیت جواب بگوید و اگر در نماز باشد و سلام
بغیر قواعد بکنند ظاهرا جواب درست توان گفت و اگر در این صورت نماز را احتیاطا اعاده
کند شاید بد نباشد والله تعالی یعلم سؤال شخصی سلام کرد بر جماعتی و دیگری رد سلام کرد آیا از جماعت
ساقط میشود یا نه جواب ساقط نمیشود سؤال اگر طفلی یا کافری یا کسی بعبارت غلطی سلام
کند جواب سلام واجب است جواب در غیر نماز غیر کافر را احوط آنست جواب بگوید و در کافر
علیک بگوید و ظاهرا واجب نیست سؤال اگر کسی در نماز است یا غیر نماز و کسی برا او سلام کرد و او
جواب نگفت یا جواب را بعبارت غلط گفت یا چنان جواب داد که او نشنود آیا در صورت مذکوره
بر کسی دیگر که در آنجا حاضر باشد واجب است جواب سلام خواه در نماز باشد و خواه در نماز نباشد

جواب اگر مقصودش از سلام انکشاف هم بوده باشد جواب گفتن بهتر است سؤال کسی که بعبارت غلط
سلام کند جواب دادن او بهمان نوع غلط مجزیست جواب باید در رد جواب بگوید سؤال در سلام
باید که تعریف و تنکیر و تقدیم و تاخیر مساوی باشد جواب سلام علیک واقع شده سؤال هرگاه
کسی بر مصلی یا غیر مصلی سلام کند بچه نحو جواب باید گفت جواب ظاهر کلام اکثر اصحاب آنست که سلام
در غیر نماز بسلام علیکم و علیکم السلام هر دو محقق شود و تخصیص بصیغه اخیره میان عامه شهرتی دارد و ظاهر
آیه کریمه و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها شامل هر دو هست علی صیغه اولی
بودن آنست سؤال سلام کردن و تواضعهای دیگر نسبت بکسی که شرمنده میشود بسبب آن چون باعث عثار
دنیا یا اعتبار آخرت خود را بسبب نزد مشار الیه دوست است یا نه جواب سلام کردن و اکرام نمودن
مطلق سنت است سؤال سلام کردن بر کسی از روی تکبر جواب سلام را آهسته میگوید یا همین لب خود را
برهم میزند چنانچه لفظ سلام مفهوم نشود یا نمیشود سنت است یا نه جواب ظاهرا بر همه مسلمانان سنت است

فصل هشتم در کیفیت نماز بر وجه تفصیل

سؤال کیفیت نماز را بر وجه کمال که
مطلوب شارع باشد بیان فرمایید جواب بعد از آنکه بدن و جامه نمازگزارنده پاک باشد از
نجاست و طهارت شرعی آنچه بر او لازم است از وضو و غسل و تیمم بجا آورده باشد و وقت و قبله را تشخیص کرده رو
بقبله ایستاده اول اذان بگوید باین روش الله اکبر چهار مرتبه اشهد ان لا اله الا الله
و اشهد ان محمدا رسول الله حی علی الصلوة حی علی الفلاح حی علی خیر العمل الله اکبر
لا اله الا الله هر یک ازین فصول را دو مرتبه و بعد از آنکه فاصله میان اذان و اقامت بدعای
منقول یا نشستن یا سجده کردن بعمل آورد اقامت بگوید مثل اذان مگر آنکه در اول اقامت الله اکبر
دو مرتبه بگوید و بعد از آن هفت مرتبه الله اکبر بگوید و یکی از آنها بقصد تکبیر احرام بگوید باین روش سه مرتبه
الله اکبر گوید و دعای منقول را بخواند و بعد از آن دو مرتبه الله اکبر بگوید و دعای منقول را بخواند و بعد
از آن الله اکبر بگوید و بعد از آنکه قصد کرده در خاطر او هست مثلا که دو رکعت نماز که در صبح حق سبحانه
و تعالی واجب کرده بجا میآورم بجهة فرمانبرداری و رضای خدا الله اکبر بگوید و دعای توجه را

بیان کیفیت نماز بر وجه تفصیل

در این عبارت تو کی واقع شده از گفتن دو مرتبه قد قامت الصلوة و همچنین یک لا اله الا الله در آخر اقامت مشهور است

بعد از نوشتن بر ما شد دیدم که در رساله دیگر متعرض دو مرتبه گفتن قد قامت الصلوة شده بوجه لکن چنان معلوم میشد که اقامه مثل اذان است در گفتن دو لا اله الا الله در آخر و این خلاف مشهور است

بر وجه منقول بخواند و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم آهسته گفته و بسم الله را در جمیع
نمازها بلند بگوید و الحمد را بسنجیده درستی که قرآء بلهجه عرب نقل کرده اند بخواند حروف را ملاحظه باید در
ادای مخارج حروف کرد بنحوی که بیکدیگر مشتبه نشوند و همچنین حرکات شده و اعراب که مشتبه نشود و مد متصل را
ترک نکند و ادغام را نیز بروش منقول از قرآء ترک نکند و بعد از آن بقدر یک نفس کشیدن صبر کند و دستها
را بلند کرده الله اکبر بگوید بعد از آنکه تکبیر تمام شود خم شود برای رکوع باین روش که دستها
را بر روش لقمه بگیرد و آنقدر خم شود که اگر قطره آبی بر پشت او بریزند بهیچ طرف میل نکند و سر را
در وقت رکوع راست بگیرد که مساوی پشت شود و سبحان ربی العظیم و بحمده سه مرتبه بگوید و بعد
از اتمام ذکر سر از رکوع بردارد راست بایستد و اندک صبر کند و سمع الله لمن حمده بگوید و در حال
قیام الله اکبر بگوید و بسجود رفته اول دستها را بزمین برساند و باید در وقت سجود هفت عضو بر زمین باشد
پیشانی و کف دستها و هر دو سر زانو و هر دو سر انگشتان مهین پاها و سر بینی و پیشانی را بر چیزی گذارد
که از جمله زمین باشد و ماکول و ملبوس عادی نباشد و بهتر آنست که بر خاک سجده کند خصوصا تربت
حضرت امام حسین ع و در وقت سجود باید ساکن باشد و سبحان ربی الاعلی و بحمده سه مرتبه بگوید
و بعد از اتمام ذکر سر از سجده بردارد و راست بنشیند باین روش که پشت پای راست بر شکم پای چپ
باشد و الله اکبر بگوید و بعد از آن بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه و الله اکبر بگوید و بعد
از آن بسجده دوم رود و سجده دوم را نیز بروش سجده اول بجا آورد و بعد از آن بنشیند الله اکبر
بگوید و بجهة جلسه استراحت اندک صبر کند و بحول الله تعالی و قوته اقوم و اقعد گفته برخیزد و
بعد از آنکه درست ایستاد حمد و سوره مثل رکعت اول بخواند و بعد از آن الله اکبر گفته دستها را
بجهة قنوت خواندن مقابل رو بردارد بروشی که کفهای دست بطرف آسمان باشد و قنوت بخواند
بدعایی که منقول است و اقلا این دعا را بخواند اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم اغفر لنا
و ارحمنا و عافنا و اعف عنا فی الدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدیر اللهم صل علی
محمد و آل محمد و عجل فرجهم و الله اکبر بگوید و رکوع و سجودها را بروش رکعت اول بجا آورد

و بعد از آنکه سر از سجده دوم بر دارد درنشیند که پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذارد و تشهد
بخواند که اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وال محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته چنانچه نماز دو رکعت است
سلام بگوید که السلم علینا وعلی عباد الله الصالحین السلم علیکم ورحمة الله وبرکاته
و هرگاه سه رکعتی یا چهار رکعتی است بعد از آنکه تشهد را تمام کند بحول الله تعالی وقوته اقوم واقعد
گفته برخیزد و در دو رکعت آخر مخیر است که الحمد بخواند یا تسبیح اما تسبیح خواندن مطلقا بهتر است و تسبیح را
باین روش بخواند که سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله سه مرتبه و بعد از آن رکوع و سجود
رکعت سیم و چهارم و تشهد و سلام را بر روش مذکور بجا آورد باید نظر در وقت ایستادن بر موضع سجده
باشد و در رکوع بمیان هر دو پا یا چشمها بر هم گذارد و در سجدها بطرف بینی نگاه کند و در وقت تشهد
خواندن بکنار خود نگاه کند و در وقت قنوت بکف دستها و در جمیع تکبیرها در وقت الله اکبر گفتن
دستها را مقابل گوشها بعد الله اکبر بگوید و در وقت تشهد بر بالای رانها مقابل زانو گذارد
و در وقت ایستادن میان هر دو پا یک انگشت تا یک شبر فاصله باشد و سر انگشتان پاها رو بقبله باشد
و نماز صبح و دو رکعت اول نماز شام و خفتن را بلند باید خواند و نماز ظهر و عصر را و دیگر رکعت آخر
نماز شام و دو رکعت آخر نماز خفتن را آهسته خواند الا نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه که نماز جمعه و
دو رکعت اول ظهر روز جمعه را بلند باید خواند تذنیب سؤال در اذکار صلوة غیر حمد و سوره
جهر و اخفات جواب ظاهر اجبر باشد و بعضی گفته اند که تابع رکعات است هر چند که وجوب جهر
و اخفات در اصل رکعات هم ثابت نیست سؤال بعضی میگویند که سورهٔ واقعه را بین عشائین
خواندن موجب ثواب است و بعضی میگویند که تاکید استحبابی دارد جواب هیچکدام بنظر نرسیده نهایت
خواندن قرآن عموما خوبست فصل نهم در قواطع صلوة مسئله
مشهور میان علما آنست که ارکان نماز که بسبب زیادتی و نقصان آن نماز باطل میشود عمدا و سهوا پنج است
اول نیت دوم تکبیرة الاحرام سیم قیام در موضع رکن و قیام متصل برکوع چهارم رکوع پنجم سجدتین

در قواطع صلوة

اما آنچه از احادیث ظاهر میشود آنست که اگر تکبیرة الاحرام گفته باشد نماز منعقد میشود اما زیادتی تکبیرة الاحرام را در
نماز موجب بطلان نماز دانستن مشکل است مگر بقول کسی که نیت قطع کردن نماز را موجب بطلان نماز میداند
چون تکبیرة الاحرام گفتن در مرتبه دوم لازم دارد که آن شخص خود را مصلی بالفعل نداند یا تکبیرة الاحرام بگوید
بواسطه انعقاد نماز و قیام متصل برکوع و قیام در موضع رکن رکن بودن ایشان ظاهر نمیشود تا زیادتی و نقصان
رکوع و سجدتین عمدا و سهوا نماز باطل میشود اما بسبب زیادتی رکوع و سجدتین حکم ببطلان نماز کردن
مشکل است احتیاط است که زیادتی یکی از اینها که سهوا در نماز واقع شود نماز را تمام کنند و اعاده
نماز نیز بکنند بغیر از ماموم که اگر کسی سهوا سر از رکوع یا سجود بردارد پیش از امام واجب است که خود را
ملحق بامام کند و باعث بطلان نماز نیست سؤال اگر کسی از روی جهل بمسئله بغیر قبله نماز کند نمازش
صحیح است یا نه جواب احوط اعاده است خصوصا در وقت سؤال آمین گفتن در نماز مبطل نماز است
جواب اگر بعد از حمد بگوید مبطل است سؤال هرگاه کسی را در نماز سوره بخاطر نیاید که بعد از حمد
بخواند در عوض عشری از قرآن بخواند درست است یا نماز را اعاده باید کرد جواب احتیاط
اعاده باید کرد سؤال هرگاه کسی در اثنای نماز منحنی شود بقدر رکوع بدون قصد رکوع چه حکم
دارد جواب احوط اعادهٔ آن نماز است سؤال مثلا کسی در نماز بعد از رکوع یا از تشهد یا بعد
از سجود اول درنشیند نماز او صحیح است یا نه جواب نماز او در هر دو صورت باطل است سؤال
اگر شخصی تازه شیعه شده باشد و از روی جهل بمسئله بر چیزی ماکول و ملبوس سجده کند بر آن
شخص اعادهٔ نماز لازم است جواب مشهور وجوب اعاده است سؤال اگر کسی سلام را فراموش
کند و بعد از فعلی که عمدا و سهوا مبطل نماز است بخاطر آورد چه صورت دارد جواب مشهور میان
علما آنست که نمازش باطل است سؤال اگر فعلی از افعال واجبی نماز را بطریق جهل بجا نیاورده
مدتی مدید برین نماز کرده باشد اعادهٔ نماز نماید یا نه جواب اشهر واحوط در غیر جهر و اخفات و قصر
و اتمام وجوب اعاده و قضاست و در بعضی سخنی هست و در رساله شکیات اشاره ببعضی شده است سؤال
هرگاه کسی در اثنای نماز انگشت در دماغ کرد و انگشت او ملوث شد خواه آن خون تر باشد و خواه

بیان احکام شک و سهو

خشک بعد از آن خون از دماغ روان شد بحیثیتی که اصلاً از ایستادن باز نمی‌ایستد اگر پنبه مثلاً در دماغ بر کند
آنچه بر او لازم است چیست جواب اگر آب جاری حاضر است که بدون ایستادن بر قبله ازاله تواند کرد میشوید
و نماز را تمام میکند و الا نماز را قطع میکند و از سر میگیرد سؤال در نماز گریه میتوان کرد یا نه جواب
اگر از برای آخرت باشد ضرر ندارد

فصل دهم در احکام سهو و شک

سؤال هر سهوی که در افعال نماز واقع شود از نقصان چنانکه رکنی نرسیده خاطرش آید جواب چنانچه
از رکنی برکن دیگر نرفته باشد بعمل آورد آنرا مثل آنکه تشهد را فراموش کند تا آنکه برکوع رود نماز را
تمام کند و دو سجده سهو بکند و اگر وقتی بخاطرش آید که منافی از و بعمل آمده باشد که عمداً و سهواً باعث
بطلان نماز شود مثل حدث نماز را اعاده کند سؤال هرگاه قنوت را فراموش کند و در اثنای
رکوع یا بعد از رکوع بخاطرش آید چه نحو تدارک باید کرد جواب اگر در اثنای رکوع و یا بعد از رکوع
و قبل از هوی بسجود بخاطرش آید قبل از سجود قنوت را تدارک کرده بسجود میرود و اگر بعد از هوی
بسجود بخاطرش آید بعد از سلام تدارک میکند و احتیاطاً سجده سهو نیز میکند و همچنین اگر بعد از
فراغ از نماز و انحراف قبله بخاطرش آید بهمان طریق تدارک قنوت در صور مذکوره سنت است حتی نفی
کسانی که قنوت را در نماز واجب میدانند مسئله کسی که شک کند در نماز صبح و مغرب
و دو رکعت اول نماز چهار رکعتی نمازش باطل است و کسی که شک کند میان دو و سه بعد از فراغ سجدتین
بنا بر سه گذارد و یک رکعت دیگر بکند و سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بگذارد و اگر شک کند
میان سه و چهار بنا بر چهار گذارد و سلام دهد و بعد از فراغ از نماز دو رکعت نماز احتیاط نشسته
بگذارد و اگر شک کند میان دو و سه و چهار بعد از فراغ سجدتین بنا بر چهار گذارد و بعد از سلام دو
رکعت نماز نشسته و دو رکعت ایستاده بگذارد و اگر شک کند میان چهار و پنج در حالت قیام بنشیند
و آن قیام را بر طرف کند و تشهد بخواند اگر نخوانده باشد و سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط نشسته
بگذارد و دو سجده سهو بکند و اگر شک کند میان چهار و پنج بعد از رفتن برکوع یا بعد از فراغ سجدتین
نماز را تمام کرده سلام دهد و دو سجده سهو بکند و احتیاطاً نماز را نیز اعاده کند و بعضی از مشهور در رساله

و اگر از رکنی برکنی دیگر رفته شده

مذکور است

مذکور است سؤال هرگاه شخصی در نماز چهار رکعتی شک کند میان دو و چهار بعد از بنا گذاشتن بر چهار
و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده کردن دیگری چیزی بر او لازم است یا نه جواب اگر بعد از اکمال سجدتین
است موافق مشهور دیگر بر او چیزی نیست سؤال اگر کسی شک کند در نماز که این رکعت آخر ظهر است
یا اول عصر جواب بنا بر ظهر میگذارد و تمام میکند بعد از آن شروع در عصر میکند سؤال اگر
کسی در رکعت نماز نافله شب و نافله ظهر و نافله عصر شک کند که این رکعت دوم است یا سوم یا چهارم
یا پنجم یا ششم یا هفتم طریقه عمل او چیست جواب اگر بنا بر کمتر گذارد بهتر است و مشهور آنست که بنا بر بیشتر
نیز میتوان گذاشت سؤال اگر شخصی در نافله شک کند میان دو و سه هم حکم دارد جواب بنا بر
دو میگذارد

فصل یازدهم در بیان متفرقات احکام سهو و شک

سؤال در نماز احتیاط نیت ادا و قضا در کار است جواب نه سؤال در سجده سهو نیت ادا و قضا
باید کرد جواب در کار نیست سؤال نماز احتیاط را چگونه باید کرد جواب در هر رکعتی حمدی باید
خواند و در رکعت نشسته قنوت ندارد و کسی که شک در افعال نماز کند یا در اقوال اگر محلش باقی
است تدارک کند و اگر محلش گذشته باشد باکی ندارد و محل هر چیز آنست که از فعلی بفعل دیگر منتقل نشده
باشد و احتیاط آنست که هر زیادتی و نقصانی که سهواً در نماز واقع شود سجده سهو کند باین روش
که قصد کند که دو سجده جهت سهو کردن فلان زیادتی یا نقصان فلان چیز بجا می‌آورم از جهت فرمان
برداری خدا و بسجده رود و در سجده بگوید بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آل محمد و سر از
سجده بردارد و بنشیند و نیز بسجده رود و همان ذکر را بگوید و سر بردارد و بنشیند و بگوید اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد السلام علیکم
و رحمة الله و برکاته سؤال هرگاه شخصی شک کند در چهار رکعتی میان سه و چهار و فراموش کند
نماز احتیاط را و بعد از مدتی بخاطرش آید چه حکم دارد جواب نماز احتیاط را باید کرد و احتیاطاً
اعاده نیز بکند سؤال اگر شخصی سجده سهو را در مجلس فراموش کرد چه باید کرد جواب هر وقت
که بخاطرش آید بجا آورد مسئله ظن که عبارت از رجحان یکطرف است با توهم خلاف آن قائم

بیان بعضی احکام شک و سهو

مقام علم است در جمیع افعال و اقوال و عدد رکعات نماز اما چون بعضی در دو رکعت اول نماز چهار
رکعتی و نماز صبح و نماز مغرب یقین را شرط میدانند اگر در دو رکعت اول نماز چهار رکعتی یا در کل
نماز صبح یا مغرب ظن غالب داشته باشد بعضی و بعضی نمیدانند احتیاط آنست در این مواضع که
بنا بر ظن گذارد و نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند سؤال هرگاه شک کردم و از محل تلافی گذشته
ام و باید تلافی کرد یا اگر تلافی نکرده و ترک واجب کرده از محل گذشتم و بعد از آن یقین حاصل شد
یا ظن غالب شد بر اینکه آن فعل که شک در آن داشتم بعمل آورده بودم آیا در این صورت نماز
باطل است یا نه جواب احوط اعاده است بعد از اتمام سؤال و در صورت مذکوره اگر بعد از گذشتن
از محل مشکوک فیه یقین حاصل شد یا ظن غالب شد بر اینکه آن فعل را نکرده نماز صحیح است یا باطل
جواب نماز باطل است اگر آن فعل واجب رکنی و فوتش کرده شده سؤال اگر بعد از گذشتن از محل
ارکان نماز ظن غالب شد که فلان رکن را ترک کرده یا دو مرتبه کرده یا بعد از فراغ از نماز ظن
غالب شد که رکنی ترک شده یا زیاده شده یا رکعتی کم شده یا زیاده شده آیا در این صورتها نماز را
اعاده باید کرد بنا بر این که ظن در نماز حکم یقین دارد یا نه جواب محل اشکال است و صحت خالی
از قوتی نیست و احوط اتمام و اعاده است سؤال کثیر الشک کسی است که در یک نماز سه شک کند جواب
نه بعرف معلوم میگردد و در جای دیگر فرموده اند که ظاهرا بعرف معلوم میگردد و چون بحدی رسد که گویند
فلان شک بسیار میکند کثیر الشک میشود و احکام شک در رساله مذکور شده است

فصل دوازدهم در احکام نماز جماعت و جمعه و در آن دو مبحث است

مبحث اول در احکام نماز جماعت

سؤال شروط و کیفیت نماز جماعت را و معنی عدالت را بیان فرمایند جواب
ظاهر اینست که عادل کسی است که بعد از فحص و معاشرت اطمینان بدینداری و صلاح او بهم رسد
با آنکه بدیها از او ظاهر نشود و بر جمیع عمرش خوب باشد و ملازم جمعه و جماعت باشد و بدون عذر ترک
جماعت مسلمانان نکند و عمده اینست که بنای مسائل ضروریه دین را اصولا و فروعا بر روشی که معمول
و مشهور میان علماست گذاشته باشد و اعتقاد اصول خمسه را بدلیل یقین کرده باشد و مسائل طهارت

احکام نماز جماعت
بیان عدالت

ونماز

ونماز و باقی آنچه آنرا ضرورت چنانچه قوت استدلال داشته از کلام خدا و سنت پیغمبر و ائمه
فرا گرفته باشد و چنانچه قوت آن ندارد رجوع بعلما کند در مسائل ضروریه چه در فتوی مجتهد زنده
و از غیبت کردن و غیبت شنیدن مومنان احتراز کند اگر [illegible]
باب عدم اقتدا مثلا از ناخن شعر و جرأت در رفتار وی و غیبت کردن و تشنیع [illegible] در مجالس
دائم و عدالت شاهد آنکه عادل و شایع باشد مشهور چنانچه از اهل محله خود [illegible]
ندیده ایم از او نقص [illegible] و ملازم جماعت باشد نیز عادل است و در نماز جماعت [illegible]
متصل باشد و از پیشنماز یا صف پیش دور نباشد همین که بخاطر است نماز ظهر مثلا میکند اقتدا
بپیشنماز حاضر از جهت فرمان برداری و رضای خدا کافی است و در نمازها که بلند میخوانند چنانچه
قرائت پیشنماز را بشنوند قرائت نکنند و اگر نشنوند گوش کنند قرائت را و در دو رکعت آخر نماز
تا تسبیح بگویند [illegible] و در نمازها هر که آهسته میخوانند در دو رکعت اول در محل قرائت تسبیح
بگویند و باقی افعال و اذکار نماز را بغیر قرائت جمیع ماموین میباید بجا آورند اما بعد پیشنماز
در جمیع تابع باشند که با او برکوع و سجود بروند و [illegible]
بدارند و اگر امام برکوع رفته باشد احتیاط اینست که اقتدا نکنند و صبر کنند تا در رکعت دیگر اقتدا
کنند و اگر چنانچه کسی در رکعت دوم یا سوم یا چهارم اقتدا کند آن رکعت اول نماز او [illegible]
نماز خود را نگاه میدارد آنچه را که امام در یابد اول نماز اوست و آنچه را که [illegible]
در موضع آن بجا می آورد [illegible] و در جایی که محل قنوت و تشهد اوست [illegible] بر سر پا بنشیند
امام که سلام داد برخواسته آنچه از نماز باقی مانده تمام کند اگر پیشنماز در دو رکعت آخر تسبیح خواند و رکعت اول
ماموم باشد باید بقدر [illegible] قرائت حمد و سوره کند و چنانچه حمد بخواند قرائت در کار نیست و ماموم
لازم است که ظن غالب داشته باشد بعدالت پیشنماز و آنچه از ظاهر حالات فهمیده شود [illegible] عدالت را باین
میتوان دانست که آن شخص [illegible] نماز کند و بدون عذر ترک حاضر شدن بجماعت مسلمانان نکند
و [illegible] باشد و کبیره نکند و مصر بر صغیره نباشد سؤال کبیره کدام است و اصرار بصغیره [illegible]

که کبیره کند باز عفو کردن بعد از آن او را نیز چه روش میتوان دانست جواب در ظاهر احادیث در
عدد کبیره خلاف هست و بعضی دلالت بر آن میکند که آنچه خداوند عالمیان بر کردن آن وعدهٔ آتش
کرده است کبیره است و احتیاط آنست که آنچه در کردن آن وعدهٔ آتش شده باشد اجتناب کند بعنوان
اجتناب کبعض از کبیره و کسی عیب کسی را میگفته باشد چنانچه از جماعت متدینین و ظاهر العداله باشد
محمل قرار باید داد که چنین شخصی غیبت بقصد غیبت نمیکند و اگر مجهول باشد منعش میباید کرد سؤال
کاه شخصی که جماعت صلحا که از همه جهت دین داری ایشان برما معلوم است حدی در غرامات کس
و باید که امری از جا بر می آیند و به بعضی مردم صالح و غیر صالح تندی و درشتی میکنند و کسی طلب آن جماعت میشود
خواه بعضی ازیشان را در مرتبه باشد که باید تادیب کرد یا نه آیا این معنی باشد با امامت یا نه و اگر منضر باشد
بعد از آن علاج آن همان استغفار کافی است یا استرضای آن شخص هم در کار است و اگر نقصانی متصور شده
همین که ندامت و استغفار از آن شخص شنوم کافی است یا در اصل محمل صحیح قرار دهیم که متوقعش بعضی ضرر
ندارد بعد از آن او امامت جواب اگر صلاح و دین داری او معلوم شده باشد و فعل او محمل صحیح داشته
باشد بر محمل صحیح حمل باید کرد و الله یعلم محمل صحیح سؤال جایز است ماسبق را امامت کردن هرگاه ماموین
او را عادل ندانند یا نه جواب احوط ترک است سؤال کسی که مردم عادلش دانند آن شخص
از خود بعضی معایب داند که عادل نیست جمعی که تکلیف بشمار آن او را کنند قبول میتواند کرد یا نه
جواب مشهور میان علما آنست که قصد امامت نمیتواند کرد تا خود را عادل نداند اگرچه از
ظاهر احادیث بیرون نمی آید و احتیاط آنست که در چنین صورتی قبول نکند هرگاه ممکن شود که با دیگری
نماز کنند سؤال کسی شخصی گوید جمیع ما یعرف خود را بتو هبه کردم و آن شخص مکتسب باشد
و نگوید قبول کردم و بعضی مذهب لیند هم و بعد از مدتی رجوع از بعضی از آن نماید و در ین مدت مبلغی
از مال آن شخص را بگیرد با این قصد که من چیزی ندارم و آخر آن شخص که هبه کرده اند گوید
که من قبول هبه نکرده بودم چنین شخصی مال آن شخص را که گرفته تو نکند نماز با او میتوان کرد
جواب نماز کردن با او مشکل است قبل از رد مال آن شخص سؤال شخصی که جهت مستحق آن

زکوة

زکوة یا خمس بگیرد و در وقت تسلیم مستحق بگوید که فلان قدر از آن مبلغ را بمن هبه کن یا صلح
بگوید بلکه با و بفهماند و آن شخص می ترسد که اگر نه هم او بر نخیزد و چیزی نگیرد نماز با چنین شخصی میتوان
کرد یا نه جواب بعد از توبه کردن نماز میتوان کرد و توبهٔ او آنست که مال مستحق را باو پس
بدهد و اگر تو نکند نماز کردن با او مشکل است زیرا که تضییع حق فقرا میکند سؤال دو نفر
از علما که از باب استدلال یا رجوع با علم یکی نماز جمعه را واجب داند و بجا آورد و دیگری حرام داند
این دو نفر بیکدیگر اقتدا میتوانند کرد یا نه چون یک و یکی از آن دو نفر غلط فهمیده اند جواب
هرگاه از اهل دیانت باشند و در تحصیل علوم ضروری یا سند استدلال یا رجوع علما سعی کرده باشند
و بذل و جهد خود را بجا آورده باشند نماز میتوان کرد نعوذ بالله که این هم از ضروریات و چنین مسایل
مثلاً ترک نماز جمعه بسبب بعضی از اغراض یا شبهه یا تقلید غیر اعلم که رجوع با وجایز نباشد نشود سؤال
کسی حالش اینست که از نماز کردن مرد بزرگی در عقب او خوشحال میشود و از حال خود داند که
هرگاه از جمله ماموین که همیشه با او نماز میکنند بدون آنکه ایشان را مانعی باشد بعضی یا اکثر حاضر
نشوند در دل خود دلگیر خواهد شد امامت میتواند کرد یا نه جواب اگر غرض دینی منظورش باشد
از کثرت ماموین یا نماز کردن مرد بزرگ مانند رواج دین در عقب مردم بصلاح بدرست و الا
اگر اظهار نکند و این معنی را در دلش نگاه دارد شاید ضرر نداشته باشد و احوط آن است که سعی کند
که اینها در نفس او نباشد و غرضش برای خدا خالص باشد سؤال میان امام و ماموم
یا میان دو صف در نماز جماعت چه مقدار فاصله جایز است جواب احتیاط آنست که صفها
بیکدیگر متصل باشند و از مسجد صف اخیر و موقف صف پیش ایشان بقدر گام بردشتنی
متعارف زیاده نباشد سؤال هرگاه میان بعضی ماموین و امام دیوار فاصله باشد و ماموین
بعضی ماموین صف پیش خود را نبینند اقتدا جایز است یا نه جواب ظاهرا جایز است سؤال
هرگاه در نماز جماعت کسی قصد شخص معین کرد که امامت میکند و آخر مشخص شد که دیگری بوده
نماز او چه حکم دارد جواب مثلا اگر دو نفر را عادل میدانسته و میدانسته که یکی از این دو نفر

این موضع نماز میکنند و قصد اقتدا با امام حاضر کرده نمازش درست است هر کدام که بوده باشند
و اگر حاضر را قصد شخص معین کرده و آخر ظاهر شد که دیگری بوده اگر او را نیز عادل داند حکم
ببطلان نماز نمیتوان کرد و ظاهرا نمازش درست است سؤال نماز عصر را بظهر امام و عکس و مغرب
را بعشا و عکس اقتدا کردن جایز است یا نه جواب اشهر و اظهر جواز است و در اقتدا آ ظهر
خلاف هست و در آن نیز اظهر جواز است والله اعلم و در وقت دیگر مسموع شد که ظاهر اینست که جایز است
اقتدای ظهر بعصر و همچنین مغرب بعشا و عکس و مغرب در رکعت اول عشا را بعشا تنها و بعد از سلام
امام باقی را منفردا تمام کند و همچنین جایز است مسافر را که ظهر و عصر را بظهر تنها یا عصر تنها
حاضر اقتدا کند اما احوط آنست که هر دو را بظهر تنها اقتدا نکند و همچنین جایز است
حاضر را که مغرب را بعشا مسافر و عشا را بمغرب مسافر اقتدا کند و بعد از سلام امام باقی
را منفردا تمام کند بلکه ظاهر آنست که جهریه را باخفاتیه اقتدا توان کرد و هر نماز را بهر نماز
مثلا صبح را بظهر اما احوط در اقتدا جهریه باخفاتیه آنست که قراءت را اخفا بکند و
الله اعلم سمع سؤال هر گاه پیشنماز احرام بست و ماموم نیز احرام بستند بنماز بعد از آن معلوم
شد پیشنماز را که غیر نمازی که الحال باید کرد قصد کرده یا کار دیگر کرده که بسبب آن نماز باطل است آیا
درین صورت اگر امام خواهد بار دیگر نیت نماز حال کرده تکبیر بگوید علاج حال ماموم چیست جواب
اگر ماموم هیچ یک تکبیر نگفته اند خود تکبیر بگوید و اعلام ایشان در کار نیست و اگر بعضی یا همه تکبیر
گفته اند باید که اعلام کند تا ایشان نیز اعاده تکبیر کنند والله اعلم سؤال هر گاه امام یقین در
طهارت و شک در حدث داشته نماز را بجماعت کرده و بعد از فراغ از نماز بخاطرش آمد که در وقت
نماز طهارت نداشته و خود نماز را اعاده باید بکند لازم است برو که ماموم را اعلام بکند تا ایشان
هم اعاده بکنند یا نه جواب اگر در خارج وقت بخاطرش آید ظاهر اینست که اعلام واجب نیست و اگر
در وقت بخاطرش آید با ظاهر اعلام واجب باشد اما احوط آنست که علی المقدور اعلام نماید و همین
بس است که با یکی بگوید چون فلان نماز را اعاده کنند و جهت را تصریح نکند سؤال هر گاه ماموم بسبب ازدحام

وصدای

وصدای ماموم برادر نشنود که آیا صدای امام بگوش او میرسد یا نه قراءت بکند یا نه جواب احوط
عدم قراءت است سؤال در نماز جهریه مثل نماز صبح هر گاه صدای امام را نشنود قراءت باید
کرد یا نه جواب احوط آنست که قراءت را ترک نکند هر گاه صدای امام را هیچ نشنود سؤال هر گاه
ماموم بواسطه صداها و امثال آن در رکعت اول نماز جهری مثلا اصلا چیزی نشنود و در رکعت دیگر
همهمه را بشنود آیا قراءت میکند یا نه جواب هر یک حکم خود دارد و بنا بر صورتی که در سؤال
مذکور شد قراءت میکند و هر گاه در همان رکعت یا رکعت دیگر شروع بهمهمه شنیدن نماید ساکت
میشود و در هر رکعتی همین که گاهی همهمه را می شنود ساکت میباشد و لازم نیست که در تمام آن رکعت قراءت
یا همهمه را بشنود سمع سؤال هر گاه ماموم معه آن ساکن باشد و کیفیت باشد که اگر بکار او
دیگری مشغول قراءت امام یا همهمه را می شنید آیا تقدیر میکند یا نه جواب در این باب کسی احوال خود
اعتبار دارد و همین که خودش نمی شنود قراءت میکند سمع سؤال تکبیرة الاحرام و سایر تکبیرات و اذکار
را ماموم بلند میتواند خواند یا نه جواب احوط آنست که هیچ چیز را امام نشنواند بلکه اصلا بلند
نخواند هر چند امام دور باشد بلکه بنحوی بخواند که اگر نزدیک امام میبود نمی شنید زیرا که در بعضی اخبار منع
جهر مطلق واقع شده و شاید در این آن باشد که اگر او را برای هر یک جایز باشد بلند خواندن
ممکن است که از مجموع اصوات ماموم صوتی بگوش امام برسد سمع سؤال اگر کسی در دو رکعت آخر
نماز برسد آیا ماموم را قراءت باید کرد یا نه و بر فرض قراءت حمد و سوره واجب است که بخواند یا حمد
تنها جواب اگر امام تسبیح خواند بقدر مقدور قراءت باید کرد و اگر حمد خواند در کار نیست سؤال
اگر در دو رکعت آخر امام برسد و خواهد اقتدا کند و نداند که امام حمد میخواند یا تسبیح آیا قراءت باید کرد
یا نه جواب احوط آنست که قراءت حمد بکند سمع سؤال در نمازهای یومیه هر گاه امام در رکوع باشد
اقتدا میتوان کرد جواب احتیاط آنست که در وقتی که امام در رکوع باشد اقتدا نمیتوان کرد و اگر
اقتدا کرده باشد جزم ببطلان نماز نمیتوان کرد سؤال هر گاه ماموم مشغول شود بخواندن دعای
قنوت تا امام سر از رکوع یا سجود بردارد اعاده لازم است یا نه جواب اگر عمدا کرده باشد احوط اعاده است

در خواندن تسبیح چه جواب
سؤال [illegible]

وعمدا جمعی نباید کرد و قنوت را مختصر باید کرد والله یعلم سؤال هرگاه در نماز جماعت مثلا در رکعت
دوم ملحق شود و آنرا رکعت اول حساب کند و فرض که امام قنوت و تشهد میخواند ماموم چه کند و حال آنکه
در رکعت سیم که بدوم خود حساب میکند قنوت و تشهد خواهد خواند جواب آن قنوت و تشهد
را به نیت تبعیت امام استحبابا میخواند و بقنوت و تشهد خود حساب نمیکند سمع فروع

سؤال نمازی که شخص بعنوان انفراد کرده باشد و بعد از آن جماعت میسر شود اماما یا ماموما یکبار دیگر میتواند کرد
جواب سنت است اعاده آن جماعة یکبار سؤال نمازی که بجماعت گذارده شود اماما یا ماموما مرتبه دوم
بجماعت میتوان گذارد جواب احتیاط آنست که مرتبه دوم بجماعت گذارده نشود سؤال آیا نماز عید
غدیر را بجماعت گذاردن کسی قایل شده جواب قایل شده اند اما مشهور ندارد

مبحث دوم

بیان نماز جمعه

در احکام نماز جمعه سؤال در نماز جمعه اجتهاد شرط است یا نه جواب یا اجتهاد یا تقلید مجتهد حی
ضروریست و قدرت بر ادای خطبه کما ینبغی در کار است والله یعلم سؤال از کلام بعضی ظاهر میشود
که فرقی میان امام جماعت و جمعه نیست و از کلام بعضی ظاهر میشود که فرقی هست معتبر کدام
است جواب بعد التتبع از احادیث اذا کان لهم من یخطب و امثال آن ظاهر میشود که فرقی هست
والله یعلم سؤال کسی که از علوم مقدمات و حدیث قدری در هر کدام ربط دارد و حدیث میفهمد
و تفتیش مسایل و عقاید خود نموده و بر علما عرض کرده اما اکثر احادیث مشکل و عبارات دقیقه
فقها که مذکور شود شاید اگر عرض بر علما و جمعی بسیار کنند بفهمد هرگاه عادل باشد نماز جمعه با او میتوان
کرد و دیگر که تسمی خطبه با حدود در بلاغت تواند ایراد نمود یا نه و قدرت بر خطبه که شرط میدانید در
نماز جمعه وجوبش از کدام ظاهر میشود و حال آنکه من یخطب و خطبهم احتمال دارد که از روی خطبه
معصوم بخواند و بر تقدیری که علیه این صفت مراد باشد احتمال استحباب دارد چنانچه جمعی از علما
حمل بر آن کرده اند جواب اگر اهلیت ترجیح دارید خود تفحص کنید تا معلوم شود و الا بر فهم
دیگری اعتراض نکنید والله الموفق سؤال مسافر نماز جمعه میتواند کرد یا نه جواب هرگاه
عددی که در انعقاد نماز جمعه شرط است بحاضرین منعقد شود مسافر استحبابا اقتدا نمودن

اما اگر

اما اگر بمسافر آن عدد تمام شود اظهر آنست که نماز منعقد نمیشود والله یعلم سمع سؤال بفرمایند
که در جایی که کسی نباشد که بی شبهه همراه او نماز جمعه توان کرد الا امثال فقیر را هرگاه جمعی تکلیف
کنند و معتقد و مانعی نباشد واجب تعیینی یا نه و بر تقدیری که بکنیم چون اشتباه در تحقق
بعضی از شرایط هست لازم است که احتیاطا اعاده نیز بکنیم هم امام و هم ماموین یا نه
جواب احوط فعل است با اعاده و شاید بدون اعاده نیز توانید کرد والله یعلم سؤال
هرگاه در خارج بلدی نماز جمعه بر پا کرده باشند و در اصل شهر مانعی باشد از کردن در صورت
هرگاه جزم بوجوب خروج نمیتوان کرد با عدم اشتغال از برای اتیان نماز جمعه اگر کسی بکند احتیاط
خالی نیست و اگر کسی ترک احتیاط کند میتوان گفت که بد کرده یا نه جواب احوط آنست
که مذکور شد بخطر ره سؤال هرگاه در نماز جمعه در رکعت دوم قبل از رکوع ملحق شود اقتدا
میتواند کرد یا نه و قنوت را چه کند میخواند جواب اقتدا میتواند کرد و آن رکعت را رکعت اول
خود حساب میکند و قنوت مختصری قبل از رکوع میخواند و همراه امام برکوع میرود و قنوت بعد از
رکوع را نیز به تبعیت امام میخواند و بعد از سلام امام رکعت دوم را تنها بصورت رکعت دوم جمعه
میگذارد و حتی سخن است که سوره منافقین در آن بخواند و قنوت را در رکعت ثانی خود
بعد از رکوع میخواند و بصورت رکعت اول بجا نیاورد زیرا که در اخبار نهی واقع شده
از آنکه کسی اول نماز را آخر آن قرار دهد سمع سؤال هرگاه کسی در رکعت دوم جمعه ملحق
شود و بجهت دوری بانگ اصلا همهمه قراءت امام را هم نشنود و باید خود قراءت بکند
آیا در آن سوره جمعه میخواند یا منافقین جواب چون رکعت اول اوست سوره جمعه بخواند
و سوره منافقین را در رکعت دوم خود که تنها میکند خواهد خواند سمع سؤال در روز جمعه
کسی که ظهر کند و در آن سوره جمعه و منافقین بخواند آیا مستحب است جهر در قراءت یا نه جواب
بلی سؤال اگر کسی الهام دارد که در روز جمعه در نماز ظهر چهار رکعتی سوره جمعه و منافقین را
بخواند و غافل شود و بسم الله بقصد سوره جحد یا سوره توحید بخواند خواه غیر از بسم الله قدری

یعنی خارج شهر رفته نماز جمعه را بکنند و احتیاطا اعاده کنند

ار سوره را بخواند یا نه آیا عدول میکند بجمعه و منافقین یا نه جواب مشهور میان علما آنست که عدول میتواند کرد از جحد و توحید بجمعه و منافقین تا بجا و نراز نصف نکرده و آنچه در روایت بنظر رسیده آنست که از سوره توحید مطلقا عدول میتواند و در جحد شاید عدم عدول احوط باشد والله یعلم سؤال اما نافله روز جمعه را هرگاه شخص نکرده باشد تا از وقت ظهر بگذرد بار تا آخر وقت همین نافله را میگذارد یا نافله را بطریق یومیه میگذارد جواب اگر ناهم کند خواه پیش از ظهر و خواه میان دو نماز و خواه بعد از عصر بعضی گفته اند که شانزده رکعت میکند و خالی از قوتی نیست والله یعلم

فصل سیزدهم در احکام نماز قضا و نمازی که بعنوان اجاره یا نیابت کرده شود

بیان احکام نماز قضا و نیابت

سؤال هرگاه از کسی نماز یومیه فوت شده باشد و قدر فوایت و ترتیب آن معلوم نباشد در وقت قضا کردن ابتدا بکدام باید جواب اگر نماز اولی که فوت شده است معلوم باشد بآن ابتدا باید و اگر معلوم نباشد نماز صبح ابتدا و بعد از آن شام باید و اگر بنماز ظهر ابتدا کند نیز خوبست و الله یعلم سؤال کسی که نماز قضا بسیار در ذمه داشته باشد و ترتیب فوت آنها نداند در وقت قضا ترتیب ساقط است یا نه بعضی در سفر و بعضی در حضر از و فوت شده باشد و ترتیب آنها را نداند جواب ظاهر آنست که در این صورت ترتیب ساقط است سؤال هرگاه کسی قضای نماز بسیار در ذمه دارد الحال که قضا میخواهد بکند ترتیب باید قضا بکند یا بی ترتیب هم خوبست جواب اگر ترتیب را میداند بترتیب قضا کند و اگر نمیداند ظاهرا بی ترتیب خوبست والله یعلم سؤال هرگاه کسی قضای نماز بسیار در ذمه داشته باشد و امروز هم مثلا ظهر از او فوت شده اول کدام را قضا کند جواب احوط آنست که ظهر مطلق قضا کند اعم از ظهر امروز و ظهر سابق و تخصیص نده به ظهر امروز سؤال هرگاه کسی امروز و دیروز مثلا قضای نماز شخصی که ترتیب آنها را میداند بذمه دارد و شک دارد که بیشتر هم نمازی در ذمه داشته یا نه بی آن که بیشتر قضا بکند پس هرگاه ترتیب آنها را نمیداند چگونه قضا کند جواب احوط آنست که فوایت مشخصه را بترتیب قضا کند و بعد از آن فوایت مشخصه حال نه هر سؤال نماز آیات را در وقت فضیلت حاضره قضا میتواند کرد یا نه جواب میتواند کرد بلکه بعضی ترجیح میدهند

ششم سؤال در نماز قضا هرگاه قبل از نیت اکتفا کند و فقط اقامت الصلوة و تکبیر بگوید و تعلیل باشد نماز او صحیح است یا نه جواب اقامت در نماز قضا سنت است و اگر گوید احوط آنست که تمام گوید سؤال کسی که قضای بسیار در ذمه داشته باشد و عدد آن را نداند آیا چنانچه گفته اند اگر چنانکه معین نماز روز جمعه بگذرد بلی که گفته اند کافی باشد و ردگانی هست جواب احتیاط دارد و باید قضا را آنقدر بکند که ظن او غالب شود که همه را کرده است سؤال نماز بعنوان اجاره حدیث صحیح دارد یا نه جواب ندارد و از عمومات بیرون می آید سؤال نماز کسی که نیابت میکند اجاره کردن بجهت میت در ترتیب نماز نیابت شرط است که چنانچه چند نفر میگرده باشند بنوبت بکنند یا باتفاق هم میتوانند کرد جواب اگر بعنوان تبرع چیزی را باشد بدهند یا بعنوان تبرع نماز را بجا آورند خوبست مگر انکه موصی وصیت بانجا کرده باشد که در این صورت ظاهر آنست جایز باشد و بعضی و ترتیب باتفاق هم میتوانند کرد سؤال هرگاه میت بنیابت زن نماز کند یا بالعکس معتبر در جهر و اخفات احوال مصلی است یا منوب عنه جواب ظاهر اختیار اعتبار هر کدام که خواهد ملتزم اصل و منوب جهر و اخفات ثابت نیست و بر تقدیر تسلیم محتمل است که حال مصلی معتبر باشد والله یعلم سؤال چه میفرماید در باب شخصی که نماز بسیار را از غیر متحمل شده باشد آیا در مرض مرجو الزوال مرخص است بر قیام بنشسته باشد لیکن میتواند آورد و در مرض غیر مرجو الزوال که مانع قیام بسجده باشد چه حکم دارد و دیگر بوده که جبر را هرگاه از ارحام شهید موضع سجود جایز است یا نه و دیگر از جهة تکمیه بری الذمه شود در ذکر رکوع و سجود به یک سبحان الله اکتفا میتواند کرد یا نه میتواند تو جواب در نماز استیجار چون غالبا اوقات منظور بسیار و اهل وقت آن میباشد که بر وجه کمال واقع شود اولی آنست که در مرجو الزوال انتظار صحت بکشد و در غیر مرجو الزوال اجازه را فسخ کند و اگر در باب اینها نرسد بکند و حسبا ظاهر و میت با رضای ایشان بکند والله یعلم سؤال اگر اولین منهم بخلاف مذهب جعفری با مخالف باشند قضای صلوة و صوم بطریق مذهب جعفری بر ذمت اگر اجاره باشد میتواند کرد یا نه جواب بعد التسلیم اگر معلوم باشد که امام مذهب ظاهر افضا

[illegible]

اشان نتوان کرد و اگر متهم باشند و ظاهرا امامی شنیده کردن احوط است و الله یعلم سؤال پسر بزرگ
اگر صلوة و صوم پدر را بجا نیاورد و پسر کوچک آورد بری آیات ذمه حال مشغول باشد و اگر دختر بجا آورد
و پسر بد مشتبه باشد یا امتناع نماید چونست جواب ظاهر اگر بدن پسر کوچک یا دختر هم اگر ادرست عمل
آورند بری الذمه میشود و سقوط از ذمه پسر اکبر محل اشکال است و احوط آنست که او نیز بکند والله یعلم
سؤال اگر شخصی را دو پسر باشد یکی پانزده ساله که بالغ شده باشد و دیگری چهارده ساله دارد و بالغ
نشده قضای نماز پدر بر کدام واجب است جواب بر چهارده ساله فصل چهاردهم در احکام
نماز عیدین سؤال آیا در نماز عیدین الجماعتین فاصله فرسخ شرط است مثل نماز جمعه یا نه جواب اظهر
آنست که بنا بر قول بوجوب صلوة عید فاصله فرسخ شرط باشد زیرا که در بعضی روایات بجای بین
الجمعتین بین الجماعتین واقع شده و بعضی دعوای اجماع کرده اند بر آنکه بین الجماعتین فاصله
فرسخ ضرورت مگر آنکه جماعت مستحب باشد و اگر چه در نماز عید فاصله شرط نمیدانند بنا بر آنست
که نماز عید را مستحب میدانند و درین زمان درین باب بیشتر اهل علم میکنند والله یعلم سؤال
کسی که شک کند در عدد تکبیرات نماز عیدین در حین قیام چه حکم دارد جواب بنا بر اقل بگذارد

فی احکام نماز عیدین

فصل پانزدهم در احکام نماز آیات سؤال هرگاه زلزله شده باشد و شخص مطلع نشده
باشد بعد از آنکه جماعتی شهادت دهند که زلزله شده نماز برو واجب است یا نه جواب هرگاه او را
علم شرعی بهم رسد بشهادت عدلین یا شیاع یا تواتر برو واجب است سؤال زنی که حایض باشد
و زلزله شود واجب است برو که نماز زلزله را بعد از پاک شدن بکند یا نه جواب حکم بوجوب کردن
مشکل است اما احتیاط آنست که ترک نکند مسئله بسم الله الرحمن الرحیم کیفیت نماز آفتاب
گرفتن آنست که نیت کند که دو رکعت نماز ماه گرفتن یا آفتاب گرفتن میگذارم بجهة آنکه واجب است
قربة الی الله پس الله اکبر میگوید و حمد و سوره میخواند و قنوت میخواند و برکوع میرود پس سر بر میدارد
و الله اکبر میگوید و حمد و سوره میخواند و برکوع میرود پس سر برمیدارد و الله اکبر میگوید و حمد
و سوره میخواند و قنوت میخواند و برکوع میرود پس سر برمی دارد و الله اکبر میگوید و حمد و سوره

فی احکام نماز آیات

و برکوع میرود پس سر برمیدارد و الله اکبر میگوید و حمد و سوره میخواند صح

میخواند

میخواند و برکوع میرود و چون سر از رکوع پنجم بر میدارد سمع الله لمن حمده میگوید و بسجود
میرود و دو سجده میکند و می ایستد و حمد و سوره میخواند و قنوت میخواند و برکوع میرود
پس سر از رکوع بر میدارد و الله اکبر میگوید و بعد از حمد و سوره برکوع میرود پس سر بر میدارد
و الله اکبر میگوید و حمد و سوره و قنوت میخواند و برکوع میرود و سر بر می دارد و الله اکبر میگوید
و حمد و سوره میخواند و برکوع میرود پس سر بر میدارد و الله اکبر میگوید و حمد و سوره و قنوت
میخواند و برکوع میرود و سر بر میدارد و سمع الله لمن حمده میگوید و بسجود میرود و دو سجده میکند
و تشهد میخواند و سلام میگوید پس در هر رکعتی پنج رکوع میکند و دو سجود و در رکعت اول دو
قنوت میخواند و در رکعت دوم سه قنوت و قنوت پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم
است و در هر سر برداشتن از رکوع الله اکبر میگوید بغیر از رکوع پنجم و دهم که سمع الله لمن حمده میگوید و سنت
است که رکوع و سجود را بسیار طول بدهند بقدر قرائت و اگر بعد از فراغ هنوز شروع به بازشدن
نشده باشد سنت است که نماز را اعاده کنند یا بنشینند و مشغول دعا و ذکر خدا باشند تا باز شود سؤال
استحباب اعاده تا شروع بانجلاست یا اتمام انجلا جواب اشهر آنست که تا شروع بانجلاست و اظهر آنست
که تا اتمام انجلاست سؤال قرائت در نماز خسوف جهریست اما در نماز کسوف بچه نحو
اولی است جواب ظاهر آنکه در کسوف مخیر است میان جهر و اخفات و جهر اظهر و اخفات احوط است
مستمع تا اینجا مسموع شد که فقها اکثر گفته اند جهر اولی است و احادیث دال بر آنکه بوجه اخفات اولی است
نیز در یکطرف است و یک حدیث دال بر جهر هم هست و جواب علامه نهایت جهر ... خطر
و اخفات احوط باشد والله یعلم سؤال کسی که شک در عدد رکوعهای نماز آیات کند که چند رکوع
بجا آورده چه کند جواب بنا بر اقل گذارد سؤال اگر سهوا در نماز آیات یک رکوع زیاده کند یا
کم شود چه حکم دارد جواب اقوی آنست که نمازش صحیح است و احتیاط آنست در صورتی که یک
رکوع را فراموش کرده باشد بعد از تمام نماز رکوع فراموش کرده را بجا آورد و نماز را اعاده
کند سؤال اقتدا کردن در نماز آیات در وقتی که امام بعضی از رکوعها را بجا آورده باشد

بیان احکام نماز استسقاء

چه صورت دارد **جواب** حکم بصحت چنین نمازی مشکل است نماز را باید اعاده کرد بلکه می باید رکوع اول را
در یابد در هر رکعتی اقتدا بکند **فصل شانزدهم** در احکام نماز استسقا **سوال**
در نماز استسقا خطبه باید خواند یا یک خطبه **جواب** اظهر آنست که دو خطبه باید خواند **فصل**

هفدهم در احکام نماز نافله **سوال** شخصی که مشغول نماز قضاست میتواند که بنوافل نیز

بیان احکام نماز نافله

اشتغال نماید یا نه **جواب** اگر قضا مجزوم بعهده باشد احوط آنست که نوافل بجا آورد و اگر
قضا احتیاطی کند میتواند جمع کرد والله یعلم **سوال** ابن ابی عقیل خواندن حمد را در نافله لازم
نمیداند **جواب** بی وجه است **سوال** جمیع آدابی که در فریضه بجا می آورند در نافله نیز بجا باید آورد
جواب احوط آنست که همه را رعایت کند **سوال** جمله فقها گفته اند که زیادتی رکن سهوا مبطل نافله هست
یا نه و اگر در نافله سری خیبار از مهر جدا کنی و باز گذارند و سجده را تمام کنند اعاده در کار هست یا نه
جواب ظاهرا در نافله اینها ضرر ندارد والله یعلم **سوال** نماز نافله را در سفر یا غیر سفر اگر سواره یا پیاده
بکنند رکوع و سجود را چگونه بعمل بیاورند و سوره و تسبیح و تکبیر و استغفار و قنوت ساقط است یا نه
جواب رکوع و سجود را با ایما بسر میکنند و سجود را پست تر میکنند و سایر اذکار هر چه واجب
در کار است و هر چه سنت است مختار است و سوره در نافله لازم نیست بحمد اکتفا میتوان کرد **سوال**
اگر در وقت سواری و غیر سواری روی خود را در وقت افتتاح نافله متوجه قبله سازد و در اثنای بدن هم
ضرورت جایز است یا نه **جواب** بهتر نیست که اگر تواند جمع بدن را در وقت تکبیر بقبله کرد **سوال**
هرگاه از برای نمازهای سنتی کیفیت خاصی باشد اگر کسی با غیر زیاده بدون آن انها را بکیفیتی دیگر بجا آورد مثل
آنکه در نماز ظهر بعد از هر ... آیة الکرسی سوره یا چند آیه بخواند که در آن ده قل هو الله احد
بخواند جایز است یا نه **جواب** بقصد نماز مخصوص جایز نیست و بقصد نماز مطلق ... اما ... باشد
و اگر در بعضی صورت اکتفا بیک سوره بکند احوط است **سوال** در حدیث جامع مذکور است که در رکعت اول بگذارد
و در آن الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد ... از ... بخوانند معنی آن اینست که در هر رکعت مجموع
اینها را بخوانند یا معنی دیگر دارد **جواب** ظاهرا آنست که در هر رکعتی بخواند **سوال** نماز ... را

بطریق نماز جعفر میتوان کرد **جواب** میتوان کرد **سوال** آیا نماز غفیله غیر چهار رکعت نافله نماز شام
است **جواب** آنچه از اخبار ظاهر میشود اینست که دو رکعت از نافله شام بطریق نماز غفیله بجا آورند
سوال نماز زیارت بعد از نقل شده که میان مغرب و عشا بگذارند معمول به هست یا نه **جواب** احوط آنست
که بمحو مذکور عمل کنند زیرا که نافله را در ... فرضیه گزاردن محل اشکال است با اینکه در سند آن هم
ضعف هست هر چند که ضعف سند تنها در سنت ضرر ندارد **خاتمه** در آداب زیارت

بیان آداب زیارات

و استخاره **سوال** حدیثی که امام ... از حضرت امام حسین ع از عمرات ... و
حال آنکه در عرض راه یا در ایام زیارت فوت میشوند **جواب** شاید مراد آن باشد که داخل
عمری نیست که از ایشان حساب آنرا در فردای قیامت طلب کنند با مشروط ... باشد که زیارت ایشان بعضی
نشده باشد والله یعلم **سوال** نماز زیارت را پیش از زیارت کرد یا بعد **جواب** هر موضعی که حدیث
واقع شده که پیش باید کرد یا بعد عمل بحدیث باید کرد و هر جا که حدیث بخصوص نداشته باشد اگر
نزدیک باشد عقب بکنند و اگر دور باشد ظاهر آنست که مخیر باشد در قبل و بعد **سوال** نماز زیارت کمیل
زیارتست یا مستقل و علیحده عبادتیست **جواب** منهم ... مستقل است که اگر زیارت بکنند و نماز نکنند
باز ثواب زیارت دارد خصوصا در زیارات ... زیرا که در بعضی از انها اصلا نماز زیارت مذکور نشده
سوال زیارت جامعه و غیر آن از زیارتها را که مورد در وایت ... خواندن آنها
در نزد قبور حضرت ائمه معصومین علیهم السلام از دور خواندن خوبست **جواب** ظاهرا خوبست **سوال** غسل
زیارت چهارده معصوم در زیارت ایشان علیهم السلام هر روز سنت است یا مخصوص است بروز جمعه **جواب**
هر روز ظاهرا خوبست و بهتر آنست که در ایام یا صحرا زیارت ... شود **سوال** در حدیث است
که بعضی ... بعد از موت ... لاحق میشود آیا ایشان در مدفن خواهند بود یا نه و هرگاه در مدفن نباشند
همه جا نسبت ایشان از برای قبر زیارت ... و بسیار ... مقرب ایشان
چه رجحان خواهد داشت **جواب** مسلم نیست ظاهر بسیاری از احادیث دال است بر اینکه اگر چه علما آنست
که جسد مطهر ایشان در ضرایح مقدسه نیست اما از احوال زوار مطلع میشوند و رفتن بنزدیک قبور ایشان

تعبدیست مانند رفتن به نوحه خانه خدا با اطلاع حق تعالی بر همه چیز دانسته شود آیا او بر همه سؤال
موضع دفن حضرت عزیر کجاست جواب در روایت و کتابی بنظر نرسیده که تصریح بموضع دفن
حضرت عزیر شده باشد اما چون ببوت رسیده مولد و مدفن و مدفن انبیای بنی اسرائیل شام
و بیت المقدس بوده و از اخبار و آثار و سیر معلوم میشود که ابتدای نبوت آنحضرت بیت المقدس بوده و بخت نصر
او را با جمعی از بنی اسرائیل اسیر کرده ببابل برده و مدتی آنجا محبوس بود و بعد از آنکه از حبس او نجات
یافت و بجانب بیت المقدس معاودت نمود حق تعالی قبض روح او کرد و صد سال بر آن حال ماند
و بعد از صد سال او را زنده کرد و بمیان بنی اسرائیل آمد و تورات را تعلیم ایشان کرد و قبل از این احوال
و بعد از این امور حرکت او را بغیر بابل بجای دیگر نقل نکرده اند و شهری که مزار است در بین بلاد میان
عوام میدارد اگر مستند تا الی ملیاست بنابراین ظاهر آنست که این موضع مدفن آنحضرت نبوده باشد

سؤال برای معلوم نمودن حلال از حرام و پاک از نجس استخاره جایز است و عمل بآن میتوان کرد
یا نه مثلا شخصی بدیدن ما آید و بره بیاورد بهدیه و احتمال رشوه هم در آن رود یا مرغی دهید
شود که حلیت و حرمت گوشت آن معلوم نباشد آیا با استخاره از گوشت آنها میتوان خورد یا نه و در
مرغی که ماکول اللحم بودن و غیر ماکول اللحم بودن آن معلوم نباشد جامه را از زرق آن بقصد تطهیر نشستن
و از ترشح آبی که بر زمین موهوم بل مظنون النجاسه بودن و جامه تطهیر نمودن باین نحو که بگوید که خداوندا
من این جامه را بقصد طهارت از نجاست بکشم خوبست و خلاف رضا و حکم تو نیست و هر چه
آید عمل باید جایز هست یا نه جواب اگرچه سید بن طاوس ره در مثال اینها باستخاره قائل شده
است اما ظاهرا مهوری ندارد در مسئله اولی اصل حلیت غالب است و اجتناب از این قسم شبهات
شاید مستحب باشد و در مسئله ثانیه جمعی از علما را اعتقاد اینست که اصل حرمت است تا حلیت ثابت
شود و این مقدمه نزد داعی ثابت نیست و اصل حلیت را اقوی میدانم خصوصا در مستحبات باشد و در سایر
شبهات تا علم بنجاست بهم نرسد حکم بنجاست ضرور نیست و استخاره مطلقا ظاهرا مهوری ندارد والله یعلم
حقایق الاحکام محمد مهدی سؤال اینکه در حدیث وارد شده که چندین مرتبه فلان عمل را بکند

از جمله

از جمله استخاره بگویند دیگر چیزی مذکور نیست آیا چه نحو معلوم میشود که آن کار را باید کرد یا نه
جواب این نوع دیگر از استخاره است که چون کاری خواهد بکند آن عمل را بجا آورد و متوجه
آن کار شود آنچه خیر اوست رو میدهد مؤلف گوید که در احکام فقه صلوات در کتاب صوم
از جهت اشتراک و اختصار مذکور خواهد شد

کتاب صوم

و در آن دو فصل است

فصل اول

در آداب صوم و توابع آن سؤال در بلدی که عرض آن بسیار و روز
در نهایت درازی باشد در روز تمام روز امساک باید کرد یا نه جواب اگر شب آن قدر باشد که
وسعت نماز و افطار داشته باشد احوط آنست که تمام روز را امساک کنند اگر ممکن باشد و اگر
وسعت نداشته باشد بحسب المقدور امساک میکنند سمع سؤال غسل ارتماسی در روز ماه مبارک
رمضان عمدا چه حکم دارد و غبار غلیظ و دخان غلیظ که باختیار بحلق شخصی برود که مانعش
ممکن باشد چه حکم دارد جواب احتیاطا جمع ایشان اگر قضای آن روز را بدارند بهتر است و
اظهر عدم قضاست در جمیع سؤال غبار غلیظ و گرد و مزه که بحلق برود روزه را باطل میکند
یا نه جواب اجتناب احوط است اما حکم ببطلان روزه کردن مشکل است سؤال اگر آب دهان
متغیر شود بخون و آب دهان را حرکت دهد تا تغییر مزه خون برطرف شود و آن آب را فرو برد در
روز ماه مبارک رمضان چه حکم دارد جواب اگر عین خون نبوده باشد احوط قضا و کفاره جمع است
و اگر طعمش غالب باشد که خون برطرف شده ضرری ندارد سؤال کسی که خود را جنب کند یا محتلم
شود بعد از طلوع صبح غسل کند روزه قضا یا روزه سنت میتواند گرفت جواب روزه سنت میتوانی
داشت و روزه قضا نمیتوان داشت سؤال بعضی عوام در شب ماه رمضان جماع میکنند و
زنان مامور ایشان نمیشوند تا نزدیک بطلوع آفتاب غسل میکنند اما اکثر علم ندارند که کفاره باید داد یا جهل
بمسئله با علم چه حکم دارد جواب چنانچه متصل بطلوع صبح غسل ممکن نشود و خوف ضرر بود باید تیمم
کنند و در وقت امکان غسل کنند و اگر غسل ممکن بود قضای آن روز را باید گرفت و احوط
آنست که کفاره نیز بدهد خصوصا عالم سؤال جنب و حایض که در شب حیضش منقطع شده

باشد و مستحاضه که متوسطه باز غسل باید بکند مثل مستحاضه متوسطه دیگری را لازم است که در ماه
رمضان قبل از صبح غسل کنند یا نه و بر فرضی که عمدا غسل را ترک کنند در قضا و کفاره چه حکم دارد
جواب اولی و اشهر آنست که قبل از صبح غسل کنند و اگر عمدا غسل را ترک کنند قضای آن
روزها باید بدارند و کفاره نیز احتیاطا بدهند سؤال روزه قضای ماه مبارک رمضان
را که بعد از ظهر قبل از ظهر میتوان خورد یا نه جواب ظاهرا جایز باشد والله اعلم سؤال
در ماه رمضان کسی که قوت لایموت نداشته باشد آیا سفر مباح بدون ضرر مثل تجارت
و غیر آن کند یا انشاء سفر نکند در جمیع این صور چه حکم دارد جواب انشاء سفر پیش از بیست و سیم
بدون ضرورت مکروه و بی حرج است سؤال اگر کسی روزه سنتی میدارد و زنش او را تکلیف
افطار میکند یا کسی تکلیف میکند که این شخص در خانه او نیست بلکه در کوچه و بازار و غیر آن تکلیف میکند
و لقمه نانی یا خرمائی باین کس میدهد که افطار کن و طعامی جهت او مهیا نکرده آیا درین صورت افطار سنت
در روزه مکروه است یا نه و آیا تفاوتی هست در افطار کردن بتکلیف میان روزه که سنت موکد باشد
و غیر آن یا نه جواب در غیر طعامی که در خانه او وارد شویم و دعوت کنند حکم بکراهت صوم مشکل است
و ظاهرا فرقی میان سنت و تطوع نباشد و اگر اتباع این کس از حال این کس دعوت کنند آن داخل
نیست والله اعلم سؤال هرگاه کسی روزه سنت داشته باشد و بخانه مؤمنی داخل شود و همچنان قهوه
تا کلانی خرما یا لقمه نانی باو دهند که بخورد یا تکلیف آب خوردنش کنند داخل اطعام است و افطار
کردن با اینها سنت است یا نه جواب ظاهر اینست که افطار کردن بچنین چیزها صورت ندارد
و ظاهر اخبار آنست که اگر بخانه مؤمنی داخل شوی و طعامی حاضر کنند سنت است سؤال روزه
موکد هر ماه سه روز یا روز غدیر یا ماه شعبان را هرگاه کسی بدارد و بتکلیف افطار کند
ثوابش مضاعف است و قضای آنرا باید داشت یا نه جواب قضا نباید داشت هرگاه افطار
شرعی بعمل آمده باشد سؤال دعای وداع ماه مبارک رمضان را چه وقت باید خواند جواب
یا در روز آخر بقرینه ظاهر دعای صحیفه کامله یا اشدد شوقنا غدا الیک یا در شب آخر

بنابر

بنا بر توقیع حضرت صاحب الامر و اخبار دیگر که وارد شده که اعمال ماه مبارک رمضان در شب عید
سنت بیست سؤال در عید ماه مبارک رمضان که از اول ماه سی روز نگذشته باشد
بدون آنکه کسی خود ماه را دیده باشد چه روش باید نمود هرگاه ثابت شود آنکه جایز باشد
افطار کردن بمحض آنکه از بعضی صلحا و علما بشنوی که جماعتی شهادت داده اند که ماه را دیده
اند جایز است افطار کردن یا نه جواب احتیاط اینست که بمحض شنیدن از آن جماعت
که بتواتر ثابت شده اکتفا نکنند بلکه هرگاه بشهود بشنود تا علم شرعی ایشان را حاصل شود از
شهادت عدلین یا شیاع و ظاهر آنست که اگر اطلاع بهمرسانند که اکثر اهل بلد از علما و صلحا بسبب
دیدن ماه افطار کرده اند افطار نمیتوان کرد و غیرت را کافی باشد خبر دادن مردان ایشان
به ثبوت سؤال هرگاه هوا صاف باشد و ابر نباشد و جمعی گویند و شهادت دهند که ماه را
دیده اند در بلد یا در خارج بلد یا ابر بوده باشد و هوا صاف نباشد بچند گواه ثابت میشود جواب در
جمیع این شقوق در هر تقدیر بشهادت دو عادل یا شیاع ثابت میشود سؤال بمکاتبه ثبوت هلال
ثابت میشود یا نه جواب مشکل است ثبوت هلال بمکاتبه مگر آنکه منضم بقراین چند باشد که افادهٔ
علم کند سمع سؤال هرگاه هلال شوال قبل از زوال دیده شود افطار باید کرد یا امساک جواب
احوط امساک است بنابر احتیاط سمع سؤال احتیاط چگونه میتوان کرد و حال آنکه اگر ماه
رمضان است امساک واجب است و اگر روز عید است امساک حرام است و در امری که مردد بین وجوب و حرمت
آن تعدد باشد چگونه احتیاط میتوان کرد جواب دلیل بر حرمت امساک درین صورت نیست و ایضا بنا
بر حجیت استصحاب حکم امساک بر طرف نشده و لا اقل امساک که حرامی خواه بنمود کفاره و در افطار
احتمال وجوب کفاره نیز میرود سمع فصل دوم در احکام قصر در صوم و صلوة و
در آن چهار مبحث است مبحث اول در بیان مسافتی که در آن قصر لازم است سؤال
قصد چهار فرسخ موجب قصر هست یا نه جواب هرگاه قصد چهار فرسخ داشته باشد و عزم اقامت
سر چهار فرسخ یا ملکی که در آن استیطان شش ماه نموده باشد نداشته باشد قصر میکند در راه و در

بیان احکام قصر در صوم و صلوة و بیان مسافتی که معتبر است در قصر

منزل والا در راه در منزل هر دو تمام میکند سؤال کسی که قصد مسافت چهار فرسخ داشته باشد
و نیت اقامت ده روز در آنجا نداشته باشد قصر میکند یا تمام جواب اگر قصد اقامت نداشته باشد
قصر باید کرد سؤال اگر قاصد چهار فرسخ قصد عود همان روز نداشته باشد اما در عرض عشره
قصد رجوع داشته باشد تمام میکند یا قصر جواب قصر را اظهر میدانم و شاید احتیاط نیز
بکنیم سؤال اگر در حین سفر بند که احتیاطا هر دو را خواهند کنند و وقت مضیق باشد کدام یک را
مقدم دارند جواب چون قصر اظهر است آنرا مقدم میدارد و اگر وقت باز مانده باشد بعد
ازین تمام را قضا بجا می آورد سؤال هرگاه شخصی قصد چهار فرسخ دارد و نمی داند که همان
روز برخواهد گشت یا پیش از ده روز یا بعد از ده روز قصر کند یا تمام جواب ظاهرا تمام اولی
باشد سؤال کسانی که گفته اند که مسافر مخیر است در قصر و اتمام در سفر چهار فرسخ هرگاه اراده
عود را در همان روز نداشته باشد آیا مراد ایشان اطلاق است نسبت بکسی که قصد رجوع پیش از ده روز
یا بعد از ده روز دارد یا قصد رجوع اصلا ندارد یا نه جواب مراد اکثر مطلق است و اول اعمل
برگشتن پیش از ده روز را اعتبار کرده است سؤال هیچ فرسخ و شش فرسخ و هفت فرسخ نیز
حکم چهار فرسخ دارد در قصر و اتمام یا نه جواب بلی سؤال اگر کسی قصد دارد که در سفر چهار
فرسخی بعد از ده روز خواهد برگردد و این نحو که بعد از بیرون رفتن از منزل خود یک فرسخی یا دو فرسخی
نه روز مثلا خواهد بود در مکان مخصوص که سر چهار فرسخ است نه روز یا کمتر خواهد بود و بعد از برگردیدن
در آنجایی که آن مرتبه نه روز مانده یا در جای دیگر از عرض راه نه روز خواهد بود آیا چنین کسی
با وجود آنکه قصد هشت فرسخ دارد ذهابا و ایابا و قصد اقامت در هیچ جا ندارد قصر کند یا تمام جواب
کان نقصر قصر است و اگر جمع بین القصر و الاتمام کند خروجا عن الخلاف ظاهرا بد نباشد سؤال هرگاه اراده
جایی داریم که تا آنجا یک فرسخ است و از آنجا اراده داریم که همه جا بر گرد منزل خود دوره زنیم بشکل
دایره که هیچ جا کمتر از یک فرسنگ و زیاده از آن نباشد تا برسیم بجایی که اول آنجا رسیده بودیم
و از آنجا بمنزل خود آییم تا هشت فرسخ تمام شود آیا نماز را در این صورت تمام باید کرد یا نه و اگر

فرسخ

فرسخ که مذکور شد بشکل دایره نباشد بلکه مثلا گاهی با منزل ما دو فرسخ است و گاهی یک فرسخ و نیم
مثلا که مجموع با نهایت هشت فرسخ بشود باز هم صورت اول دارد یا نه جواب اگر اراده قصر شهر
خود بکار میکند و مجموع هشت فرسخ باشد ظاهرا قصر باید کرد سؤال هرگاه اراده جایی داریم
که آنجا هفت فرسخ است یا آنکه هفت فرسخ زیاده است اما شک داریم که هشت فرسخ است یا نه یا آنکه
اراده جایی داریم که آنجا چهار فرسخ بودن مشخص نیست و قبل از عشره اراده عود داریم در یکی از
این سه صورت دفعی که از منزل خود میرویم بسمتی یک غیر سمت مقصود قدری حرکت کرده بمکانی دیگر
برویم و بعد از آن بسمت مقصود متوجه شویم اما در صورت اول آنقدر برویم که مجموع حرکت هشت
فرسخ شود و در صورت ثانی آنقدر که هشت فرسخ مشخص شود و در صورت ثالث آنقدر که هشت
فرسخ ذهابا و ایابا مشخص شود آیا برای قصر فایده دارد یا نه و برتقدیری که فایده داشته باشد آیا
شرط است که بودن آن مکان غیر مقصود از منزل حد ترخص داشته باشد یا شرط نیست جواب ظاهر است
اما رعایت حد ترخص در کار است سؤال و اگر این حرکت زیاد غیر مقصود را در صورت مذکوره در وقت
بیرون رفتن از منزل خود نکند بلکه در قصد داشته باشد که بعد از رسیدن بمکان مقصود از برای تشخیص شدن
مسافت بدون آنکه شغلی دیگر داشته باشد بآنجا مذکوره بطرفی حرکت کند باز برای قصر فایده دارد
یا نه جواب ظاهرا خوب است سؤال اگر کسی بطلب عبد آبق در غرم تا هشت فرسخ برود و در آن
مکان سر هشت فرسخ میخواهد نه روز یا کمتر بماند آیا در این صورت که یک فرسخ پیش برود تا نه فرسخ
از منزل خود رفته و باز برگردد بهمان مکان که اراده داشته که نه روز بماند یا برگردد از آن مکان
بطرف منزل خود بقصد اینکه باز بهمان مکان برگردد یا اینکه قصد برگردیدن نداشت اما برای ضرورتی
یا بدون ضرورت برگردید بهمان مکان تا آنکه مدتی در آن مکان بماند حتی آنکه یک فرسخ یا کمتر
بیرون رفت و باز برگردید بهمان مکان مفروض که در کدام صورت قصر یا روزه میکند جواب
در هر صورتی که رو بمنزل خود روانه میشود و از آن محل تا خانه هشت فرسخ باشد یا منضم به دیگر
که هشت فرسخ باشد و در اثنای راه کمتر از ده روز بماند قصر باید کرد سؤال در شمار فرسخها

بیان اقسام سفر و کثیر السفر

اعتبار بگفته مردم آن ولایت میتوان کرد اگر همه خراسان باشد یا نه جواب ظاهرا بنا بر شهرت توان کرد اگر ثابت

مبحث دوم در اقسام سفر سؤال کثیر السفر که باید تمام کند کدام است جواب مکاری و جمال

و اجیر و شاطر و کشتی بان و سوداگری که پیشه خود کرده باشند و هر که سفر کرده باشد و در راه بین اقامت ده روز نکرده

باشد در سفر سیم البته باید تمام کنند و اگر این جماعت ده روز در منزل خود مانند یا در بلدی دیگر قصد اقامت

ده روز کنند بعد از ان در سفر اول و دوم احتیاطا قصر و اتمام هر دو باید بکنند و بعد از ان در سفر سیم

تمام کنند و اضافه فرموده اند که اگر کسی عملش سفر باشد مثل مکاری هر گاه در منزل خود اقامت ننمود و بعد

از ان مسافرت نمود احوط آنست که قصر و اتمام هر دو بکند تا آنکه دفعه دیگر بمنزل خود برسد و قصد اقامت نماید

در این صورت قصر برا و لازم است سؤال جماعتی که تجارت بلاد خود میکرده باشند ایشان در سفر سیم و بعد از ان

تمام کنند یا قصر جواب قصر قوی است و احتیاط آنست که تمام نیز بکنند سؤال هر گاه کسی در روستان رود

و قصد ندارد که ده روز در جائی بماند بلکه همیشه در رفت و آمد است و گاهی در بعضی جاها ده روز میماند بی قصد و گاهی

زیاده و گاهی کم و میان این دهها گاهی یک فرسنخ است و گاهی دو و گاهی هشت و گاهی پنج و گاهی چهار و در این

ماس در نظر دارد که سه و چهار راه باشد یا کمتر یا بیشتر حتی کسی باز سه قصر میکند یا تمام جواب هر گاه

تا آن محل هشت فرسنخ باشد قصر میکند مگر آنکه پیله ور باشد که برای تجارت ده بده گردد یا این حرفها

باشد یا بادیه نشین باشد که پی آب و علف رود و الله اعلم سؤال هر قسم شکاری که باشد از جرخ و باز و

باشه و غیر اینها هر گاه صاحب شکار احتیاج آن نداشته باشد و بر تقدیری که شکار رود و شکار بعمل آید

چندین برابر قیمت شکار صرف میشود آیا آن شکار موجب قصر نماز و روزه هست یا نه جواب اگر برای

لهو باشد تمام میکند و اگر برای قوت خود و عیال خود باشد قصر میکند و اگر برای تجارت باشد خلاف است

ظاهرا قصر میکند سؤال هر گاه شخصی نوکر شد نوکر حاکمی و شک دارد که اگر نوکری او نکند ضرر باو خواهد رسید یا نه

هر چند نوکر ضروری نشود آیا در هر یک از این سه صورت نماز و روزه را قصر میکند یا تمام جواب

بعد التسلیم نوکری حکام اگر منضم خون ناحق باشد یا خوف نیز حلال نمیشود و اگر منضم آن نباشد

اگر منضم حرام دیگر باشد یا خوف ضرر شدید تمام نباشد مگر نمیتوان شد و بعد از ارتکاب یا در جمیع

[illegible]

هرگاه

۳۵

هر گاه مجبور نباشد از ارتکاب آن جایز نیست و قصر کردن نماز تابع حلیت است باین وجوه که مذکور شد و الله اعلم

سؤال حکام جور هر گاه در بلاد حکومت خود از جائی بجائی سفر نمایند نه بقصد حکومت خود و ایذای مسلمانان

بلکه از جهت سیر و تفنن و گاه باشد که انعقاد حکومت و تسلط که ایشان را در مکان اول میسر بود در مکان

ثانی مقدور نباشد الا سفر ایشان قصر لازم است یا نه جواب ظاهرا هر گاه فی الجمله خالی از حکومت جور نباشد

سفر ایشان غیر مباح و اتمام لازم است و الله یعلم سؤال اگر کسی سفر را شروع کند و در اثنای راه از آن

قصد برگردد و سفر خود را مباح سازد یا از راه جدا شده بطرف دیگر ییلاق [illegible] آن راه جهت امر مشروع

حرکت نماید و باز بهمان راه برگردد تا بر سر آن راه آمدن قصر میکند یا تمام و مقدار مسافت از موضع

انتقال شرط است یا از ابتدای سفر و همچنین اگر بعکس این باشد که در اثنای سفر مشروع بغیر مشروع منتقل شود

جواب در دو صورت اول ظاهرا قصر باید کرد و در اشتراط مسافت از موضع انتقال خلاف است و اشهر اشتراط

است و بهتر آنست که از موضع انتقال تا بحد ترخص آنجا نیز جمع بین القصر و الاتمام کند و در صورت ثالث مطلقا

تمام میکند تا از این قصد برگردد و الله یعلم مبحث سیم در قواطع سفر سؤال آنکه در چهار داربو

نوشته است که اگر کسی در دهی یا شهری سی روز ماند یا متردد یا سلطان مغرور شد هر گاه در اثنای سفر یا تجارت سفر پس قطع

نمیشود مراد آنست که هر سال سی روز مانده باشد یا مثلا اگر شش سال هر سالی یکماه مانده باشد یا بعضی

سالها سی روز مانده باشد نیز کافی است جواب ظاهر مراد آنست که هر سال شش ماه در آنجا مانده باشد

و شرط نیست که شش ماه متوالی باشد بلکه تفریق هم کافیست و اگر در هر سال شش ماه مانده در وطن دیگر

اگر قصد اقامت نکند مخیر بین القصر و الاتمام است سؤال هر گاه از وطن اصلی خود بجای دیگر تحویل کرده باشد

و آنجا را مسکن خود کرده باشد و چند سال مانده پس بعد چند سال بمکرر اتفاق افتد که آنجا نباشد بعد

از این اگر بآنجا رسید بدون قصد اقامت چه حکم دارد جواب هر گاه بالفعل آنجا را محل سکنای خود شمرده باشد

که در عرف آنجا را گویند حکم وطن دارد تمام میکند سؤال در صدق موطن همین ماندن

در آن مکان کافی است یا ملک داشتن هم شرط است و بر تقدیری که ملک داشتن شرط باشد

در وقت اقامت شرط است یا اگر در وقت اقامت ملک نداشته باشد اما سابق بر آن ملک داشته

بیان قواطع السفر

یا بعد از آن ملک بهم رسانیده نیز کافی است جواب ملک داشتن شرط است و اظهر و احوط آنست که در وقت
اقامت ملک داشته باشد سؤال اگر شخصی ملکی جایی دارد که تا آنجا صد فرسخ است و در هر کنار
هشت فرسخ منزلی دارد که در آن ملک و مشتاه بعض لایق نماز را در آن منازل و غیر آن تمام میکند یا نه
جواب بنا بر آنکه منزلی که شش ماه استیطان کرده قطع سفر است چنین خواهد بود اما این مسئله محل اشکال است
مگر آنکه هر سال شش ماه در آنجا مقیم باشد سؤال هرگاه شخصی از ده بیرون دارد که تا آنجا چهار فرسخ یا زیاده است
اما بحد مسافت نمیرسد و در غیر این راه منزلی دارد که در آن نماز را تمام باید کرد و آیا اگر قصد
کند که در وقت رفتن یا آمدن با آنجا رود یا اینکه در وقت رفتن قصد نداشت و بعد از بیرون رفتن
قصد کرد که با آنجا رود آیا قصر کند در هر کدام از شقوق یا نه جواب ظاهر آن در هر دو صورت سفر
سرهم محسوب شود سؤال اگر در راه هشت فرسخ دهها یا دهات باشد که نماز را تمام باید کرد بر سر آبادی از اهل
آن ده نشود بلکه از کنار آن بقدر ترخص بهم از حد ترخص دور شود لا قصر میکند یا تمام جواب مشهور آنست که اگر حد ترخص آن
محل بکند و سفرش قطع میشود و مسئله محل اشکال است سؤال گفته اند که هرگاه کسی در موضعی قصد اقامت
کند و یک نماز تمام در آنجا بکند بعد از آن هر چند رایش از ماندن برگردد تا آنجا هست تمام میکند آیا اعاده
بهمان نماز رکعات شان او قصر است مثل ظهر تا اگر صبح و مغرب هرگاه بقصد تمام خوانده همین حکم
دارد جواب مراد نماز رکعات شان او قصر باشد سؤال هرگاه شخصی در بلدی قصد اقامت داشته باشد
و چون بکمتر از حد ترخص از آن بلد رسید وقت نماز ظهر مثلا داخل شده و خروج مانع از اختلاف قصر و اتمام
هر دو کرد و بعد از رسیدن ببلدی قصد اقامت نمود و هنوز نمازی در آن بلد نکرده رایش از ماندن برگردد بر
آیا بعد از این اگر در همان بلد نماز کند تمام باید بکند بنا بر آنکه یک نماز تمام در آنجا کرده یا قصر جواب چنین
نماز تمام فایده ندارد باید بعنوان جزم تمام کرده باشد **مبحث چهارم** در بیان حد
ترخص سؤال معیار حد ترخص که هرگاه مسافر تا آنجا رسد قصر باید بکند چیست جواب خفای اذان
است و معتبر در اذان اگر بلد عظیم شده اذان بلد است و اگر عظیم باشد اظهر آنست که اذان محله معتبر است
سؤال اگر کسی بیرون عزیمت سفر بحد ترخص بلد خود برود و در آنجا عزیمت سفر بهم رساند از برای قصر همان

بیان حد ترخص

حد

حد ترخص کافی است و در آنجا قصر برا و لازم است یا آنکه هرگاه بقدر حد ترخص دیگر که از آن مکان دور
شود قصر لازم میشود و اگر آن بلد بلد اقامتش باشد یعنی بلد خودش نباشد اما در آنجا قصد اقامت عشره نموده
باشد حکمش چیست جواب اگر بلد خودش باشد از همان مکان قصر میکند و اگر بلد اقامتش باشد بر آنکه بدون
عزم سفر در زیاده از حد ترخص اقامت مسافت تمام باید بکند یا آنکه اول عزم عود و اقامت عشره مستانفه داشته
ظاهر اگر بقدر حد ترخص دیگر که حرکت کند قصر میکند **تتمه بحث** سؤال جایی هست که قصر یکی از نماز و روزه
باید کرد و در دیگری یا نه جواب در مواضع تخییر موافق مشهور در نماز مخیر است و در روزه قصر باید کرد و
چند وجه موضع دیگر فرق کرده اند که خلاف مشهور است سؤال هرگاه مسافری در جایی قصد اقامت
نماید و نماز را تمام کند و بعد از آن از موضع اقامت خواهد حرکت بکند بقدر یک مسافت زیاده از حد
ترخص آیا نماز را تمام میکند یا قصر جواب بعید نیست که اگر بعد از مراجعت قصد دارد که ده روز دیگر بماند
تمام باید کرد و اگر ندارد احوط آنست که قصر و اتمام هر دو بکند و الله یعلم بخط ره و در جای دیگر فرموده اند
که اگر عزم مراجعت آن مکان اصلا ندارد قصر باید کرد و اگر دارد و قصد ماندن ده روز دیگر دارد در
رفتن و آمدن و در مکان مقصود تمام میکند و اگر عزم مراجعت دارد و قصد اقامت دیگر ندارد نماز تمام کردن
اقوی است و اگر احتیاط بکند بهتر است سؤال چه میفرمایند در باب مسافری که در مکانی قصد
اقامت عشره نماید و بعد از آن تا دون مسافت از حد ترخص آن مکان بقصد عود و اتمام عشره منویه بعزم اقامت عشره
مستانفه آیا قصر صلوة و افطار صوم میکند یا نه جواب در این مسئله خلاف بسیار است و احوط
آنست که جمع کند میان قصر و اتمام و الله یعلم سؤال هرگاه نماز در حضر بر شخصی واجب شد و آخر آنکه وقت مسافر
شد یا بعکس آیا وقت وجوب معتبر است و تمام باید بکند یا وقت ادا و قصر باید بکند جواب ظاهر این است که اعتبار
حال اداست و احوط جمع بین القصر و الاتمام است و در جای دیگر فرموده اند که احوط آنست که هرگاه در
بلدی وقت داخل شده باشد قبل از خروج نماز را بکند و همچنین مسافر را احوط آنست که هرگاه قبل
از دخول وقت داخل شده باشد نماز کرده داخل شود سؤال هر موضعی که قصر و اتمام احتیاطا باید کرد
احتیاط آنست که در ماه مبارک رمضان روزه بگیرند و قضا نیز بکنند **کتاب زکوة و خمس**

باب احکام زکوه

و دران سه فصل است فصل اول در بیان احکام زکوه و دران سه مبحث است مبحث
اول در بیان آنکه زکوه بر که واجب است سؤال ملک را هر گاه باجاره دهند زکوه بر کیست
جواب بر مستاجر است و اگر علم داشته موجر که مستاجر زکوه نداده و عین آن جنس را باو داده احوط
دادن زکوه است سؤال هر گاه زارع مستاجر از موجر بذر بعنوان قرض بگیرد زکوه حاصل بر کیست
جواب بر مستاجر است سؤال شخصی ملکی را که در آن زراعت باشد یا باغی که در آن انگور باشد
حاصل آن را بخرد زکوه را مشتری باید بدهد یا صاحب ملک جواب اگر در حین بیع کردن وقت تعلق
زکوه شده باشد بذمه صاحب ملک تعلق میگیرد و اگر پیش از تعلق گرفتن باشد بر مشتری است سؤال
از مال صغیر زکوه دادن در غلات و غیرها بر وصی یا قیم یا کسی که مال صغیر [illegible]
در دست اوست واجب است یا نه جواب مشکل است دادن زکوه در چنین صورتها مبحث دوم
از فصل اول در بیان نصب زکوه و چیزها که در آن زکوه واجب است سؤال نصاب گوسفند چند است
جواب بعد البسمله نصاب اول گوسفند چهل است و در آن یک گوسفند باید داد و نصاب دوم صد و
بیست و یک است و در آن دو گوسفند باید داد و نصاب سوم دویست و یک است و در آن سه گوسفند باید داد و
نصاب چهارم سیصد و یکی و در آن چهار گوسفند باید داد و بعد از آن هر صد گوسفند یک گوسفند
باید داد اگر شرایط وجوب متحقق باشد والله العالم محمد مهدی سؤال در زکوه گوسفند هر گاه با سیصد هر صد یک
یک باید داد یا چهارصد جواب احتیاط اینست که در سیصد و یک چهار گوسفند بدهند و در چهارصد
نیز چهار سؤال جو و گندم نصابش چند است و قرار نصاب بعد از وضع اخراجات است یا قبل و چه قدر
می باید داد جواب نصاب غلات صد و پنجاه و سه من و نیم است بوزن شاه نو تبریز و از آن بعد از
وضع خراج سلطان قبل از وضع اخراجات دیگر عشر یا نصف عشر باید داد سؤال زکوه زر
نصابش چند است جواب نصاب اول طلا بیست مثقال شرعی است و نصاب اول نقره سیزده هزار و دو
دینار است تقریبا و زکوه نقدین باین شرط واجب است که تمام سال نزد او باشد بقدر نصاب یا زیاده
و زکوه نقد چهل یک است سؤال هر گاه در باغی چند نوع انگور یا در مزرعه چند گندم بعمل آمده باشد
الخ

زکوه را از نوع اعلی باید داد یا از هر کدام که بدهد مجزی است و از هر نوع باید بقدر نصاب باشد تا زکوه
لازم شود یا مجموع که بقدر نصاب باشد کافی است جواب بهتر آنست که زکوه را از نوع اعلی
یا از همه بتقسیط بدهد و مجموع انواع یک جنس که بسرحد نصاب رسید زکوه لازم میشود در هر نوع بسرحد
نصاب رسیدن در کار نیست سؤال مؤونت حاصل ملک که مستثنا میشود پیش از زکوه کدام است
جواب بغیر از خراج پادشاه مؤونات دیگر را دلیلی ندیده‌ام و احوط آنست که بغیر از خراج
هیچ چیز را بیرون نکنند سؤال وجه اجاره از جمله مؤوناتی که پیش از اخراج زکوه مستثنا میشود
هست یا نه جواب احوط آنست که مستثنا نکنند هر چند که محتمل است که مستثنا باشد سؤال هر گاه
گوسفندانیکه جمع آمده باشد کمتر ده یک آن یا کمتر یا بیشتر آیا جایز است که گوسفند نر بدهند برای زکوه
خواه قیمت نیز برابری با ماده کند یا کمتر باشد یا زیاده و همچنین در دادن ماده از نر جواب اگر
موافق باشد خوبست و الا باید وسط در قیمت را بدهد مثل آنکه مجموع چهل گوسفند چهار نوع باشد [illegible]
و میانه‌اش ... هزار دینار و یا پانصد دینار است گوسفند هزار دیناری بدهد والله العالم سؤال اگر
زکوه ندهند از غله و آن را بکار زنند آیا زکوه میدهند و بس یا آنکه یک ده یک را برای تخم که ده یک
آن زکوه نیز بیرون میکنند و از نه حصه دیگر زکوه میدهند و بر این قیاس اگر در سال ثالث و رابع
تا نهایتی مطلقا زکوه ندهند جواب زکوه تخم را باید داد و از مجموع حاصل نیز زکوه باید داد والله العالم
سؤال در غیر ربح تجارات و صناعات متعارفه که بحرفه عرف هم بران صادق می‌آید در زراعات زاید
بر قوت سنه در امور دیگر مثل آنکه نوکری شخصی کردن یا نفع از حاصل گوسفند یا شتر بهم رسیدن
یا وظیفه یا اجرت نماز و روزه یا اجرت قرآن خواندن گرفتن مبلغی بهم رسیده که بسرحد نصاب
رسیده زکوه لازم است یا نه جواب در این امور هر چه بهم رسیده شده که عرفا کسب او بشود خمس باید داد
سؤال هر گاه شخصی زرهای مختلف بعضی از او چهل یا پنجاه سال یک نقد بود در این مدت هرگز از چهل
گوسفند کمتر نداشته اما گاهی دویست داشته و گاهی صد و گاهی شصت و گاهی پنجاه و گاهی چهل و هیچ گاهی کمتر
چهل و گاهی کم شده اند و گاهی زیاده و در خاطرش نیست که در هر سال بخصوصه چند داشته

وهرگز زکوة نداده والحال میخواهد که زکوة بدهد چه کار کند که شغل ذمهٔ او بر طرف شود جواب
آنقدر بدهد که ظن غالب شود که داده است و محتمل است که اگر قدر یقینی را بدهد هر کافی است و نهایت
احتیاط آنست که آنقدر بدهد که علم بهم رسد که همه را داده است سؤال در محصولی که نصف هر کدام
بسر حد نصاب نرسیده است جواب بلی اوّل زکوة را اخراج باید نمود و بعد از آن بمصارف وقف
صرف باید کرد حکم آنکه در مصارف وقف مستحق زکوة باشد تم مبحث سیم در بیان مصارف
زکوة سؤال مراد از مؤمنی که او را دیدیم و را از زکوة توان داد جماعت عامی که مبالات بدین
نداشته باشند مثلاً بعضی حرز رده امام شنیده اند و نام ایشان را نمیدانند و بعضی نام را یاد گرفته اند
اما نمیدانند که امام چه معنی دارد که خلیفه و جانشین پیغمبر چه جای آنکه دلیل اجمالی بر حقیت ایشان
یا بر حقیت نبی داشته باشند شامل چنین جماعت است یا مراد مؤمن اینست که اقل مرتبه معرفت با صحو
خم و اعتقاد بحقیت ایشان بدلیل اجمالی داشته باشد و ظهور صلاح او لازم داشته باشد و بعضی هستند که
در نهایت جستجو چندانما نماز نمیکنند تا اگر نماز میکنند بروشی بعمل می آورند که جزما بسبب عدم قرائت
یا غلط کلمات و اعراب و ترک بعضی واجبات نمازش باطل است زکوة و فطره دادن بچنین جماعت
چه حکم دارد جواب اگر دانشمند صالح بهم رسد بهتر است و اگر چنین شخصی بهم نرسد بغیر او میتوان
داد سؤال طلبهٔ علوم که توانند همان قدر تحصیل و کسبی یا تجارتی و زراعتی جمع کنند بهتر است
یا از وجوه اتفاق بگیرند و در تحصیل بیشتر بکوشند و هر گاه جماعت مذکوره از رسول اعظم نقل
کرده بر سانیق از برای هدایت مردم بروند و معاش از غیر وجوه مذکوره میسر شود لازم است
رفتن یا راجح یا برعکس چون در رسول اعظم در خدمت فضلا مسائل مشکله تحصیل میکنند
و در علم ترقی میشود جواب با قدرت بر کسب اگر با طلب علم ضرر برسد جمع شود و رسیدگی
بهتر از اخذ زکوة و صدقات باشد و اگر داند که بر تحصیل علم او فواید عظیمه از نشر علوم در رفع بدع
مترتب می شود و با کسب جمع نمیشود اخذ صدقات بهتر خواهد بود والله یعلم سؤال هرگاه
شخصی مسلمان و فقیر باشد و اهلیت آن نداشته باشد که زکوة با و بدهند اما چون طفل صغیر

دارد

دارد از وجوه زکوة با و میتوان داد یا نه جواب ظاهرا توان به پدرش داد که خود خرج
او کند یا بشخص دیگر دهند که خرج او کند سؤال به یتیمی که ولی ندارد زکوة دادن چه صورت
دارد جواب احوط آنست که خود صرف آنها نماید سؤال در بعضی صور که لقطه را تصدق
میکنند باین نیت که هرگاه صاحبش معلوم شود اگر راضی باشد فبها والّا خود عوض را باو بدهد
اگر احیاناً بقرینه معلوم باشد که صاحب آن سید بوده مثلا انگشتری باشد که بسبب نقش نگین ظاهر
تواند شد آیا بسید میتوان داد یا باید سید نباشد جواب در این باب حال متصدق معتبر است
دارد نه حال صاحب مال اصلی سؤال سادات اضطرار ایشان بچه حد که بر ایشان زکوة دادن
و فطره از غیر سید میتوانند گرفت جواب ظاهر آنست که اضطرار بحدی رسیده باشد که خوف تلف باشد
بقدر سد رمق میتوانند گرفت سؤال کسی که مادر او سیده است و پدرش نیست دادن زکوة با و چه صورت دارد
جواب نمیتوانند زکوة بگیرد او گرفت که حسب از پدر و مادرش سیده نباشند اما زکوة مثل خود را میتوانند
گرفت سؤال هرگاه از شخصی طلبی داشته باشیم و نداشته باشد که بدهد به عوض زکوة حساب میشود یا نه جواب
اگر بیرون باشد و ظاهر الصلاح باشد زکوة حساب میتوان کرد سؤال مبلغی جزیه نقود از این فقیران
میگیرند و الحمد به مذهب حق تشیع ... ایشان که از ما میگیرند بوجه زکوة و خمس میرود یا نه جواب
حساب نمیتوان کرد سؤال از وجه زکوة صرف تعمیر مسجد و مدرسه نمودن جایز است یا نه جواب مشهور
اینست که جایز است و با وجود مستحق احوط ترک است سؤال فطره ماه مبارک رمضان مقدار باید
و بچه شرط واجب است و وقت فطره دادن بعنوان اداء چه وقت است جواب کسی که خواهد
جمع اقوال علما و نهایت احتیاط کند از هر نوعی دو من بوزن تبریز باید داد و اقلش یکمن و چهارده
مثقال و ربع بوزن تبریز باید داد هر جنسی که اغلب قوت او و عیال اوست و کسی که قوت
سنه از جهه خود و عیالش بالفعل داشته و یا کسبی داشته باشد که وفا باخراجات او و اهل و عیال
او میکرده باشد بر او واجبست که فطرهٔ خود را و جمیع واجب النفقه های خود را و غلام و
کنیز و کسی در شب عید قبل از غروب آفتاب در خانه آن شخص بضیافت رفته باشد و تناول افطار کند

[illegible]

[illegible]

اما وقت فطره دادن پیش از عید بعد از دیدن ماه واجب میشود و میباید داده شود پیش از نماز
عید و تا وقت ظهر روز عید است و بعد از ظهر خلاف است که آیا فطره است قضا یا تصدق است و
اظهر آنست که فطره قضا است و کسی که قوت سنه نداشته باشد یا کسبی داشته باشد که وفا باخراجات
او کند سنت است فطره دادن چنین شخص از خود و عیال خود و اگر قدرت نداشته باشد یک صاع
گندم را بر سبیل اداره دست گردان کنند و در آخر بمستحقی خارج بدهند سؤال هرگاه نوکر
یا اجیر جیره قرار کرده باشند که در شب عید با آن جیره بدهند بدون آنکه از خانه این طعام خورده
باشد آیا فطره او بر صاحبخانه لازم است جواب درین صورت بر صاحبخانه لازم نیست بلکه
در هر صورت که عیال او شود لازم است این حکم [illegible] سؤال هرگاه بسائلی در شب
عید فطر چیزی بدهد و آن افطار نماید بر معطی فطره او لازم است یا نه جواب ظاهر الا لزوم نیست
زیرا که ضیف [illegible] که عیال مضیف شود و سائل داخل ضیف نیست سؤال فطره شخص را
ببعض از مستحقین میتوان کرد یا نه جواب میتوان هرگاه مستحق بسیار باشد و الا احوط عدم تبعیض است

فصل دوم در احکام خمس و در آن سه مبحث است مبحث اول در بیان چیزهائی که خمس

در آن واجب است سؤال خمس در چه چیز لازم میشود جواب غالب اوقات در ارباح تجارات و
صناعات و زراعات واجب است سؤال خمس از چه منافع باید داد و چه شرط خمس قرار میگیرد
جواب هر نفعی که از ارباح تجارات و زراعات و مکاسب بعد از اخراج مؤن و بعد از اخراجات ضروری
آن شخص آنچه در آخر سال زیاده باشد خمس باید داد سؤال در غیر ارباح تجارات و امثال آن
مثل آنکه نوکری کردن یا وظیفه یا اجاره نماز و روزه گرفتن یا اجرت قرآن خواندن مبلغی
بهم رسانده هرگاه از قوت سنه زیاد بیاید واجب است خمس آنرا بدهد یا نه جواب امثال
این امور هرگاه عرفا کسب او شده باشد باید داد و احتیاط آنست که در هبه که نسبت بحال او
خطیر گویند و در میراثی که با ورثه جابری که گمان نداشته باشد خمس بدهد بنا بر چیزی که علما
می مهر را نقل کرده سؤال آنچه بعنوان میراث بشخص برسد از ملک و غیر آن یا هبه شود یا و

بیان خمس و چیزهائی که خمس در آنها واجب است

خمس

خمس در آن واجب است یا نه جواب مشهور آنست که واجب نمیشود و از حدیث ظاهر میشود که اگر میراثی باشد
از کسی که گمان نداشته باشد یا بخشش عمده باشد که مترقب نباشد باید داد و در غیر این صورت نباشد و احوط
عمل بر روایت است سؤال خذ مال الناصب حیث ما وجدته و ادفع الینا الخمس چه معنی دارد جواب
کسی که عداوت اهل بیت ع دارد مال او حلال است و خمس باید داد و از بعضی احادیث ظاهر میشود جمیع
سنیان این حکم دارند و در صورت اخیر احوط ترک است سؤال اگر کسی [illegible] داشته باشد مثلا
و بعد از ده سال یا بیست سال مال او بحد نصاب برسد بسبب سوداگری یا زراعت یا کسب آیا درین صورت
خمس واجب است باعتبار اینکه از نفع این سالها زیاد آمده یا نه و همچنین بر زن واجب است که از مهر
خود خمس بدهد یا نه جواب خمس نفع آن سالها باید داد و در مهر خمس دادن واجب نیست سؤال در نتاج
شتر و گاو و گوسفند هرگاه از اخراجات سال زیاد آید خمس واجب است یا نه جواب وجوب معلوم نیست
سؤال و همچنین اگر قیمت ملک زیاده شود جواب اگر ملک را برای تجارت خریده باشد بلی و الا نه
سؤال اگر شخصی ملکی را باجاره بدهد و ده سال یا سه سال بگذرد یا نوکری کند و آن نقد را جمع کند تا مقرر شده
یا برسد و ده سال بگذرد و در هر دو صورت اگر مبلغ خرج [illegible] و وصول شده
پیش از [illegible] آیا درین صورت بعد از گرفتن خمس مجموع آنرا باید داد یا هیچ نباید داد جواب
اگر کلی فرض بهم نرسیده احوط آنست که خمس مجموع را بدهد و الله یعلم سؤال چیزی که خمس آنرا داده
گران شد خمس آن واجب است یا نه و اگر آنرا در آن وقت بفروشند و بازار زیاد شود خمس میشود
یا نه جواب بعد از نقد کردن خمس دادنش لازم میشود مبحث دوم در شروط خمس سؤال
آنچه از ارباح تجارات و زراعات و صناعات بهم رسد اولا به تخمین خمس فاضل مؤنت سال را از آن
باید داد یا بعد از انقضای سال از هر چه معلوم شود که زیاد آمده جواب پیش از انقضای سال دادن
نیست ظاهرا توان داد سؤال قرار ابتدای سال که هر چه زیاده آید از اخراجات آن سال معلوم شود
باین کیست که هرگاه که خواهد قرار میدهد یا قاعده کلیه دارد جواب اولش آنوقتی است که شروع به کسب
یا تجارت یا زراعت کرده است سؤال آیا در هر فرد چیزی که از خرج روز بروز زیاده آید گذشتن شرط

بیان شروط خمس

سال هر

است در وجوب خمس مثل اینکه مثلا اگر ابتدای سال فایدهٔ خود را عید ماه رمضان قرار دهد و در آن
روز فایدهٔ کلی برای او حاصل شود اگر در عرض این سال اگرچه همه روز آخر ماه رمضان باشد آنرا صرف
کند خمس ندارد و اگر روز بیست و نهم یا سی ام ماه رمضان المبارک فایده کلی بدست افتد و آنرا خرج نکند
و با روز عید باید حساب است که از خرج سال زیاده آمده و خمس واجب است کدام یک از این دو شق مراد است
جواب از روز عید تا عید دیگر هرچه منافع بهم رسیده و آنچه خرج متعارف حال او شده همه را که یکدیگر
برمیدارند و آنچه زیاده مانده خمس آنرا میدهند سؤال اگر امسال صد تومان قرض کردم و خرج شد
که هیچ از آن باقی نماند و در سال آینده آنقدر چیز بهم رسید که مدار گذشت و قدری هم زیاد آمد آیا خمس
آنچه زیاد آمده باید داد و بعد از آن قرض را پس داد یا اول قرض سال گذشته را باید پس داد
و بعد از آن اگر چیزی زیاد باشد خمس آنرا باید داد جواب ربحی که در هر سال بهم رسیده قرض آن سال را
از آن ربح میتوان داد و قرض سال دیگر را دادن اشکال دارد سؤال کسی مثلا ده تومان داشت
خمس آنرا داد در اثنای سال دیگر که تجارت میکند جمیع اخراجات سال را و باید از فایده باشد یا بعضی از
فایده باشد و بعضی از اصل و هر قدری که مداخل دیگر داشته باشد چه حکم دارد جواب اخراجات از تمامی بدن
است و چنانچه مداخل دیگر نیز داشته باشد اخراجات را توزیع بر ربح تجارت و آن مداخل بالنسبه میکند
سؤال قول شهید ثانی که و یعتبر فی وجوب الخمس فی الارباح اخراج مؤنته و مؤنة عیاله
الواجبی النفقه و غیرهم حتی الضیف معتمدا فیها ای متوسطا بحسب اللائق بحاله
فان اسرف حسب علیه ما زاد و ان قتر حسب له ما نقص علی الجمیع ان معتبر است
یا نه جواب موافق فتوی است سؤال هرگاه شخصی زمین میکند جهة جستن آهن و نمک و غیر آن آیا اخراجات
سال و اخراجات معدن هر دو را بیرون باید کرد و بعد از آن خمس داد یا همان اخراجات معدن را
و بس جواب اخراجات معدن بیرون میرود و بس سؤال هرگاه کسی مثلا نذر کند که هرچه از ربح تجارت
بهم رسد در وجوه بر مثل پل و مدرسه صرف کند لابد از تعلق سایر شرایط وجوب اول خمس اخراج
و بعد از خمس باید صرف شود یا آنکه تمام آن ربح را باید در مصرف نذر صرف نماید جواب

بیان مصارف خمس

اول باید خمس را اخراج و باقی را صرف مصارف نذر کرد مبحث سیم در مصارف خمس
سؤال هرگاه شخصی غریبی آمده گوید که من سیدم بدون ثبوت خمس میتوان داد و بر فرضی که مشهور باشد
یا مهر داشته باشد گویند میتوان داد بدون علم و ضبط مسئله این است جواب خمس دادن بدون ضبط مسئله یا
شهادت عدلین بر دشمنی که علم شرعی بآن بهم رسد مشکل است سؤال خمسی که واجب است دادن خواه
حصه امام ع و خواه حصه غیر امام صاحب مال خود میتواند که آنرا بسادات برساند یا واجب است که بشخصی
دهد که اهلیت فتوی داشته باشد تا برساند جواب احوط آنست که بتجویز فقیه بدهد خصوصا حصه امام را
سؤال خمس حصه امام ع یا غیر حصه امام را مالک خود با تجویز بعضی علما که مرتبه اجتهاد را نداشته باشند
بسادات مستحقین میتوانند داد یا البته باید بتجویز عالم باخبار اهل بیت علیهم السلام بدهد و خمس را بسادات مستحقین
و یتامی و ابن السبیل سادات تقسیم باید کرد یا هر قدر خمس کسی داشته باشد بیک صنف بلکه بیک شخص میتواند
داد و استحقاق در سید البته شرط است یا نه و اگر اصلا چیزی ندارد یا قدری دارد بقدر نفقه قوت سنهٔ آن
شخص یا زیاده از آن میتوان داد یا نه جواب حصه امام ع البته بتجویز فقیه باید داد و احوط است که غیر
حصه امام را نیز بتجویز فقیه بدهند و فقیه در تقسیم آنچه مصلحت داند بعمل میآورد و استحقاق شرط است
و زیاده بر قوت سنه نمیتوان داد سؤال هرگاه در حصه امام احتیاط باید کرد که بتجویز فقیه جامع الشرایط
داده شود گاه باشد که طالب علمان که در آن رتبه نباشند تکلیف نکنند بدادن خمس سادات عسرت
تمام بکشند و اکثر مردم هم ادای خمس نکنند آیا تجویز میکنید که بنیابت شما تکلیف دادن خمس از برای
مردمان بکنیم یا بگیریم و باشان برسانیم یا نه جواب عموما این تجویز نمودن مشکل است و اگر در
جایی دست فقیه نرسد و حصه خمس بتجویز محدث صالح متدینی بدهد شاید بد نباشد سؤال در یتامی
سادات نیز استحقاق شرط است یا نه جواب احوط آنست که رعایت استحقاق بشود سؤال سهم امام ع
از خمس چه باید کرد جواب بخدمت مجتهد جامع الشرایط برسد یا باذن او بشخصی که داند مستحق
است بدهند سؤال حصه امام ع را در این زمان بکه باید داد جواب بهتر آنست که بمجتهد عادل
بدهند تا او بر وجه تتمه بسادات بدهد سؤال هرگاه در ولایتی مجتهدی نباشد و سادات مستحق باشند

و اگر نتوانند

حصه ایشان کفاف نکند حصه امام علیه السلام را چه کنند جواب جوا آنست که اگر توانند از مجتهد عموما
یا خصوصا بجویز حال کنند شاید بقدر ضرورت بایشان توان داد سؤال هرگاه سادات احتیاج
داشته باشند و حصه ایشان کفایت ایشان نکند جایز است نگاه داشتن حصه امام یا نه جواب بتجویز
فقیه بایشان دادن اولی است سؤال سیدی را با عدم کفایت خمس ایشان اگر امام بر سبیل تتمه قلیلا که بان
سد احتیاج کرده میتوان داد جواب بقدر قوت سالیانه میتوان داد و الله یعلم بحقیقة سؤال
هرگاه کسی مثلا صد تومان بعنوان قرض بشخصی داده که سید است و بعد از ان آن شخص فقیر شده
یا مرده از و چیزی نمانده یا چیزی مانده و ورثه آن قرض را پس نمیدهند یا زنده است و دارد
نخواهد آنرا دهند چه آیا در هر یک از صور مذکوره میتواند آنرا بخمس حساب کند هر چند سادات فقیر
باشند که هر روز یا سه روز چیزی بدست ایشان نیفتد و بسیار شده که میته بر ایشان حلال باشد یا نه
جواب خمس را بدون مصلحت فقیه دادن مشکل است و اگر فقیه مصلحت در محاسبه داند شاید تواند تفریع
سؤال جماعتی از سادات که نهایت احتیاج دارند اگر کسی بعنوان قرض چیزی بایشان بدهد بعد از ان خود برای ایشان
از خمس چیزی بگیرد و بایشان تسلیم نکند بلکه بعوض طلب خود آنرا متصرف شود و بایشان نگوید چونست و ایضا اگر
در بلدی چنین قرض بدهد و در بلد دیگر از وجه مذکور بقدر قرض خود بگیرد و در ان بلد سادات مستحق حاضر
نباشند تا نقل وجه خمس دغدغه داشته باشد و با ماخذ بیاید که بتجویز فقیه شده چه صورت دارد جواب
باید او را مطلع کند یا اول که قرض میدهد اذن از او بگیرد که اگر از وجه خمس بهم رسد بخواهد طلب خود
بردارم و معامله خمس چیزی باید بتو عالم یا اخبار اهل بیت کرد قابلیت ترجیح مثلا داشته باشد یا نشود هر چه مصلحت
او قرار خواهد گرفت بعمل خواهد آورد سؤال هرگاه زنی باشد که بقدر پنج یا شش تومان ملک داشته
باشد و اطفال سیده داشته باشد میتواند از برای ایشان خمس بگیرد یا واجب است که از ان ملک خود بعرض رسد
و صرف ایشان کند هر چند خود نهایت احتیاج داشته باشد جواب برای ایشان ظاهر است که خمس توانند گرفت و الله یعلم

بیان بعضی از امور متعلقه بزکوة

فصل سیم در ذکر بعضی از امور متعلقه بزکوة و خمس سؤال مستحق خمس و زکوة و فطره چه
اوصاف باید باشد در صلاح دل چیزی و کسی که از سر تجارت یا زراعت باشد یا مشغول باشد بتحصیل علم

عینی

عینی یا کفایی و عیال کردن از وجه مستحقین میتواند گرفت یا نه جواب کسی که مجاهد بوده بیاید
دوست نه بالفعل بدوشته یا کسبی داشته که وفا باخراجات او کند چنانچه کسبش وفا نکند تتمه را میتواند
گرفت و کسی که بتحصیل علم ضروری عینی و کفایی مشغول شدن بعبادات از تحصیل معیشت باز ماند میتواند
گرفت اخراجات ضروری خود را از مال مستحقین سؤال کسی که قوت سال از حاصل ملکش یا کسبش بهم نرسد
اما ملکی یا سرمایه دارد که بقدر قوت سالش میشود از وجه زکوة و خمس میتوان داد و در این صورت
فرقی میان خمس و زکوة هست یا نه جواب بچنین جماعت زکوة و خمس و فطره دادن مشکل است سؤال
مردی که از جمله مستحقین و مشغول ذمه بمهر داشته باشد هرگاه از وجوه استحقاق زیاده از خرج سال بدستش
افتد بگیرد و بمهر زن بدهد که از دین او خلاص شود جایز است یا آنکه باید رعایت حال فقراء نماید
و زیاده بر خرج سال نگیرد و کدام بهتر است جواب اگر قصدش ابراء ذمه خود باشد میتواند گرفت و الله یعلم محمد مهدی
سؤال هرگاه کسی از جمله طلبه علوم دائر برای تعلیم و تعلم محتاج بکتب باشد آیا میتواند از هر یک
از علوم کتب متعدده داشته باشد و مع هذا از وجوه مستحقان چیزی بگیرد یا آنکه باید کتب را فروخته صرف
معیشت خود نماید هرگاه ضرور شود بعنوان عاریه بگیرد و آیا اگر بعضی از کتب که ضرور داشته باشد
بزن یا فرزند خود تملیک نماید یا خود مالک آنها نباشد و از وجوه مستحقان تواند گرفت یا دغدغه
میشود یا نه جواب آنچه در تحصیل مسائل ضروریه و فروع اخبار و آثار ائمه طاهرین علیهم السلام ادبا
ضرور باشد ظاهر استثنا باشد مگر آنکه بعاریه آسانی برای او میسر شود و اگر تملیک بزن و فرزند
بکند ظاهرا بد نباشد اگرچه بغیر ضرورت شرعیه قبول این اموال نکردن بهتر است و الله یعلم سؤال
شخصی که از وجوه استحقاق میگیرد خرج او باید چه نحو باشد مثلا اگر موافق زی اقوام باید بود و
زی اقوام مختلف باشد بعضی در ده و دهی وضع و بعضی در شهر و صاحب وضع باشند موافق کدام
یک باید بود و مثلا در ماکولات اگر وسط و غیر آن باید رعایت کرد اینها چیزی نیست که کسی
حقوق آنها را کما ینبغی بداند چرا که احوال مردم اختلاف بسیار دارد و این گونه اشتباه تمام دارد
مثلا در وقتی میتوان قناعت کرد و بنان و خربزه تنها اکتفا نمود و میتوان انگور و پنیر و هندوانه

وسایر میوه‌های دیگر گرفت و همچنین هرگز گوشت میتوان گرفت و طبخ کرد و در هفته یک دو مرتبه گاهی
ریاضت بکشد اکتفا میتوان کرد و گاه باشد که درین صورت اخیر ادست این کس کفایت کننده
ابر دیگران دشوار باشد امید میشود که ضابطه درستی بیان فرمایند که رفع شبهه و دغدغه شود **جواب**
در این امور ضابطه قرار دادن مشکل است و عمل بعرف و عادت امثال او در آن بلد خوبست والله یعلم
سؤال کسی که از جمله ارباب استحقاق باشد بنحوی که در کتب فقهی در باب انفاق واجب النفقه مقرر است
گاه باشد زیاده از آن بگیرند مثلا هر عید و نوروز رخت تازه میخواهند و اکثر آنست که صرف
ننموده ذخیره میکنند بیان فرمایند که چه صورت دارد دیگر نباید داد تا کهنه کنند تا آنکه هر عید و نوروز
میتوان داد **جواب** باز عرف و عادت اعتبار ... برمیگردد **سؤال** هرگاه در دهی یا شهری خمس یا زکوة
باشد و در آن ده مستحق آن نباشد آیا باید اول مرتبه احتیاجات سال مستحقان آن ده را داد و
زیادتی را بدهی که تا آنجا چهار فرسخ یا سه فرسخ یا دو فرسخ است بدهد و اگر زیاد نباید آنها را هیچ
نداده هرچند که ایشان در نهایت اضطرار باشند یا آنکه میانه این ده و ده دورتر بالسویه قسمت باید کرد
جواب ظاهرا میتوان بمحل دیگر داد اما بهتر آنست که تا در آن محل مستحق باشد بمحل دیگر نفرستند
خصوصا در زکوة و اگر با وجود مستحق بفرستند و پیش از رسیدن بمستحق تلف شود عوض آنرا باید بدهد
سؤال کسی که زکوة و فطره و غیر آن برا او واجب شود یا خمس برا او واجب شود و خویشان او در
شهر یا دهی دیگر بند و در مکانی که او میباشد از همسایه و غیر همسایه کسانی هستند که مستحقند آیا جایز
خویشان بفرستند یا در همان مکان که هست آنرا بمستحقان برساند **جواب** هر دو جایز است و شاید
بخویشان دادن بهتر باشد **سؤال** خمس و زکوة را در بلد سکنی مستحق باید رسانید یا در بلد مال
جواب زکوة را در بلد مال دادن اولی است و خمس را شاید منوط برای فقیه باشد **سؤال** اگر شخصی که
مستحق خمس و زکوة است در بلدی باشد و در بلد دیگر مال خمس و زکوة باشد آیا جایز است شخصی از اهل همان
بلد مال را وکیل کند که خمس و زکوة بگیرد و بفرستد یا نه **جواب** ظاهرا بد نباشد و اگر مستحق در آن بلد مال
بهم رسد اگر بایشان بدهند بهتر است **سؤال** و اگر از شخصی قرض کند و حواله کند بر مردم مال دار که زکوة

وخمس بر ذمه ایشان هست تا از زکوة و خمس قرض او را بدهند بی دغدغه از صورت سابق است یا نه
جواب ظاهرا چندان تفاوتی ندارد **سؤال** شخصی مشغول الذمه بمقدار تومان خمس است مثلا و الحال
زری ندارد که بدهد اگر جمعی از سادات شخصی را وکیل کنند که بنیابت ما از شخص قرض کن و بآن
شخص مشغول الذمه بخمس بقرض بده تا او آن زر را بعنوان خمس بدهد و تو بنیابت ما قبول کن
و بعد از آن مبلغ را بشخصی که از او وجه را قرض کرده بعوض بدهند تا آن مرد مشغول الذمه بخمس قرض دار
ما باشد و هرگاه زری بهم رسد بقرض ما بدیگری نتواند داد آیا این بی دغدغه هست یا نه **جواب**
خمس را زیاده از قدر خرج سالیانه سادات دادن مشکل است و اگر در این معامله حیله بکنند
و زیاده از خرج سنه نباشد شاید بد نباشد **سؤال** در صورت مذکوره اگر بجای خمس زکوة باشد
یا بجای وکالت معتبره وکالت فضولی باشد اگر همه وکالت صغیری باشد درست باشد یا نه **جواب**
بدون وکالت صورتی ندارد و وکالت صغیر هم صورت ندارد **تذنیب** **سؤال** کسی که چیزی
بکسی بکند و معلوم که مستحق باشد و قرینه قاطعه نباشد که آن شیئ از وجه وجوه استحقاق است آیا
واجب است که سؤال کند که از چه وجه است یا نه **جواب** اگر ظن غالب بهم رسیده باشد و از قرائن ظاهر
نباشد که از وجه زکوة است سؤال کردن در کار نیست **سؤال** کسی که چیزی را بخمس و زکوة میدهد هر
اگر آنرا زیاده از ده یا ده بیست پیشتر حساب کند خواه صیغه بخواند که این را بفلان قدر قبول کردی
یا صیغه نخوانند جایز است یا نه **جواب** جایز نیست و نقصت واقع است بمستحق خصوصا خمس والله یعلم

کتاب حج **مسئله** واجب است حج بر کسی که جمیع املاک و اجناس و نقد بغیر از خانه
و فرش ضروری او و ظروف بقدر ضرورت و اجناس و غلام و کنیز ضروری حال او از جماعتی باشد
که بدون خدمتکاری میسر نمیشد باشد او را آنقدر باشد که زاد و راحله رفتن و آمدن او و نفقه عیال او
زاد و راحله آن شخص است بقدری که قدرت بر رفتن و مراجعت داشته باشد چنانچه مثلا شخصی
باشد که خود خدمت و کارها را میکرده باشد و احتیاج نداشته باشد بخدمتکار یا شخصی باشد
که سواری ممکنش نباشد بسبب ضعف یا آزار یا پیری و احتیاج بکجاوه و خدمتکار داشته باشد هر

باب حج و ... زاد و راحله [illegible]

که استطاعت آن بر دو شی است که ممکنش باشد رفتن و زری که متعارف است چنانچه بعضی میگویند
که اگر با چند نفر جد مکار نتوجه شده خلاف زین یا ... ضروری ندارد و در استطاعت معتبر نیست
بلکه اگر چنانچه ممکن باشد که کسی بی الاغ سوار شود و حج کند بر او واجب است و موقوف باستطاعت زری
آن شخص نیست و دیگر اخراجات ضروری و واجب النفقه‌های خود را در برگشتن و در احوال یا هنگام مراجعت داشته باشد
و استطاعت در بعضی زیارات که مذکور شد شرط میدانند که آنقدر داشته باشد که بعد از مراجعت
تجارت یا شغلی دیگر تواند کرد که بر وجه معیشت ایشان شود و ظاهر آنست که شرط وجوب حج نیست
سؤال کسی که استطاعت حج اندازه بیابان نداشته باشد اما استطاعت راه دریا داشته باشد چنانچه
مشهور است که ده و دوازده تومان او ساط تومانها را بیشتر خرج نمیشود آیا حج واجب است یا نه **جواب**
اگر در راه دریا خوف غالب نباشد و فی الجمله مضبوط باشد اخراجات جمیع شخص و مظنون او باشد
که مال و بعد از آن ذوقه سال عیالات وفا با اخراجات او میکند واجب است **سؤال** کسی که صاحب عیال
باشد هرگاه خاطر از وجه معیشت ایشان جمع داشته باشد یک سال یا زیاده در غیر بلد خود مثلا در مشاهد
مشرفه یا از برای تحصیل علم باید چون است **جواب** ظاهرا خوب است **سؤال** زنان را از راه بیرون بردن
کجاوه بجا روا سوار کردن و بزیارت ائمه علیهم السلام بردن چون نامحرم کلام و حرف ایشان را بشنود و ایشان را
شاید ببینند چنین زیارت رفتن است یا نه **جواب** ظاهرا خوب است اگر خوف هتک عرض و بدنامی نباشد
سؤال هرگاه کسی مشک همراه داشته باشد و آن احرامی او بو بر داشته باشد خوب است **جواب** خوب نیست
حتی اینکه احتیاط آنست که در وقت احرام رختهای خود را هوا بدهد که اگر بوی خوش بو داشته باشد زایل شود
سؤال کراهت تنوق در سفره مخصوص زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است یا عام است **جواب** مخصوص زیارت
است **سؤال** اگر کسی جمعی که بزیارت میروند هم سفره شد و ایشان تنوق در سفره کنند و او اگر نکند
شرمندگی میکشد آیا در این صورت نیز مکروه است یا نه **جواب** در ایام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
اگر رعایت کند بهتر است و در راه ظاهرا در کار نیست خصوصا در چنین صورت والله اعلم **سؤال**
اگر کسی جمعی تنوق در توشه نکنند و دیگری بعنوان هدیه و غیر آن با او احسان کند چیزهای خوب خوردن

تنوق در سفره چیزهای خوب داشتن پاکیزه خوب حاضر ساختن

آن

آن مکروه است یا نه **جواب** اگر باعث بخشش آن مؤمن شود شاید خوردن بد نباشد والله اعلم **سؤال** چهار زا
نو یا یک پا در پیش گذاشتن و دیگری پا آویزان کردن در وقت سواری چه حکم دارد **جواب**
اگر ضرر بحیوان نرسد باکی نیست **سؤال** قربانی که در غیر منی بعمل می آورند اگر جابه کشیده یا جابه گوسفند
باشد خوب است یا نه **جواب** بهتر آنست که جابه کشیده نباشد مگر با ضرورت که غیر آن بهم نرسد که به دیده مکروه
است و مجزیست

کتاب جهاد و در آن سه فصل است

فصل اول در بیان آنکه جهاد بر که واجب است **سؤال** در زمان غیبت مقاتله و جهاد کردن در چند صورت جایز است
و در چند صورت واجب است **جواب** هرگاه شخصی بقصد حیات شخصی کند جهاد کردن واجب است خواه ظن
غلبه باشد و خواه ظن غلبه نباشد و اگر قصد مال کند یا قصد حیات عیال و برادر مؤمن کند یا مال او اگر
ظن غلبه داشته باشد بجهت حفاظت مؤمن جهاد واجب است و از جهت حفاظت مال خود یا مال مؤمن جهاد جایز است
و در صورت وجوب جهاد اگر کشته شود شهید است و اگر بکشد خون مقتول هدر است و اگر کسی قصد زن
یا دختر یا خواهر کسی بکند جهاد واجب است یا قتل علیه **فصل دوم** در بیان سیم در احکام
اهل ذمه و در کمیت جزیه **سؤال** قدر جزیه اهل کتاب را بیان فرمایند **جواب** مشهور میان
علما آنست که جزیه اهل کتاب مقدار معین ندارد و آنچه امام علیه السلام یا حاکم مسلمانان مصلحت میدانند مقرر میکردند
و لازم نیست مساوی باشد یا حال هر شخصی آنچه صلاح دانند مقرر مینمایند چنانچه در حدیث صحیح منقول است
که از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که آیا جزیه قدر معینی دارد فرمود که خیار با امام است از هر کس بحکم آنچه
بقدر طاقت آن شخص میگیرد زیرا که جزیه قدریست که ایشان برای خود میدهند که ایشان را نکشند و بنده
نگیرند و جزیه را ایشان بقدر طاقت ایشان میگیرند تا مسلمان شوند چنانکه حق تعالی فرموده که قتال کنید
با اهل کتاب تا جزیه را از دست بدهند بخواری و از آخر این روایت معلوم میشود چنانچه بعضی از علما گفته اند
که باید ایشان مقدار رسانند تا تشویش خاطر و ذلت ایشان بیشتر باشد و تا به اسلام ایشان
کشیده و بعضی از علمای ایشان گفته اند که از نوکران ایشان چهل و هشت درهم میگیرند که بحسب این زمان
نوکر بیست و هشت دینار میشود و از میانه حالان ایشان بیست و چهار درهم و از فقرای ایشان دوازده

بیان اینکه جهاد بر کی واجب است

بیان احکام اهل ذمه و کمیت جزیه

در هم چنانکه مشهور است که حضرت امیر بر این جنین مغز فرمود قول اول اقوی است و بعضی
گفته اند که از یک اشرفی کمتر نمیگیرند و زیاده آنچه مصلحت باشد میگیرند و خلافی نیست میان علما که
هر کودک نابالغ و زنان و هر دیوانه که همیشه دیوانه باشد جزیه نیست و گاه دیوانه و گاه عاقل باشد
خلاف و در فقیر خلاف است اشهر میان علما آنست که برا و جزیه قرار میکنند و هر وقت که قادر شود بر دادن
از و میگیرند و بعضی گفته اند که از و ساقط است و جمعی گفته اند که از اقای او میگیرند چنانچه روایتی بران
دلالت است و احتیاج در مو بسیار روزمین گیر و کور خلاف و اکثر علما بر آنند لازم میدانند
و بعضی ساقط میدانند و بعضی گفته اند که اگر از اینها جنگ باید بر جنگ میآید میگیرند و الا ساقط است
در روایت معتبر دلالت است که از مو بسیار پیر و زمین گیر که قادر بر حرکت نباشند نمیگیرند والله اعلم بحقایق الاحکام

کتاب امر بمعروف و نهی از منکر و دران دو فصل است فصل اول در انواع

گناهان و دران چهار بحث است **مبحث اول** در احکام غنا و ساز و امثال آن **سؤال** آوازی
که طرب آورنده باشد لا از رجیع و تحریر بوده باشد غنا هست و حرام است یا نه و در قران خواندن چه حکم دارد
و بی رجیع و تحریر که بصدای خواند غنا هست **جواب** غنا عبارت از رجیع صوت مطرب است پس طرب
تنها حرام نیست بلکه صوت حسن است خصوصا در قران خواندن مستحب است و رجیع و احتمال دارد که بی رجیع
که از شان طرب باشد و باعتبار بعد بلا اهل کوطرب نداشته باشد و هم رجیع که طرب هم داشته باشد و
احتیاط اجتناب از او است **سؤال** اسباب ملاهی از رباب و دهل و سرنا و کرنا و سنج و نقاره و دف
و سایر ملاهی و نی و غیر اینها هر چیز که اسباب ملاهی باشد و نقش خاص از آن نباشد حکم به حرمت آن میتوان کرد
یا نه و اگر کسی راه او بر آن طرف باشد و راه دیگری هم سوای آن باشد که این سازها نباشد ملعون گفت
که واجب است از آن راه دیگر برود که آنها نباشد **جواب** هر چه داخل ملاهی است که عرفا ساز
گویند حرام است و اگر استماع نکند و محظوظ نباشد شاید بغیر طریق ضرورت نباشد **سؤال** اگر کسی در خانه
خود باشد و صدای ساز و دایره و دهل و سایر سازهای حرام با آواز غنا یا آواز زن نا آن خانه
میرسیده باشد جایز است شنیدن آن یا واجب است که گوش خود را بگیرد و بیرون رود **جواب** ظاهر اگر

گوش بندد و متوجه امور دیگر شود قصور نداشته باشد **سؤال** شنودن آواز جرس و غیر جرس اگر در
قافله باشد جایز است یا نه **جواب** در جرس باکی نیست و اگر غنا میکنند گوش نه نهد و اگر حدی
شتر را تجویز کرده اند و احوط گوش ندادن است **سؤال** سوار شدن بر حیوانی که برا و چیزی است آواز
دارد جایز است یا نه **جواب** قصور ندارد **سؤال** هرگاه نوکر خانه این کس نعزیت باشد و زنان
گاهی نوحه میکنند و گاهی فریاد میکنند شنودن آواز ایشان جایز است یا نه **جواب** اگر گوش ندهد
قصور ندارد و حرمت استماع آواز زن بدون خوف ریبه ثابت نیست **سؤال** دف زدن در
عروسی جایز است یا نه **جواب** از برای زنان تجویز کرده اند هرگاه مرد داخل نشود **مبحث**
دوم در احکام غیبت **سؤال** جواز غیبت فاسق در جمیع امور ثابت است یا در همان امری
که همه کس میدانند **جواب** در غیر آن امر احوط ترک است **سؤال** غیبت کردن فاسق در امر پنهانی
با بعض ایشان از آن امر خبر دارند جایز است یا نه **جواب** اگر متظاهر است بفسق و اخفا نمیکند
در غیبت که قصور نداشته باشد و اگر اخفا میکند جایز است و احوط ترک است مگر آنکه نهی از منکر بدون
آن نشود **سؤال** هرگاه شخصی شخص دیگر را دشنام دهد یا او را بزند یا خوش طبعی نموده کند با
دیگر آزار یا دو رسانیده و آن شخص را که این کار بد کرده بد می آید از اینکه کسی اینها را نقل کند بلکه شاید
خوشحال نیز شود و آن شخص را نسبت با اینها تعلق آمده او را بد می آید که کسی مطلع شود آیا این نقل
حرام است بنا بر عدم رضای مظلوم یا نه **جواب** چون متضمن هتک حرمت مظلوم است آن خوب نیست
سؤال نسبت بمردم دهی یا ولایتی حرفی گفتن که اگر یک جا حاضر گویی بدش آید غیبت است یا نه **جواب**
اگر آن شخص بدش بیاید غیبت خواهد بود **سؤال** اگر شخصی کسی را اگر تو و هر کس در پیش تو غیبت من کند
من حلال کردم و گوید که اگر کسی پیش تو غیبت من کند من ترا حلال کردم که آن غیبت را بشنوی آیا غیبت
کردن او و شنیدن غیبت او حلال میشود یا نه **جواب** حلال نمیشود شاید بد نیز باشد **مبحث سیم**
در ذکر بعضی اقسام دیگر از گناهان **سؤال** معنی اصرار بر کبیره چه چیز است **جواب** آنست که گناه کند و
پشیمان نباشد و اراده بار دیگر کردن داشته باشد و بعضی گفته اند که مکرر کند و در میان توبه نکند

باب امر بمعروف و نهی از منکر و بیان انواع گناهان

[illegible]

بدون طرب

بیان احکام غیبت

بیان بعضی دیگر از گناهان

سوال میگویند که اصرار بر صغیره باعث خروج از عدالت و دخول در فسق میشود آیا اصرار بر
کبایر باعث خروج از چه چیز است و دخول در چه چیز است جواب بعضی میگویند که باعث کفر میشود
موافق بعضی احادیث و ظاهر آنست که این کفر نه آن معنی است که همیشه در جهنم باشد یا نجس باشد یا میراث
نبرد یا با او وصلت نتوان کرد بلکه مراد آن است که مرتبه اهل ایمان از و بر طرف میشود و در دنیا مستحق
اهانت و در آخرت مستحق عذاب میشود سوال اگر گناهی کند و استغفار و توبه نیز کند اما در دل دارد
که اگر اتفاق افتد آن گناه را بکند آیا کسی چنین مصر است یا نه جواب با عزم بر ترک نکند توبه
بعمل نمی آید و از اصرار بیرون نمیرود سؤال کسی گاهی امر بمعروف و نهی از منکر میکند و گاهی نمیکند از راه بی
اعتباری اما گاهی که نمیکند دلگیر است که چرا نکردم و وقتی که رجوع بوجدان میکند از خود نمی یابد که البته
امر بمعروف و نهی از منکر در جمیع مواضع خواهد کرد بلکه ظن غالب دارد که ترک خواهد کرد در بعضی جاها
بلکه در بعضی مواضع یعنی در مجلسی که میرود آن اشیا [illegible] در دنیا جزم دارد که ترک خواهد
کرد با وجود عدم ضرر آیا چنین کسی مصر بر کبیره هست یا نه جواب اگر شرایط متحقق باشد از تجویز تاثیر
و عدم ضرر و علم بمنکر بودن آن منکر و برای محض مصلحت دنیا ترک کند مصر باشد و آن هم بزرگ
یا کسی در ان مجلس است غیبت جراتی کند یا نامشروعی دیگر کند و او تواند که هر کدام از ان دو تا را
منع کند از غیبت و نامشروع یا برخیزد از ان مجلس و ترس ضرری از برخواستن و منع کردن نداشته
باشد آیا اگر آن کس نشیند و هیچ نگوید از ترس اینکه ایشان خواهند گفت در دل خود یا ظاهرا
که این چه سالوسی است یا این هم چه کارها را متعارف میکند و برادر نیز شاق باشد کردن یکی از دو کار
مذکور بجهت بی اعتباری را چنین کسی فاسق و مرتکب الشبهه هست یا بر این حالت باشد یا نه جواب
مشهور آنست که فاسق است سوال گفتن یک کسی بنده تو ام خواه تنها باشد یا عالم یا صالح باشد یا
از اهل دنیا باشد مجوز است یا نه هر چند منظور تواضع باشد نه سالوسی جواب نسبت بکسی که جهت دنیا
منظور نباشد و معنی صحیح قصد کند حکم بیدینی نمیتوان کرد و الله یعلم سوال نقل انگشتر انگشتی یا کشتی
و امثال آن از برای اینکه چیزی بخاطر او آید یا در شماره غلط نکند جایز است یا نه جواب جایز است

ظاهرا کبیره باشد
سوال هرگاه کسی در مجلسی [illegible] نشسته باشد [illegible]

وانکه

وانکه واقع شده که نباید بر غیر خدا اعتماد کرد مرتبه معرفت است سوال بعضی مقیم میگویند که قربان نام خدا
شوم و بعضی میگویند قربان خدا شوم اول حرام است و ثانی باعث کفر است یا نه جواب اینها ظاهرا
قصوری ندارند و ترک ثانی احوط است سوال امثال این لفظها که میگویند شخص بد کمری که بسفر میرفت
که دفنی کرد بر گردن جهنم بیار که میخواهم بکشم که بهانه نوابست و مثل اینکه خبر عزیز بنده داده اند که [illegible]
جهت اینکه حلال کشته معلوم باشد و در آخر گفته شد که چنان کشته مهم رجوع نشود که عند الله رخنه
الرسول ضایع نخواهد شد و مثل اینکه شخصی گفته بود که خوب خبر دارم که علی نگهدار ریش ها و مثل نقل
اینکه شخصی را حاکم معلی کرده بودند در غیبت آن محل بسیار میمرده نیز و در فوت نماز جمعه گفته بود که خدایا
مرا بغیر تو امید نیست شر مریان و امثال این لفظها را اگر دن یا از دیگری شنودن جایز است یا نه
جواب احوط ترک است در هر صورت بعضی آنها نمیتوان کرد اگر غرض گوینده استخفاف دین نباشد سوال
بازیها که متعارف است مثل بازی یا شاه و وزیر حرام است یا نه جواب احوط ترک است سؤال
حدیث لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلسا یعصی الله فیه ولا یقدر علی تغییره شامل این است هر گاه در خانه
مجلس کسی هست که حریر یا مخمل پوشیده یا در مجلسی که فرش غصبی است یا آن شخص بر روی آن نشسته یا غلام
یا زنی هست که آقا و شوهر راضی نیستند که ایشان اینجا بنشینند یا این کس یا دیگری در خانه
و در خانه زنی هست که محرم این کس است و محرم رفیق این کس نیست و آن زن گفتگو میکند و آن حرف نامحرم
می شنود یا شخصی هست که شخص از و قرض میطلبد و او دارد و همراه خود ندارد یا در خانه خود دارد و نمیدهد
که بدهد یا آن شخص یا شخصی هست در ان مجلس که مستطیع است حج در گردن او مستقر شده یا زکوة و خمس
در گردنش هست یا شخصی هست که روزه ماه رمضان در گردن او هست و وقت تنگ شده و روزه نمیدارد
یا دیگر امثال اینها هیچ کدام از [illegible] بعمل می آورند و غیر اینها از امثال آنها جواب هر معصیت
که در مجلس الحال بعمل آید و جزم داند که معصیت است در آنجا نباید نشست و خصوصا آنکه نوشته شده معصیت
بعضی مشخص نیست و بعضی خصوصیات آن مجلس ندارد سوال خوش طبعی که مشتمل است بر دروغ
حالانکه مدار معموم روزگار بر آنست جایز است یا نه جواب احوط ترک است و نهی آن مطلق کذب دارد

شده است سؤال متعارف است که اول سند می‌نویسند و می‌باید آن شخص اقرار کند که زر بمن رسیده
تا شهود مهر کنند بعد از آن زر بگیرد این قسم دروغ چه صورت دارد جواب اگر ضرور شود بنا
بر مصلحت چند انقضی ندارد لیکن تا ممکن باشد توریه کند بهتر است سؤال اینکه بعضی مردم حکایات
نحویات میکنند که این زن فحبه صاحب [illegible] میکنند آن آیا آن موجب حد است یا نه جواب بسیار
بد است اما حکم بحد مشکل است و اکثر نحو شان بر میگردد سؤال این جماعت که در فکر این نیستند که مخارج
حروف و آداب نماز را یاد گیرند و در این حال میمیرند و زکوة و خمس و حج در گردن ایشان میماند و لی پروای
در دین بسیار میکنند و بعد از اختلاط با مردم معلوم میشود که اکثر مردم از این قبیلند و نادر مشغول چنین
نباشند آیا با مردم چنین هرگاه خویش باشند یا بیگانه چه نحو معاشرت باید کرد و اجارت که در
باب قضای حاجت و ادخال سرور و ادای حقوق مومنین واقع شده شامل ایشان هست یا نه و احوال این
مردم چنین در آخرت چون میشود جواب ظاهرا حقوق ایشان را رعایت باید کرد لکن حال الفقه و در نصیحت
ایشان و نهی ایشان از مناهی تقصیر نباید کرد سؤال تقیه در امور مذکوره واجب است یا آن حرام است
یا وقتیکه بترک آن خوف ضرر است واجب میشود جواب با خوف ضرر نباشد تقیه در کار نیست سؤال
شبها که کسی مطالعه میکند اگر چراغ را خاموش نکند و بخوابد داخل اسراف است یا نه هر گاه مجاور این باشد
که هر گاه بیدار شود چراغ مهیا باشد و تفاوت میان مشتعل و غیر مشتعل آن هست در دین یا نه جواب اگر برای دشوار
باشد روشن کردن ظاهرا قصوری ندارد والله العالم بحقایق الامور سؤال عجله و حیا ان که زن با علم خود تقسیم
میدهد و احتمال دارد که شوهرش اذن نداده باشد آیا حمل بر صحت کنیم یا احتیاط باید کرد
جواب حمل بر صحیح میتوان کرد اگر ظن به خلاف نباشد احتیاط بد نیست والله یعلم مبحث
چهارم در احکام توبه سؤال معلوم از اینکه فلانی شده است که برای قبول توبه و اجابت دعا
معاصی را باید یاد کند و بشمرد این که بگوید فلان و فلان معصیت کرده ام یا اینکه بگوید فلان و فلان معصیت
را چند مرتبه و فلان را چند مرتبه کرده ام جواب معلوم نیست که ذکر عدد در کار باشد والله یعلم
سؤال هر گاه مرد عزب با زنی محصنه که زنا نموده باشد و توبه نصوح کرده باشد توبه او مقبول است یا نه جواب

بیان احکام نوع

جواب

جواب اگر توبه واقعی بکند و تضرع و استغاثه نماید ظاهرا مقبول میشود سؤال اگر شخصی را
پیش آمد حاجتی باشد و با آن حاجت را در حالت قدرت بر بر آوردن بر نیاورد و بعد تلافی ندارد که تا آدم
تا ایران باری که از [illegible] چنین شخص معذور شود در قبر امان یابد یا نه جواب تلافی شاید با پس رضای
آن شخص شود و توبه والله یعلم فصل دوم در ذکر شرایط امر بمعروف و نهی از منکر
و آداب آن سؤال امر بمعروف و نهی از منکر بچند شرط واجب است جواب اینکه علم و استدلال علمی
بوجوب معروف و تحریم منکر داشته باشد و مسئله خلافی نباشد که آن شخص عامل بدیگری باشد که او واجب میداند
معروف را یا حرام میداند منکر را و مظنه تاثیر داشته باشد و مظنه آن داشته باشد که ضرری باو یا ببعضی
از مسلمانان نمیرسد سؤال منع غیبت واجب است یعنی چه جواب یعنی نگذارد که غیبت واقع شود یا توبیخ
بجابت آن شخص بکند و اگر اینها نشود برخیزد سؤال هر گاه شنونده غیبت علم بفسق مغتاب ندارد آیا
واجب است شنونده تو غیبت چند غیبت کننده ادعای فسق او کند یا نه جواب اگر نداند فسق او را
باید که گوش ندهد یا برخیزد اگر منع نتواند کرد سؤال اگر شخصی را از ناشروعی مثل غیبت و غیر آن
منع کرده اند و او منزجر نشد و ظن این غالب است که سخن این کس را قبول نکند آیا بعد از آن
نهی واجب است یا نه و همچنین در امر بواجبات جواب مشهور آن است که با عدم تجویز تاثیر ساقط
میشود سؤال هر گاه شخصی را از غیبت منع کرده اند و او اگر چه در آن وقت ممنوع میشود اما بعد از آن
نیز غیبت میکند آیا او را همیشه منع کردن واجب است یا نه جواب منع کنند یا برخیزند اگر
خوف ضرر نباشد سؤال شخصی که غیبت میکند آیا بمجرد شروع او در غیبت واجب است که او را
منع کنند از غیبت یا بعد از تمام کردن جواب اگر در شروع معلوم شود که غیبت است از اول منع
باید کرد سؤال کسی که حج و خمس و زکوة در گردن او هست و قدرت هم دارد مساهله میکند و خود هم اقرار
دارد با چنین کسی خندیدن و مهربانی کردن بدون اظهار آزردگی با عدم تقیه جایز است یا نه
جواب قدری از اظهار کراهت نهی از منکر موقوف بر آن باشد و فایده خواهد داشت سؤال تربیت طول
چند چوب است جواب نه چوب و ده چوب هم قول بوده و نهایت آزار آن کمتر باید کرد سؤال اطفال که

بیان شرایط امر بمعروف و نهی از منکر

چهار سال عمر دارد یا زیاده او را بردن تا دیگری ... جایز است یا نه جواب ظاهرا بقدر ضرورت
تأدیب او میتوان کرد و تعدی نباید کرد سؤال هرگاه شخصی این کس را چیزی دهد که فرزند مرا تعلیم کن و آن
فرزند بحد بلوغ رسیده باشد آیا معلم او را میتواند بگوید که چیزی بخواند و مطالعه کند هرچند که واجب عینی باشد برو
تا اگر فعل آن یا نه جواب نمیتواند برای غیر واجب او را تأدیب کرد سؤال معلم را گاه رفع مون خواهان کس متقع
مرشد باشد یا نه جایز است یا نه جواب اگر معلم طفل در آن باب خوب است والا مشکل است سؤال هرگاه
روح شخصی نماز نکند یا علام یا کنیز یا نوکر یا غیر ایشان که ممکن باشد امر ایشان بمعروف و نهی از منکر یا چه واجب است
و مراتب امر و نهی چگونه است جواب بر زن و مملوک نوکر تجویز شده که بسیار زیاد است اما در غیر ایشان
سعی در تعیین مدون نون ثلث سل سؤال اینکه در بعضی اخبار منقول است که افعال مؤمنان را
با ایشان بر محمل خیر داره و تکذیب سمع و بصر کن و تکذیب ثقات نکن اگرا از وی بدی گویند هرگاه او انکار
کند آیا در هر مسلمان و ظاهر الایمان در همه ای معاشرت چنین باید یا بعد از ثبوت ایمان و دین او است جواب
ظاهر است بعد از امانت و تدین و دین او بر محمل خیر قرار باید داد کتاب عقود سؤال آن شاء که
در عقود در کار است چه چیز است جواب معنیش آنست که مقصود بعینه مثلا آن باشد که باین لفظ
را واقع مبارزم نه آنکه خبر میدهم که بعین بیشتر واقع شده است سؤال در معاملات غیر عقد نکاح و طلاق
و امثال آن هرگاه صیغه عربی آن عقد لزوم بهم میرساند یا نه جواب در بیع و شری روایتی واقع
شده که لزوم بهم میرسد و در غیر آن نیز مشهور اینست سؤال هرگاه صیغه را به علوم ... داد یا
که بگوید وقفت هکذا یا وهبت هکذا یا وکلت هکذا یا نه جواب ظاهرا کافی است سؤال کسی که
قادر بر عربی باشد صیغه نذر و غیر آن از عقود را اگر بفارسی بگوید درست است یا نه جواب ظاهرا
درست باشد و در نکاح باید عربی باشد اگر اکتفا بفارسی نکند بهتر است سؤال در خرید و فروخت چنانچه
صیغه فارسی یا عربی لفظ صیغه باین قسم مشهور مثلا آنکه کسی میفروشد میگوید بکسی میخرد بعتک المبیع المعلوم
بهذا المبیع المبلغ المعلوم یا مثلا خرید در جواب خریدار میگوید که اشتریت یا بفارسی
میگوید که فروختم این اسب را با این ملک را بتو بمبلغ بگو تا در جواب بگوید خریدار که خریدم من فلان اسب را یا

فلان

فلان ملک را باین مبلغ خاتمه سؤال شروطی که در ضمن عقد لازم کرده مشروط آیا لزوم بهم میرساند
یا نه جواب مشهور اینست که لازم میشود و خالی از قوتی نیست اگرچه جزم مشکل است والله اعلم کتاب
تجارت و در آن پنج فصل است فصل اول در بیان چیزهایی که تجارت در آن واقع میشود و شروط
آن سؤال حیوانی که ذبح نکرده باشد و مردار شده باشد مثل گاو و گوسفند فروختن آن چه حکم دارد و اگر
نا معقول بهم رسد که باز غسل کرده باشد و بخرد پوست حیوان گاو را جهة پوشش فروختن بکسی شخص
جایز است و قیمتش حلال است یا نه جواب قیمت جلد اجناس حرام است و فروختن بکسی شخص معاند
برائم نیز هست و بحث یعنی مسلمانان دادن که این غذا را استعمال کنند اضافه بر حرمت قیمت گناهی دیگر است
نیز مرتکب شده سؤال پوست میته و روغن نجس و امثال آنرا بمسلمانان با وجود علم یا بکفار فروختن جایز
است یا نه جواب مشهور آنست که پوست میته را مطلقا فروختن جایز نیست و روغن و پیه متنجس را برای سوزانیدن
تجویز کرده اند و اشیاء نجس دیگر که قابل تطهیر باشد و اجزاء میته را بکفار فروختن محل خلاف است و اشهر
احوط عدم جواز است مسئله حاصل را از گندم و جو و غیر اینها درو نکرده و نچیده مثل میوه و آن
خرید و همچنین میوه ها را بر درخت نچیده میتوان خرید حرام که در این وقت مکیل و موزون نیستند و در بیع
می باید مشاهده باشد یا تعیین او را بر روی نمایند که بعد از مشاهده قابلیت نزاع ندارد سؤال
چیزی را که بیع شرط میکنند از قیمت واقع بده و از ده تفاوت یا بیشتر مبایعه مینمایند جایز است یا نه
جواب جایز است سؤال اجرت طواحین را بعضی طواحان دغدغه میکنند از چه راه است و
دیگر در اکثر مواضع که منوی یک سکه مرسوم است گندم و نیم من و ده من جو آورند و آرد ها بیکدیگر قدری
داخل میشود و آرد را برابر میکنند و قدری گندم زیاده بر آرد طحان اجرت آسیا میگیرد داخل ربا است
یا نه و اگر باشد علاج آن چه چیز است جواب از آنها که دغدغه میکنند باید پرسید و اگر آرد گندم
همان شخص را با وزن و زیادی بر ضمان او بحواله عمل بردارد شاید بد نباشد والله اعلم فصل دوم
در احکام خیار در بیع مسئله در حیوانات تا سه روز مشتری اختیار دارد که پس دهد و تو کنند
و بایع خیار ندارد و اگر دو حیوان را معاوضه کنند و یکی نقدی هم بدهد آن مشتری میشود و خیار

بیان جمیع آنچه داخل در مبیع است
بیان عقود و صیغ آن
بیان احکام خیار در بیع

بیان احکام بیع نقد بنسیه و احکام ربا

طرف اوست **فصل سیم** در احکام بیع نقد بنسیه و احکام ربا و ظهور تفاوت در وزن **سؤال**
بیع جنسین مختلفین در جنس بیکدیگر که یک حاضر باشد و دیگری نسیه التماثل یا مع التفاضل جایز است یا نه
جواب مشهور میان علما جواز است و در دو جنس که یکی مکیل یا موزون باشد و نسیه بفروشند با زیادتی
در وزن کراهتی دارد و بعضی حرام دانسته‌اند و احوط آنست که یک جنس را بعوض بفروشند و بقیمت آن دیگری را
بخرند والله اعلم **سؤال** چه میفرمایند در بیع عروض در امتعه و اقمشه یا اجناس یا بحیوان یا بعکس که
احدهما نقد باشد و دیگری نسیه آیا حلال و جایز است یا نه **جواب** اگر دو جنس باشند جایز است و در
یک جنس خصوصا نسیه خلافی هست و اشهر و اقوی جواز است والله اعلم **سؤال** مشهور و متعارف است
که تجار بشخصی قدری اجناس مال که اصل مایه آنرا میگویند و چنین قرار میشود میان ایشان مثلا اگر چهار ماه
دیگر قیمت آنرا بدهد ده تومان جنس را یازده تومان بدهد و اگر هشت ماه دیگر بدهد دوازده تومان بدهد چنین
بیع و شری و چنین شرط جایز است و آن نفع لازم است یا نه و دادن چنین جنسی و قیمت از مشتری طلبیدن
مشروع است یا نه **جواب** چنین شرطی جایز نیست و بیع و شری شرعی نیست و چنین حیله‌ای را وجه دادن و قیمت طلبیدن
دفعةً بر او نیست **سؤال** اشرفی مثلا قیمتش بیست است و بده هزار دینار میفروشند که بعد از دو ماه بگیرند چه صورت
دارد **جواب** اگر بده هزار بفروشد والحال قیمت را گرفته باشد از فرض چه بهتر است والا ظاهرا ذمه مشغول
باشد خواه بود نه ده هزار **سؤال** گندم را بمبلغ هشتاد دینار مثلا بنرخ حال میفروشند هر گاه
بمبلغ یکصد و بیست دینار بدهند بوعده مدت یک سال سعد است **جواب** اگر بفروشند بوعده معین
خوبست **سؤال** چه میفرمایند در بیع اجناس نسیه و قیمت زیاد از قیمت حال با اجل معین آیا آن زیاده
رباست یا نه **جواب** جایز است **فصل چهارم** در احکام بیع سلف **سؤال** جایز است

بیان احکام بیع سلف

در وقتی که نرخ چنین است که گندم یک شاهی بفروشیم گندم فرض بدهیم و آن مشتری قرار دهیم
که در سر خرمن اگر گندم یک شاهی شد گندم بدهد و اگر دو من یک شاهی شد دو من بدهد **جواب** مشهور ندارد
سؤال جایز است که ده من گندم بفروشیم بکسی که حالا زر ندارد که تمام بدهد بیکبارگی و آن یکبارگی که در
ذمه اوست بیمن گندم از او بخریم که بعد از هیچ ماه تسلیم کند یا نه **جواب** درین مسئله خلافست

است گندم کندم یک شاهی

البعض

و بعضی جایز نمیدانند و احوط آنست که وجه سلم نقد حاضر باشد و در مجلس قبض واقع شود اگر چه
بدون حالی از قوتی نیست **مسئله** در بیع سلم تعیین وقت مبیع بروشنی باید کرد که قابل
نزاع در زیادتی و نقصان و خوبی و بدی نباشد **سؤال** در بیع سلم جایز است که بایع وقتی قرار دهد که هر گاه
در آن وعده تو ثمن نیاید دار بر فسخ بیع باشد **جواب** بلی میتواند **سؤال** سلف خریدن گوشت و نان چه حکم
دارد **جواب** مشهور و معمول جواز است الا در باب گوشت در روایت منع دلالت شده است که قابل تفاوت
فاحش هست در خوبی و بدی و بحث کرده اند که در باب گوشت و امثال آن سلف را جایز میدانند با
الحکم الی التعیین اگر اوصاف باشد باز قابل تفاوت فاحش بل افحش هست که بیان اوصاف باید کرد
تفاوت در آب داری ممکن است مبلغهای کلی تفاوت کنند و چون روایت دارد در باب گوشت احتیاط
میکنیم و گوسفند میخریم بسلف بیع **فصل پنجم** در مسایل متعلقه بدین **سؤال** هر گاه شخصی
قرض حسنه مثلا پنجاه تومان بدهد بوعده یکماه قبل از یکماه مطالبه میتواند کرد و مدیون را با قدرت تاخیر جایز
نیست **سؤال** پس فایده وعده یکماه چیست **جواب** گویا این وعده رخصتی است از برای تاخیر که در عرض
آن مدت مدیون هر چند قدرت بر ادای آن داشته باشد در تاخیر آثم نیست و بعد از انقضای وعده
با وجود قدرت تاخیر جایز نیست باذن جدید است **سؤال** کسی قرضی دارد و صاحب طلب میخواهد و آن شخص املاک
یا اجناس دارد و بقیمت وقت متعارف نمیخرند اما اگر از قیمت ارزان تر بدهند میخرند آیا چنانچه که بنقصان
باید فروخت بر او لازم است فروختن آنها و ادای دین و حد تعسر هر چه معتد در باشد باعتبار ضرر **جواب**
اگر صاحب دین بسبب صبر راضی شود بصبر خوبست و اگر راضی نشود و مطالبه بکند بهر قیمت که بخرند باید فروخت
و قرض را باید داد **سؤال** متعارف است که اجناسی چند میخرند مثلا قیمت آنرا در عرض شش ماه بدهند
یا قرضی حد معین ندارد و صاحب دین طلب مینماید و آن شخص قدری دارد اما میخواهد که بطلبکار
دیگر بدهد یا بسبب احتیاجات ضروریه یا متاع ارزانی میخواهد بخرد میگوید ندارم یا برود وقتی دیگر بیا جایز
است یا نه **جواب** اگر بگوید ندارم هم دروغ گفته و هم تعطیل حق مؤمن کرده و اگر بگوید برود وقت
دیگر بیا نیز حق مؤمن را معطل کرده مگر آنکه طلبکار بسیار رسیده باشد که جمع طلب نموده باشند آنچه داشته تقسیم باید

بیان احکام دین

جواب بلی هر گاه خواهد مطالبه میتواند کرد

سؤال هرگاه دینی بر ذمه شخصی بوده و بعد از فوت چیزی از او نمانده ادای آن دین بر وارث او هرگاه آن وارث خود صاحب چیز باشد لازم است جواب مشهور آنست که لازم نیست سؤال هرگاه حق الاجاره موهوم و معلوم مسلمی کرده باشد مثلاً یکسال و شش ماه بالای بجا آورد و فوت شده ورثه او وفا بدین نمیکنند توزیع بر عزا میکنند آیا بهمه وجه اجاره شما بطلب توزیع میشود جواب بلی آن هم مثل سایر دیون است سؤال هرگاه طفل از ما طلبی داشته باشد که مسلمان باشد و از و فسق دیده و شنیده باشیم و او با طفلش در دست عمر کسی مند طلب طفل را به پدرش میتوان داد و بری الذمه میشوم یا نه جواب بپدر میتوان داد والله یعلم

کتاب رهن سؤال هرگاه کسی چیزی را بکسی فروخته و چیزی دیگر از مال خود را رهن در گرو آن کند با وجه وفا بر رهنیت باقی است جواب تا آن مبیع را باز از بایع استرداد نکند بر رهنیت باقی است و کسی نمیتواند فروخت و رهن آنست که در رهن با وعده معینی رهن کند مثلاً یکسال که بعد از وعده از رهنیت بیرون می آید مبیع سؤال هرگاه کسی مال غیر را نزد کسی رهن کرده باشد و مرتهن فوت شود و مال او وغیره باشد و فوت شود حق مالک رهن چه صورت دارد جواب اگر باذن مالک رهن کرده باشد صاحب طلب مرتهن استیفاء تمام حق خود را از آن رهن میکند و اگر چیزی زیاد آید در میان غرما منقسم و آن مالک رهن نیز از جمله سایر غرماست که کسر نیز با و بر میخورد اما اگر بدون اذن مالک رهن کرده باشد رهن باطل است و بعد از فوت مالک احق است بمال خود و مال خود را میگیرد و آنچه رهن از جمله یا غرماست سؤال هرگاه شخصی چیزی را نزد شخصی رهن گذاشته باشد و راهن غایب شود بحیثیتی که برای مرتهن اصلاً ظاهر نشود که زنده یا مرده است آیا میتواند که استیفاء حق خود را از مال راهن نماید یا نه جواب میرسد بعد از آنکه رهن را بقیمت عادله تقویم نماید و احوط آنست که تقویم و استیفاء با اطلاع حاکم شرع باشد

کتاب ضمان سؤال در ضامنیت کسی که در حین شرط کند که من ضامنم که چنانچه فلان شخص از ادای مبلغ عاجز آید مرا عهده فلان مبلغ یا فلان مقدار است و نیز آیا صحیح و حکم دارد جواب ضامنیت بچنین قول در حین شرط واقع نمیشود بلکه این لغو است و ضامنیت این شخص که بر که من ضامن این مبلغ یا این مقدار شدم شغل ذمه آن شخص مرتفع میشود و بر ذمه ضامن قرار میگیرد و صاحب طلب را نمیرسد که آن شخص که طلب مستحق طلب نماید بلکه باید از ضامن طلب کند و ضامن بعد از ادا میتواند اگر بالتماس آن شخص صاحب قرض ضامن شده

و پدر در اینجا

بیان رهن و کیفیت آن

بیان ضمان و کیفیت آن

باشد میرسد که ضامن از آن شخص طلب نماید و اگر تبرعاً بدون تکلیف آن شخص ضامن شده باشد مطالبه نمیتواند نمود سؤال هرگاه کسی ضامن وجهی از شخصی شده و مضمون عنه فوت شده و معلوم نیست که باذن او ضامن شده تا آنکه معلوم باشد که او بدون اذن او ضامن شده بعد از آنکه ادا کرده مضمون له نموده آیا از ترکه او میتواند برداشت جواب نمیتواند تا معلوم شود که باذن او ضامن شده بود

کتاب صلح و هبه و ابراء و در این کتاب دو فصل است فصل اول در احکام صلح سؤال صلحی که واقع شود بر قدری از مبلغی که آن شخص که صلح با او میداند که حق آن شخص زیاد بر آنست چه حکم دارد جواب صلح کردن در چنین صورتی رفع منازعه میکند اما شغل ذمه آخرت بر طرف نمیشود سؤال هرگاه کسی با کسی حقی کرده بعد بر هم دیگر احتمال وارد که بهم رسیده صلح نمایند آیا آن صلح ممضی است جواب دغدغه میشود

فصل دوم در احکام هبه و ابراء سؤال مشهور آنست که منجزات مریض از اصل و وصیت از ثلث جدا میشود هرگاه مریض چیزی را که بر کسی میرسیده باشد مثل مهر و غیر آن نیز حکم منجزات دارد یا نه جواب ابراء نیز حکم منجزات دارد اما در منجزات اختلافی هست و اظهر آنست که از اصل جدا شود و احوط آنست که از ثلث جدا کنند خصوصاً هرگاه یتیم در میان باشد سؤال کسی که سنی بودن او معلوم یا مظنون باشد و همچنین سایر مذاهب مخالف حق با ایشان نان یا پول یا غیر آن دادن با ایشان از باب احسان چه صورت دارد جواب اگر تعصب نداشته باشند و متعصب نباشد میتوان داد سؤال کسی که ظاهر اینکه سنی است و اثنا عشری است اگر سؤال کند چیزی با او میتوان داد یا نه جواب اگر تعصبش معلوم نباشد ظاهراً توان داد سؤال اگر در سفر سنی رفیق باشد و او چیزی بطلبد و خوف از ندادن باشد میتوان داد یا نه جواب اگر خوف ضرر باشد ندادن بهتر است مگر آنکه مستضعف باشد و تعصب در مذهب نداشته باشد سؤال طفل کوچک خواه یتیم و خواه غیر یتیم یا هر کس را دادن از نان و غیر آن هر گاه هم آن باشد از عادت بطلب حلال هر گونه مستحب یا مکروه جواب ظاهراً دادن خوب است سؤال اگر کسی در مرض موت هبه کند چیزی را که حاضر است و چیزی را که در شهر دیگر است آیا هبه صحیح است جواب در هبه با قبض نه هر بود باید بهم میخورد خواه حاضر باشد و خواه غایب سؤال چه میفرمایند علمای امامیه هرگاه ملک عمرو را شخصی هبه نماید و عمرو نفهمد باید بمحض بنفهمید هبه محقق میشود یا آنکه محتاج بعقد هبه است عمرو بگوید

صلح و ابراء و هبه

بیان احکام هبه

بیان متفرعات صلح و هبه و ابراء

جواب ظاهر انست که کافی باشد اگر قبض هم برخصت او بعمل آمده باشد فصل سیم در ذکر متفرعات
صلح و هبه و ابراء سؤال هرگاه کسی مشغول الذمه بحق مالی کسی باشد و صاحب حق فوت شده باشد هرگاه ورثه
صاحب حق مزبور را یا ورثه او را ارسال صلح یا هبه یا ابراء بری الذمه نمایند آن شخص از آن حق مالی بری میشود
و همچنین حق عرضی جواب حق عرضی اگر صاحب حق نباشد برای او دعا و استغفار باید کرد و معلوم است
ورثه نفعی داشته باشد و اگر حق مالی باشد اگر ورثه بطیب خاطر صلح یا ابرای آن نمایند خوبست تا آنکه تمکین بکنند
و اعلام بکنند که این مقدار از موروث شما نزد من یا بر ذمه من هست و ایشان را اصلح کنند و اگر بحضور صلح
کنند رفع نزاع اخروی نمیشود والله اعلم سؤال شخص شیعه سنی که مشغول الذمه بحق او بود و نداد تا مرد
یا از او بزور گرفت آیا حلال کردن مهر هست یا نه جواب شیعه را حلال کردن مهر هست سؤال چه میفرمایند
علمای امامیه هرگاه زید ابرا از زوجه نمود و ادعا نماید که عمر مسوفی موروث بعضی از املاک خود را بموجب این
نوشته بمن هبه کرده و باقی ورثه بدون ملاحظه شرح نوشته و اطلاع بر تفصیل آن اقرار بهبه مذکور نموده
باشند بمحض اقرار چنین ورثه را الزام بر تحقق هبه و منع از حصص شرعیه ایشان میتوان کرد یا آنکه با
تفصیل اطلاع یافته بعد از آن اقرار نمایند جواب اگر دعوای عدم الاطلاع بر خصوص نمایند و در
حق ایشان محتمل باشد شاید مسموع باشد سؤال هرگاه مثلا کسی جوی داشته باشد و باذن صاحب آسیاب ساخته
و مدتی هست دائر است صاحب آب میتواند آب خود را بنهر دیگر بیندازد و آسیاب را معطل کند یا نه
هر چند نقصان بسیار بنهر طرف رسد جواب اگر بعنوان مصالحه یا وجه دیگر از وجوه ملزمه بر صاحب
نهر لازم نشده باشد میتواند تغییر داد و اولی و احوط آنست که ضرر بر آن مومن نرساند والله اعلم سؤال
هرگاه کسی راضی شده که بر باغچه او نهر آبی میگذرد و مدتی که جریان دارد صاحب باغچه میتواند مانع
شد که بر جای دیگر جاری کند یا بر عکس حکم اختیار ندارند جواب حکمش همان است که گذشت کتاب
شرکت سؤال آب رودخانه و چشمه بمحض داخل کردن در نهر خاص اعلا فالاعلا ملک آنها نمیشود
یا نه و باز در آن نهر رعایت اعلی فالاعلی باید نمود یا کل بقدر احتیاج حفر نهر و غیره شراکت دارند
جواب بر تبعیت مالک شدن نهر آب را نیز بقدر شراکت مالک میشوند و الاعلی فالاعلی در نهر صورت ندارد

سوال

سؤال املاک و احیاس و دکاکین و آسیا و غیرها که از موروث مانده باشد بعضی از ورثه راضی
بتقسیم گردیده باشند و بعضی راضی نباشند آیا شرعا بجبر قسمت میتوان کرد یا نه جواب آنچه مساوی باشد
قیمت آنها که در حین قسمت احتیاج بتفاوت نقد دادن نباشد مشهور و اقوی اینست که بجبر قسمت میتوان
کرد سؤال هرگاه دو شخص در ملکی شریک باشند و یکی پنج سهم داشته باشد و دیگری یک سهم شایعا و ضمن
آن ملک متفرق و از نهر جاری است چون خواهند حصه کنند صاحب یک سهم گوید سر سهم مرا از یک قطعه یا
دو قطعه بتو یک سهم جدا کن که زراعت توانم نمود که اگر از هر قطعه سر حصه خود را بگیرم ملکم از زراعت
می افتد و خراب میشود آیا در چنین صورت صاحب پنج سهم میتواند گفت که یکجا نمیدهم از هر جا
را بگیر که ملک خراب شود یا نه و اگر سر سهم او را در یکجا جدا نکنند و او بناچار سر حصه خود را بصاحب
پنج سهم بفروشد و گوید که اگر سهم مرا یکجا میداد که زراعت میتوانستم کرد نمیفروختم اما این بیع صحیح
است و جمعی که در چنین بیع حاضر بوده‌اند شهادت خود را میتوانند نوشت و در صحت بیع شهادت میتوان داد یا نه
جواب اگر زمینها بیکدیگر متصل باشند بر سر هم قسمت باید کرد و اگر متصل نباشند مقتضای مروت آنست
که رعایت کنند که ضرر باو نرسد اما جبر کردن مشکل است والله اعلم سؤال هرگاه چند شخص در باغی
یا زمینی شریک باشند و همه خواهند حصه کنند و یکی گوید که من حصه خود را مفروز نمیکنم که نمیتوانم نگاه
داشت و خراب میشود و وجه عدم قدرت بر نگاه داشتن معلوم نباشد بلکه خلافش ظاهر باشد و گوید
مرا در میان حصص شما ضایع کنید مثلا در حصه شما ربعی شریک باشم این حرف معقول و مشروع است
و از او شرعا مسموع است یا نه خصوصا هرگاه این مانع تصرف شرکا شود در حصص خود از عمارت و آبادی که
مرابی حصص شود زیرا که هر یک خواهند حصه خود را تعمیر کنند و نهال تازه و میوه تازه بکارند
با خود میگویند که ... این ... بیاید و خواه حصه خود را مفروز کنند و آنچه ...
رسد او شود باین سبب از آبادان نمودن نمی‌مانند و آخر خراب شود جواب اگر تعدیل در قسمت نتواند
شد که بدون رد توان کرد و شریک امتناع از قسمت نمیتواند کرد و موافق مشهور جبرا او بر قسمت میتوان
کرد والله تعالی اعلم سؤال بعرض میرساند که در باغ متصرفی است که در باغ را قسمت میکنیم که این

نحو که از هر باغچه بلکه از هر قطعه بلکه از هر تخته رسد خود را و حصه منکنیم و این خود ظاهر است که از جهت نقص قیمت باغ از جهت
انتفاع مرا فقد هیچیک رسد خود را منضبط و بتصرفی در آن نمیتوانم کرد غرض بنده این است که حکم شرعی چه چیز است
حکم اینکه این مسئله چیست یا نه **جواب** نوشته شد که اگر اراضی بیکدیگر متصل باشند و تعدیل سهام توانند شد
باید هر سر یکدیگر قسمت نمایند و تکلیف قسمت متفرق نمیتوانند نمود والله یعلم محمد مهدی **سؤال** بنده ذلیل سید حاج
بعرض میرساند که پدر بنده که فوت شده بنده طفل بودم و برادر بزرگ بنده که وصی بود باغهائی که از پدر مخلف
شده بود در اوانی که بنده صغیر بودم ما و آن باغ را کنده نهال در آن کشته است و الحال میگوید نهال
را من کشته‌ام و شما در آنها حقی ندارید و من نهال را الا میکنم و زمین را باده با تو قسمت میکنم حکم در این باب چیست
و اگر اشجار مال او باشد و بنده را حق نباشد در آنها حکم در باب ازاله ما و هم بریده چیست **جواب**
اگر بوصایت از برای رعایت مصلحت این کار کرده است باید قیمت تاکها و قیمت درختها را با یکدیگر
حساب کند با اجرة المثل عرض و طلب دیگر نکند و اگر خلاف رعایت غبطه و مصلحت کرده است باید ارش نقص
کندن تاک را بدهد و اگر خواهد درختها بکند ارش نقصی که بسبب کندن بزمین میرسد بدهد اما این صاحبها
از جانبین مناسبت ندارد باید با یکدیگر بسازند والله الموفق محمد مهدی **سؤال** هرگاه شخصی در ملک مشترک
مشاع بدون اذن شرکا باغی بسازد و چون اشجار باغ ببار رسد شرکا یا بعضی از آنها گویند که
ما را از باغ بده و صاحب باغ گوید که بقدر رسد خود زمینی از این باغ بگیر و یا قیمت زمین باغ را بقدر زیاده
از ارش بگیر آیا آن شریک میتواند گفت که نه رسد خود را از هر جزوی از اجزای باغ که مثلا بعضی از آن
ماده است و بعضی اشجار میوه میخواهم و اشجار خود را بکن و زمین مرا واگذار یا نه و حکم شرعی در این
باب چیست **جواب** موافق مشهور حکم غاصب دارد و شرکا میتوانند حکم بازاله اشجار و اعیان کرد و اگر زمین
باشد که متساوی الاجزاء و قابل قسمت اجبار باشد شاید توانند گفت الحال قسمت کنید بعد از قرعه
آنچه قسمت او شد ازاله میتوان کرد والله یعلم **سؤال** متعارف است که ملکی که مشاع است میان چند
برادر بعضی از آنها درختی میکارند و بعضی نیز مطلعند و در آن وقت گفتگو نمیشود که بجهة خود کاشته درخت
را بالجهة جمع و آخر مسائل ایشان یا ورثه ایشان نزاع واقع میشود در چنین صورت آن درخت تعلق بکی

دارد

دارد **جواب** آن شخص که کاشته درختها آن درختها مال دست کسانی که دعوی میکنند که ما نیز مالکیم
باید ثابت کنند شراکت خود را و میراث ایشان که صاحب درخت یا ورثه او را قسم دهند که بقصد شراکت
نکاشته اند و ورثه قسم نفی علم یاد نمایند و اگر شرکا ادعا نمایند که اذن نداده اند صاحب درخت را
میرسد که قسم دهد ایشان را که اذن نداده اند چنانچه از اثبات عاجز باشند و بنا بر ثبوت اذن
و اطلاع ایشان اگر خواهند بانی شرکا درختها را از ملک مشاع بکنند باید تفاوت قیمت آنرا افتاده و
صحیح بدهند **کتاب مزارعه و مساقات** **سؤال** اگر در مزارعه و مساقات صیغه خوانده نشود
آیا بر زارع مستحق حصه مسماه میشود یا زکوة آن در حصه مالک نیابد یا نه **جواب** اگر بعاریت نیز صیغه
گفته اند ظاهرا خوب باشد **کتاب عاریه** **سؤال** اگر حیوان را ما بکرایه بگیریم و آن حیوان
توانایی دارد که دیگری را ما سواری دهیم یا زیاده از آن بار که ما داریم بردارد آیا بدون رخصت
دیگری را با خود سوار میتوانیم کرد یا بار دیگری را باضافه بار خود بار میتوانیم کرد یا نه و آن شخص
دیگری را بر آن حیوان سوار شدن و بار خود را بار کردن جایز است یا نه **جواب** اگر در عاریت
قید شده که خود سوار شود یا مال معین را بار کند تجاوز نباید کرد و الا رعایت توانایی مرکوب و متعارف
یاران باید کرد و دیگری را سوار نباید کرد والله یعلم **کتاب اجاره** **سؤال** عقد اجاره بدون
صیغه لازم میشود یا نه **جواب** مشهور میان علما آنست که عقد اجاره بدون صیغه لازم نمیشود والله یعلم
بخطه **سؤال** هرگاه درسی را که متعارف است که زارعی کرایه کنند بلکی اجاره بدهند و آن مدت
اجاره حملا […] زیرا غبن نداشته آیا چنین اجاره صحیح است و وجه اجاره لازم میشود یا نه **جواب**
صحیح است و وجه اجاره لازم میشود هرگاه […] انتفاع از آن ممکن باشد مثل سکنی و غیر آن هر چند
سکنای امثال آن شخص در آن مکان متعارف نباشد **سؤال** بجهة خواندن قرآن یا تعلیم
کردن قرآن چیزی میتوان گرفت یا نه **جواب** حکم بتحریم کردن مشکل است و اگر بدون شرط خوانند
و تعلیم کنند بدهند حلال و اگر با شرط باشد احوط اجتناب است **سؤال** اگر شخصی گوید که اطفال
ما را علم نحو و صرف و غیر آن تعلیم ده تا فلان قدر بدهیم آیا حلال بی شبهه است گرفتن آن یا

بیان مزارعه و مساقات
بیان عاریه
بیان اجاره

ترک آن باید کرد و حتی کاری که ترجیح دارد بر سوداگری و غیر آن از مکاسب نه جواب اگر تعلیم
واجبات و قرآن مجید داده باشد روا چه باشد زد در آن داخل نیست خوب نیست سؤال اجرت عقد نکاح عقد
دایم و منقطع خواه کسی دیگر بهمرسد عقد کند یا هم نیز حلال است یا نه جواب اگر شرط نکنند بهتر است
با عدم تعیین برای مطلقا اظهار قصور ندارد سؤال متعارف گردیده که گوسفند با جاره میدهند که باز بهمان سن بگیرند
و حاصل آنرا سال بسال بمبلغ معین با جاره میدهند مشروع است یا نه جواب چنین اجاره
صورت شرعی ندارد در اجاره شرط است که آنچیزی را که با جاره میدهند در وقت اجاره مال
موجر باشد و اگر بی تفریط مستاجر بمیرد یا تلف شود مستاجر ضامن نباشد اگر خواهند بعنوان مشروع صورت
داده شود باید گوسفند آنرا بآن شخص که با جاره میدهند بفروشد بمبلغ معین و از مشتری بهمان
قیمت بعنوان سلف در ذمه همان عدد گوسفند بهمان وصف بخرد که در فلان سال یا سال دیگر تسلیم
نماید و در ضمن بیع ثانی شرط کند که هر سال نیز فلان مقدار مبلغ نیز بمشتری بدهد یا بعد بیع ثانی گوسفندان
را که در ذمه او هست سالی بمبلغ معین با واجاره بدهد سؤال هرگاه زید ملکی را بعنوان بیع شرط
بعمرو فروخته باشد و باز همان ملک را از او اجاره نموده باشد و پیش از انقضای موعد زید فوت شده
باشد و وارث زید عمرو را مخیر نموده باشد که قیمت ملک را از وارث زید بگیرد یا بیع شرط را صاحب
شود در صورت عمرو میتواند مطالبه وجه اجاره از ورثه زید نمود یا نه جواب اگر وعده بیع شرط
منقضی شده و ورثه زید تصرفی در آن ملک نکرده اند عمرو مطالبه وجه اجاره از ایشان نمیتواند
کرد و اگر مدت منقضی نشده و مدت اجاره هنوز باقی است بنا بر مشهور دعوی که اجاره بموت مستاجر
باطل نمیشود طلب وجه اجاره میتواند کرد تا انقضای مدت و بعضی را اعتقاد آنست که اجاره باطل
میشود و بعد از موت وجه اجاره لازم نیست و احوط صلح است بخط ره کتاب وکالت سؤال
در اجرای صیغه نذر مثلا یا وکالت جایز است مثل آنکه متعارف است در عقد نکاح سوای مهر نام
کسی هم قرار میدهند همچنانکه وکیل هو صیغه را میگوید نذر دین را هم وکالت جاری میتواند
ساخت جواب وکالت این صیغه صورت ندارد سؤال هرگاه کسی را وکیل در تجدید کرده باشند

باب وکالت

وفارض

و فارض هم منقرض و فوت شوند آیا آن تجدیدی که در ایام حیات ایشان شده با اجاره بقیه مدت لازم
است یا باطل میشود جواب اگر برای منافع صورت اجاره قرار دهند بنا بر آن اختلافی که اجاره
بموت باطل میشود یا نه اشکال دارد و اگر بعنوان صلح صیغه بخوانند که منافع آنرا صلح نمایند مال
المصالحه بقیه مدت نیز لازم است سؤال هندو یا غیر مذهب دیگری را وکیل در تجدید میتواند کرد
جواب هرگاه در امان باشند میتواند پس اگر خود صیغه جاری نتواند ساخت اگرچه بالفاظ دیگری باشد
با وجود هم میتواند گفت و الا هرگاه ماذون در توکیل غیر باشد دیگری را وکیل میتواند کرد سؤال
هرگاه شخصی شخصی را چیزی داده وکیل کرد که مسجدی مثلا بنا کند و پیش از بنای آن مسجد موکل فوت
شد آیا بر وکیل هست بنای آن یا آن مال ورثه هست جواب ظاهر آنست که وکالت بموت موکل برهم
میخورد و آن مال ورثه هست سؤال هرگاه شخصی شخصی را وکیل کند که فلان مبلغ بعنوان هبه بعمرو بسپارد
و قبل از آنکه وکیل آن مبلغ را بقبض موهوب له بدهد مخبر شد که واهب فوت شده هبه باطل میشود یا نه جواب
باطل میشود و بمیراث بر می گردد مگر آنکه واسطه ارتباط موهوب له وکیل باشد زیرا که قبض وکیل در حکم قبض
موکل است سؤال در معامله که شخص وکیل طرفین میتواند شد یا نه جواب ظاهر آنست
شد اشکالی که کرده اند آنست که بر وکیل مراعات غبطه موکل لازم است و مراعات غبطه هر دو ممکن
نیست و جواب این آنست که معنی غبطه عدم ضرر است نه جلب نفع زیاده بر متعارف و وکیل عادل اگر مراعات
صلاح حال طرفین میتواند نمود اما در صیغه احوط آنست که از برای ایجاب و قبول شخص دیگر را وکیل
کنند تا صدق اتفاق آید که صیغه بین اثنین بعمل آمده است سؤال هرگاه عمرو شخصی را وکیل کند در
طلاق گفتن زوجه خویش که همشیره زید است مشروط بآنکه زید نیز زوجه خود را که همشیره عمرو است طلاق
گوید صحیح است یا نه جواب هرگاه این شرط در وکالت باشد خوب نیست اگر اصل طلاق را مشروط
ساخته باشد صحیح نیست کتاب وقوف و صدقات سؤال هرگاه کسی ملکی یا مثل آن را وقف
کند بر جمعی و از حاصل آن قدری را جهت خود حق التولیه قرار دهد جایز است یا نه جواب در چنین
وقفی عذر زیادی میشود و حکم بصحت آن مشکل است زیرا که از جهات بسیار ظاهر میشود که وقف

باب وقف و صدقات

باید وقف را بالکلیه از تصرف خود اخراج نموده بتصرف موقوف علیهم بدهد و پیش از زمان شیخ بهاء الدین ره
چنین وقفی در تمامی مجات نبود مگر شیخ علی کرکی که از او هم نقل شده سمع **سؤال** هرگاه متصرف وقف را مشروع
قرار داده باشد مثلا ملکی را وقف کرده باشد که حاصل آنرا صرف اغنیا و حرج نمایند چه حکم دارد **جواب** مشهور
آنست که آن وقف باطل است **سؤال** هرگاه بعضی از آن باطل و بعضی صحیح باشد مثلا گوید نصف آنرا صرف
اغنیا و اهل حرج باشد و نصف دیگر صرف مستحقین شود چه حکم دارد **جواب** مشهور آنست که آن نصف
باطل است سمع **سؤال** هرگاه کسی املاکی چند وقف حضرت امام رضا ع کند یا قبور جماعتی باعتبار حسن ظنی
که باینها داشته که مذهب ایشان مشخص نیست یا بر سر حاجی یا به مسجدی از امثال چنین وقف شخصی بازای ایشان
میتوانند کرد و مصرف چنین وقفی چه چیز است **جواب** باید حاصل موقوفات صرف خرج آن مزار از فرش و
روشنایی بشود و کسی که بخدمت آن مزار و مسجد مشغول باشد بقدر اجرت عمل میتواند گرفت و بازای
استحقاق جایز نیست گرفتن **سؤال** هرگاه کسی حصه ملکی یا مستغلات را وقف مسجد معین و متولی معین کرده که هر سال
قدر معینی از آنرا صرف روشنایی و قدر معینی را صرف فرش یا و همچنین برای هر مصرفی قدر معینی صرف
و در اراده و یکسال مثلا بوریا احتیاج نیست چنانکه مثلا شخصی دیگر فرش تبرعا انداخته آن گذشته آیا متولی میتواند
آن قدر سال را حاصل آینده باز صرف بوریا نماید یا بمصرف دیگری از مصالح مسجد صرف میتواند نمود **جواب**
لعد التبلیه حصه سنوات نیز صرف وجوه معینه که واقف تعیین نموده باید کرد و اگر آنها زیاده باشد صرف سایر مصالح
مسجد مزبور شاید بتوان کرد والله یعلم محل مهر خطه ره **سؤال** چه میفرمایند علمای امامیه درین مسئله که هرگاه زید املاک
خود را وقف اولاد نموده و متوفی شده باشد و بعد از زید متولی بطن اول را باعتبار رعایت ترتیب یا از جهه دیگر
معلوم نباشد رسانیدن از منافع موقوفات ببطن های بعد داده باشند و بالفعل از بطن اول کسی موجود نباشد
که حقیقت مستحق شود آیا باید که از بطن ثانی و ثالث جمیعا بدون رعایت ترتیب مستحق باشند یا بمقتضای
الاقرب فالاقرب اقرب باید انتفاع الابعدی تواند شد **جواب** اگر ترتیب معلوم باشد که اولاد اولاد نیز
در وقف داخلند حکم بتقدم بطن اعلی بر بطن اسفل مشکل است و دور نیست که همه بالسویه شریک باشند
سؤال در وقف اولادی هرگاه واقف چنین قرار داده که نفع آنرا بکوچک و بزرگ و پسر و دختر بدهند

و شرط

و شرط نکرده که بطن اعلی مانع بطن اسفل باشد آیا درین صورت چیزی که بنفر زن برسد و از اخراجات ضروری او
زیاد آید پدر جهه خود صرف میتواند کرد یا نه **جواب** نمیتواند مگر آنکه عوض بردارد یا برایشان باشد و نفقه
نفقه بردارد **سؤال** چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه شخصی املاک خود را وقف اولاد نموده باشد و ثابت نباشد
که بچه عنوان شرط نموده که منافع آن در میانه موقوف علیهم منقسم گردد در میانه ذکور و اناث باید بالسویه
قسمت شود یا بعنوان ارث للذکر مثل حظ الانثیین **جواب** محل خلاف است و اشهر و اقوی آنست که بالسویه
قسمت شود **سؤال** چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه یکی از ورثه زید اقرار نماید که زید مورث من قدری
از املاک خود را وقف نموده و اقرار بتصرف موقوف علیهم دادن نموده باشد آیا بمحض همین اقرار مانع
از تصرف او در حصه ارثیه بعنوان ملکیت میتوان شد **جواب** محل خلاف است و دور نیست که ادعای عدم قبض
مسموع باشد **سؤال** چه میفرمایند علمای امامیه که هرگاه بعضی از ورثه زید اقرار کنند که مورث ما بعضی از املاک
خود را وقف اولاد عمرو و متولی موقوفات مذکور است و اقرار نکرده باشند که بعضی ایشان کسی داخل
موقوف علیهم باشد و یا آنکه از تاریخ وقف تخمینا چهل یا پنجاه گذشته باشد ظاهر شود که غیری ادعا
امر مذکور در تمدت نموده باشد آیا درین وقت اگر عمرو و متولی ادعا نماید که املاک مذکوره وقف اولاد و نبها
و غیر ایشان هم داخلند مسموع است یا نه **جواب** ظاهرا بدون اثبات شرعی مسموع نباشد **کتاب
وصایا** و در آن پنج فصل است **فصل اول** در احکام وصیت **مسئله** وصیت بعد
از قرض یا حج واجب یا زکوه و خمس و کفارات حج یا کفاره که در ذمه کسی باشد از جمیع حقوق واجب است
که کمتر از ثلث آن شخص باشد و منجزات که در مرض الموت مثل آنکه در آن وقت بکسی چیزی می بخشد یا صلح میکند
ظاهر اینست که از ثلث معتبر باشد **سؤال** مرض الموت یعنی چه **جواب** مرض الموت آن مرضی است که با آن
مرض بمیرد و ظاهر آنست که معتبر نیست که اول آن مرض خوف هلاک باشد سمع **سؤال** هرگاه
شخصی زیاده از ثلث وصیت کند و ورثه قبل از موت یا بعد از آن امضا کنند ممضی است یا نه **جواب** اگر بعد از
موت امضا کنند نافذ است و اظهر آنست که ممضی است و اگر قبل از موت امضا شده باشد و بعد از موت پشیمان شوند
در آن خلاف است و اظهر آنست که ممضی است **سؤال** منجزات مریض هم مثل وصیت است که هرگاه ورثه در ایام

بیان وصایا و احکام وصیت

باب احکام موصی

حیات راضی شده باشند و بعد از آن پشیمان شوند باز ممضا است یا نه جواب بلی مثل وصیت است بلکه اجازه
در این باب اثبت است سؤال اگر کسی در مرض موت برای شخصی وصیت کند مالی را که حاضر است و چیزی را
که در شهر دیگر است آیا وصیت در مال حاضر و غایب هر دو صحیح است یا نه جواب اگر وصیت کرده که باو
بدهند از ثلث اعتبار دارد و حاضر و غایب دخلی ندارد سؤال وصیت بخمس و زکوة و غیر آنها از اصل است
اگر متهم نباشند یعنی چه جواب تهمت آنست که قرینه چند باشد که دلالت کند بر آنکه مشغول الذمه بزکوة
و خمس نیست و از برای اضرار بوارث این وصیت را میکند اگر این در مرض موت باشد یعنی از ثلث
میدانند سؤال اگر کسی وصیت کند بخمس و زکوة و هبه هم کند پیش از وصیت مذکور یا بعد از آن آیا
در این صورت هر کدام از هبه و وصیت از جمله یا از ثلث جواب خمس و زکوة از اصل بیرون میرود و مقدم
است بر وصیت یا بخشش که در مرض موت شده و اگر وصیت سنت یا هبه یا بر تصرفات مرض موت جمع شود
اگر هبه را بقبض داده باشد آن و سایر تصرفات مقدم اند بر وصیت علی المشهور والله یعلم سؤال هرگاه شخصی وصیت
کرده باشد که نماز و روزه و زکوة و خمس و رد مظالم و حجة الاسلام هر یک را که رای وصی اقتضا نماید و مصلحت
داند استیجار و اخراج نماید و در هر ماه تا هر سال چند ختم قران مجید نمایند و نیمه منزل کاری تسلیم وارث
نمایند این قسم وصیت جایز است یا نه جواب با عدم رضای وارث وصیت از ثلث اعتبار دارد مگر
آنچه از اصل بیرون میرود و آن حج واجب و زکوة واجب که اقرار کرده باشد که این مبلغ مشغول الذمه
ام و همچنین خمس واجب و کفاره که در مال او واجب شده باشد یا نذر مالی اینها از اصل بیرون میروند
و باقی وصایا اگر کمتر از ثلث یا مساوی ثلث است همه را بعمل می آورند و اگر زیاده است زیاده موقوف
بر تجویز وارث است اگر تجویز کرد صحیح است و الا بقدر ثلث را بعمل می آورند بس والله یعلم سؤال هرگاه
کسی وصیت نامه نوشت که فلان قدر برای نماز و روزه بدهند و تکفین کفن کنند موصی میگفت که نماز بیشتر
قضا دارم وصی در این صورت چه کار کند جواب گفتن که کسی مشغول الذمه است اعتبار ندارد مگر آنکه خود اقرار است
احوال اینکه غرض موصی نماز بیشتر متعلق بوده فصل دوم در احکام موصی سؤال
هرگاه شخصی کمر بسته باشد که فلان قدر زکوة و فلان قدر خمس که و ذمه هست الی آخر السؤال الجواب

بیان احکام موصی له

و سؤال و جواب در رساله دیگر که علیحده نوشته ام نوشته است رجوع نمایند آن فصل سیم
در احکام موصی له سؤال هرگاه شخصی ملک و غیر ملک داشت و در حین حیوة خود قدری از املاک را
ببعضی از فرزندان خود داده و ببعضی از چیزی نداده و در وقت دادن از تفضیل بعضی بر بعضی پشیمان شده
و مثلا در گردن او چهل تومان خمس و زکوة هست آیا اگر آن شخص در وقت موت از برای اینکه تلافی
آن تفضیل شود و ذمه خود را از خمس و زکوة فارغ سازد چنین وصیت کند که بعد از موت من اول
ورثه فلان و چنین است بقدر صد تومان خمس و زکوة ملک بفروشند هر ملکی که باشد خواه ملکی که
در تصرف من بوده و خواه ملکی که در تصرف ورثه بوده و قیمت آنرا بمستحقین برسانند و بعد از آن هر چه
بماند کما فرض الله قسمت کنند درین صورت هرگاه فرزندان حرف پدر را قبول نکنند آیا بر وصی واجب است
که همان ملکی که از روی تملیک بوده و بوصیت او عمل کند یا آنکه هم از ملکی که هم از رو مانده و هم از آن
چیزهایی که از روی تملیک از مجموع وصیت را بعمل می باید آورد یا آنکه وصی مختار است در اخراج از هر کدام که خواهد
جواب آنچه باولاد داده اگر بخشیده و بتصرف ایشان داده با همه حکم کرده و صیغه گفته شده رجوع
نمیتوان کرد و خمس و زکوة را بقدری که اقرار کرده که مشغول الذمه است اگر از بقیه ملکش میتوان
داد باید داد و الا از هر ملکی که مقدور است و باقی را کما فرض الله میان همه قسمت کنند سؤال شخصی
فوت شده و در میان ورثه یکی چیزی را وصی ساخته و وصیت کرده که از جمله املاک او ملکی که حاصل
آن بقدر ده از ده مثلا بوده باشد بجمعی از اطفال که وارث او نباشند داده شود و بالفعل همراه بودن
ملک مذکور حسب البلوغ و تشخیص حاصل آن بر وصی مشکل است و چند سال بر این گذشت که این معنی صورت
نیافت اما وصی هر سال از حاصل املاک مبلغ دوازده تومان تا آنکه ... آیا بعد بر وصی قرار
آن قدر ملک لازم است یا آنکه هر ساله آن مبلغ را از حاصل کل املاک بایشان بدهد جواب بعد از تشخیص
المقدور عمل بمقتضای وصیت لازم است و تا ممکن باشد جدا کردن ملک و دادن مقدم است و اگر ممکن نباشد
مبالغ را از منافع موزع کنند و حاصل را بایشان برسانند والله یعلم محمد مهدی فصل چهارم در احکام
موصی که سؤال هرگاه موصی لهم مشتمل بر ذکور و اناث باشند و در وصیت تعیین نشده باشد آنچه

بیان احکام وصی

بایشان اگر مشغول فرض است یا بالمناصفه جواب اگر تصریح بتفاصیل ننموده باشد و قرینه نباشد
که مراد او قسمت بعنوان میراث است موافق مشهور است و ذکور مساوی میبرند والله یعلم سؤال هرگاه وصی
بی عذر یا با عذر تاخیر در تملیک کند اجرة المثل و نماآت موصی له به موصی له باید داد از روی وجوب یا نه جواب
محل خلاف است اگر قبول نکرده باشد موصی له و بعد از آن قبول کند یعنی نماآت را ناقل میدانند و بعضی کاشف
اگر قبول کرده باشد نما ملک موصی له است و اگر موصی له معین نداشته باشد و مصرف عام باشد اگر عین معین
نباشد ظاهر از ورثه است و اگر معین باشد از وصیت است والله یعلم

بیان احکام وصی

فصل پنجم در احکام وصی سؤال ولی طفل که تصرف در مال او تواند کرد کیست جواب پدر و جد پدری ولی طفل است و بقدر
احتیاج ضروری از مال او صرف خرج میتوانند کرد و ولایت هر دو را هر دو دارند و در صورت تنازع
اختیار جد مقدم است سؤال عدول مؤمنین از برای صغیر قیم میتوانند تعیین کرد جواب
میتوانند هرگاه حاکم شرع در آن بلد حاضر نباشد در اهل آن بلد نفاذ دشوار باشد سؤال
وجوب عمل بوصیت فوری است یا هرگاه که خاطر وصی خواهد وصیت را بعمل آورد جواب فوری است
مگر از موصی تجویز تاخیر شود

بیان نکاح و اقسام آن و صیغ آن

کتاب نکاح و در آن پنج فصل است فصل اول
در اقسام نکاح و صیغ آن و اولیای عقد و حد بلوغ مسئله زن بچهار سبب حلال
میشود اول بعقد دائم دوم بعقد منقطع که متعه باشد و شرط است در عقد منقطع که تعیین
مدت بر وجهی کنند که توهم زیاد و نقصان نداشته باشد و تعیین مبلغ نیز باید و تعیین مبلغ
در عقد دائم اگر چه از جمله شروط صحت عقد نیست اما باید مهر را اگر نقد باشد بر وجهی تعیین نمایند
که محل نزاع نتواند شد که چه مبلغ و از چه جنس است و جنس املاک را نیز بر وجهی تعیین نمایند که مشخص و معین شود
و کسانی که عقد میکنند میباید که اولا ربط بعربیت بر وجهی داشته باشند که آنچه از ایجاب و قبول و غیر هما
در صیغه گفتن معتبر است معانی هر یک را دانسته که از کدام کلمه فهمیده میشود و احتیاط این است که صیغه عقد
دائم و متعه و صیغه تحلیل کنیز جمیع بعربی گفته شود و اگر ربط تام بعربیت نداشته باشند احتیاطا
بفارسی نیز بگویند بر وجهی که در شرع مقرر است از ایجاب و قبول سیم بعنوان ملک نیز حلال

میشود

میشود مثلا کنیزی که بخرد باید استبرا نماید و صبر کند تا یک حیض ببیند و بعد از استبرا الحیض دخول میتواند
کرد بدون عقد مگر کنیزی باشد که مالکش زن باشد یا مولی عادل باشد و اقرار کند که من استبرا کرده ام
این کنیز را و یک حیض دیده بود که من او را دخول نکرده ام که در این صورت احتیاج باستبرا دیگر نیست
چهارم تحلیل مثل اینکه شخصی کنیزی دارد و به کسی حلال میکند خدمت کردن آنرا یا نگاه کردن باو یا بوسیدن
او را یا جماع کردن او را پس بر آنکس حلال میشود آنچه حلال کرده است مثلا اگر حلال کرده باشد نگاه او را نمیتواند بوسید
و اگر حلال کرده باشد بوسیدن او را نمیتواند جماع کرد و اگر حلال کرده باشد جماع کردن او را حلال میشود
بوسیدن و نگاه کردن و باقی تمتعات و اگر حلال کرده باشد بوسیدن او را نیز حلال میشود نگاه کردن
او و در تحلیل نیز صیغه ایجاب و قبول شرط است مثل آنکه صاحب کنیز گوید اَحْلَلْتُ لَکَ وَطْیَ اَمَتی فلانة یعنی
حلال کردم بتو وطی کردن فلان کنیز خود را در جواب آنشخص گوید قَبِلْتُ یا بگوید صاحب کنیز اَحْلَلْتُ
لَکَ تقبیلَ اَمَتی فلانة یا بگوید اَحْلَلْتُ لَکَ النَّظَرَ اِلی اَمَتی یا بگوید اَحْلَلْتُ لَکَ خِدْمَةَ اَمَتی فلانة
در جمیع صور آنشخص گوید قَبِلْتُ و قصد کند که آنچیزی که او حلال کرده بر او قبول کردم و بعد از استبرا
وطی کنیز بر این شخص حلال میشود و صاحب کنیز هر وقت که بخواهد کنیز خود را که بآن شخص حلال کرده و راضی نباشد
بر فعل او بود و او را منقطع سازد و بعد از استبرا نیز با او دخول میتواند کرد و اگر تحلیل را مالک
مقید بمدتی کرده باشد بعد از مدت حلال است و محتاج بتحلیل دیگر است سؤال هرگاه شخصی زنی که
اراده متعه کردن او را دارد بگوید که تو متعه من میشوی در این مدت معین باین مبلغ معین و زن بگوید
بلی آیا همین کافی است در صیغه یا شرط است که صیغه عربی گفته شود جواب احوط آنست که بدون ضرورت
اکتفا بصیغه فارسی نکنند و اگر کنند زن اکتفا بصیغه احوط است سؤال رضای باکره عاقله در صحت
عقد کافی است یا رضای پدر و جد پدری بعنوان استقلال یا تشریک میباید جواب اقوی آنست که
رضای دختر کافی است و احتیاط آنست که رضای پدر یا جد پدری نیز واقع شود و در فرض اختلاف

بیان اسباب تحریم

پدر و جد جد مقدم است فصل دوم در اسباب تحریم و در آن سه بحث است بحث

بیان احکام رضاع

اول در احکام رضاع سؤال یک شیر خوردن باعث حرمت میشود جواب ظاهرا کمتر از ده نشود

حرام میشوند یا نه

سؤال دو رضیع را که چند نوبت غیر متوالی مرضعهٔ واحده شیر داده باشد بر احدهما خواهر دیگری
جواب هرگاه ده نوبت متوالی یا یک شبانه روز متوالی شیر نخورده باشند موافق مشهور حرام نمیشود
والله اعلم **سؤال** مرضعه بر پدر مرتضع حرام است یا نه **جواب** حرام نیست **سؤال** هرگاه شخصی زنی و کنیزی
داشته و از هر یک فرزند هم رسیده باشد که میتواند بفرزند آن شیر بدهد **جواب** میتواند داد **سؤال**
چه میفرمایند که هرگاه زینب شش ماه پسر عمرو را بتغاریق شیر داده باشد لیکن ضابطه این نحو که هر چند روز
اتفاقا شیر داده باشد چنانچه ابتدا تا انتها مدت شش ماه شده باشد شرعا درین حالت رضاع
تحقق می یابد و پسر عمرو دختر زینب را که با او شیر نخورده بطریق خواستگاری میتواند نمود بشرط
شرعیه یا نه **جواب** بعد البسمله اگر پانزده شیر پیاپی یا ده شیر پیاپی بنا بر قول جمعی یا یک شبانه روز پیاپی
که دیگری در میان شیر نداده باشد به پسر عمرو داده است با تحقق سایر شرایط رضاع اولاد زینب
بر آن فرزند که شیر خورده حرام میشود **سؤال** باز بیان فرمایند که هرگاه زینب بعد از دختری
که با پسر عمرو شیر خورده دختر دیگر بهم رسد و زینب مزبور بشیر ثانی دختر بزرگ را در مدت یک سال لا منقطع
شیر داده باشد شرعا درین صورت پسر عمرو که با دختر بطن اول زینب شیر خورده دختر دیگر را خواستگاری
میتواند نمود بشرط شرعیه یا نه **جواب** اگر پسر عمرو را پانزده شیر یا ده شیر پیاپی شیر داده و بشیر همان
شوهر که از فرزند دیگر باشد دختر دیگر را شیر داده است بهمان حد که مذکور شد بر یکدیگر حرام میشوند والله اعلم
سؤال هرگاه شخصی با دختری که چند خواهر دارد شیر خورده آیا برادر مرتضع خواهری که شیر خورده
و خواهرهای دیگر را میتواند خواست یا نه **جواب** آنکه شیر خورده نمیتواند خواست و آنهای دیگر را
نیز احوط ترک است و جامع الخلاف و در جای دیگر خط شریف نوشته بودند بعد البسمله هرگاه دو طفل
را یک مرضعه از شیر یک مرد شیر داده باشد و هر یک ده شیر پیاپی خورده باشند بنا بر مشهور یا پانزده شیر خورده
باشند بنا بر قوی خواهر و برادر نسبی هر یک از این دو طفل بر دیگری خلاف است حرام است یا نه و
اگرچه عدم حرمت خالی از قوت نیست اما در امر فروج احتیاط ضرور است والله اعلم **سؤال** هرگاه صبیه
شخصی از مادر خود دایه هر روزه شیر خورده باشد و صبیه شخص از دایه مزبوره لا غیر شیر خورده

باشد

٥٧

باشد برادر آن صبیه شخص اول با این صبیه شخص دوم عقد میتوان بست یا نه **جواب** اگر دایه یکی
از صبیه ها را ده شیر متوالی داده باشد که مادر دیگری در میان شیر نداده باشد و برادر یکی از این
صبیه ها صبیه دیگر را خواهد عقد نماید محل خلاف و احوط اجتناب است و اگر یکی از اینها ده شیر متوالی
نخورده باشد تصور ندارد **سؤال** چه میفرمایند هرگاه خدیجه همشیرهٔ رضیعه بوده باشد زبیده را شرعا
رضیعهٔ مزبوره زبیده همشیره خود را شیر میتواند داد بقدری که شرایط رضاع متحقق شود یا نه **جواب**
بعد البسمله اگر ده شیر متوالی و یک شبانه روز متوالی نده احوط است **سؤال** هرگاه زنی پسر
برادرش را شیر دهد بر شوهرش حلال است یا نه **جواب** مشهور آنست که ضرر ندارد و بعضی دغدغه کرده اند
سؤال اگر مادر شخصی فرزندش را شیر دهد مادر آن طفل بر پدرش حرام میشود یا نه **جواب** اگر مادر مادر
مرضعه آن طفل باشد مادر مرتضع حرام میشود بر پدرش و اگر مادر پدر مرضعه باشد احوط آنست
شیر ندهد و اگر داده باشد احوط آنست که طلاق گفته شود **مسئله** بنا بر این هرگاه مادر زن فرزند آن
زن که دختر باشد او را شیر دهد و شرایط رضاع بعمل آید موافق مشهور ولا تصحیح مادر آن طفل بر
شوهر حرام میشود و احوط آنست که اگر خواهد شوهر دیگر بکند احتیاطا طلاقی بگویند والله اعلم بحکم مهر
سؤال بیان فرمایند که هرگاه زن زید برادر زید را شیر دهد و شرایط رضاع بعمل آید آیا نشر
حرمت میکند یا نه **جواب** اشهر و اظهر آنست حرام نمیشود و اگر کسی احتیاطا طلاق بگوید بهتر است
سؤال چه میفرمایند هرگاه زن عمرو همشیره خاله عمرو را شیر داده و شرایط رضاع بعمل آمده آیا
نشر حرمت میکند یا نه **جواب** الاسم اشهر و اقوی و اظهر آنست که حرام نمیشود **سؤال** بیان فرمایند که
هرگاه علی اکبر را مسماة مهر آغا نامی زوجه عم او شیر داده و بعد از آن مهر آغا دو پسر دیگر از عم مزبور
بهم رسانیده و بعد از آن صبیه نیز از عم مزبور بهم رسیده علی اکبر مزبور صبیه مزبوره را میتواند بعقد خود درآورد
یا نه **جواب** الاسم هرگاه شرایط رضاع بعمل آمده باشد صبیه مزبوره را علی اکبر عقد نمیتواند کرد **سؤال**
هرگاه شخصی چهار زن داشته باشد یکی فرزند دیگری را شیر دهد چه حکم دارد **جواب** ضرر ندارد **مبحث دوم**
دوم در احکام مصاهره و آنچه در حکم آنست **سؤال** بیان فرمایند که بمحض عقد دختر مادر حرام

اما حرمت مرضعه بر شوهرش [illegible] بعضی قایل شده اند والله اعلم

در احکام مصاهره

منکر دد یا نه جواب خلاف و اظهر حرمت است سؤال خواهر زن برا اولاد شوهر که از زن دیگر دارد
حرام است یا نه جواب حرام نیست سؤال دختر زن که بعد از طلاق از شوهر دیگر بهم رسیده بر شوهر
اول حرام است یا نه جواب اگر شوهر اول دخول با زن خود کرده دختر حرام نمیشود والا حرام است
سؤال ضره مادر را میتوان خواست جواب میتوان خواست اگر کراهتی دارد سؤال موطوءه
جد یا در پدر هر چند بالا رود بر دختر پسر هر چند پایین رود حرام است یا نه و همچنین دختر پسر
بر جده مادری حرام است یا نه جواب حرمت اجماعی است و احادیث بسیار دلالت میکند که دختر
پسر فرزند است حکماً سؤال دختر عم و دختر پسر عم را میتوان خواست جواب میتوان سؤال
در لواط موطوء بالغ یا غیر بالغ مادر و خواهر و دختر واطی را میتواند خواست یا نه جواب
بعضی قائل بحرمت شده اند و ثابت نیست و موید روایات مشهور حرمت مادر و خواهر و دختر موطوء
بر واطی نه عکس سؤال دو کس با هم لواط کرده باشند اولاد خود را بهم تزویج میتوانند کرد
یا نه و در این باب خبری میان واطی و موطوء هست یا نه جواب ظاهراً در اولاد دخولی بحرمت نشده و روایتی
بنظر نرسیده سؤال در این حدیث که نهی وارد شده میان دو سیده آیا شریفه نیز داخل است که اگر
میان سیده و شریفه در تزویج جمع شود باز حکم دو سیده دارد جواب ظاهراً شریفه که از اولاد
حضرت فاطمه باشد در آن حدیث داخل است سؤال اینکه وارد شده که هرگاه کسی زن سیده بخواهد
بخاطر فاطمه محروم میشود آیا سیده علویه با شامل شریفه نیز هست جواب اگر از زوجه اولاد فاطمه باشد
محروم میشود خواه از جانب مادر و خواه از جانب پدر **مبحث سیم** در احکام نظر و لمس
سؤال بیان فرمایید که هرگاه زنی منظوره و ملموسه شخصی بوده باشد دختر آن زن را ناظر و لامس
بعقد خود میتواند درآورد جواب در غیر کنیز خلافی ثابت نیست و در کنیز خلاف است و اظهر
کراهت است سؤال اگر شخصی بعد از فوت زن با مادرش ملامسه و ملاعبه و تقبیل و مضاجعه نماید
از راه محبت و محرمیت و یا شهوت و شهوت هر گشته باشد یا نشده باشد بغیر دخول نمود با به دختر
دیگر او میتواند خواست یا نه جواب بدون شهوت قصوری ندارد و با شهوت حرام است و بدون

بیان احکام نظر و لمس

دخول

دخول باعث حرمت نمیشود و قولی هست بتحریم و آن ضعیف است والله اعلم سؤال خاله و عمه در این حکم
اعتبار دارند یا نه جواب در زنا بعضی فرق کرده اند و در نظر و لمس ندیده ام فرقی سؤال با مادر و خواهر
و عمه و خاله نسبی و رضاعی و با مادر زن خوابیدن و ملاعبه کردن و ملامسه و تقبیل بغیر قبل و دبر و نظر
بغیر اینها جایز است یا نه جواب اشهر و اظهر آنست که با محارم مطلقا مضاجعه و ملامسه و تقبیل غیر
عورتین و نظر بغیر عورتین جایز است بکره والعیاذ بالله ما یتلذذ و در بعضی کتب آن حرام است
فصل سیم در بیان احکام نکاح منقطع سؤال زنی که بر مذهب اهل سنت باشد
یا زیدیه باشد یا غیر اینها از فرق اسلام جایز است متعه کردن اینها یا نه جواب ظاهراً جایز
باشد و بهتر آنست که سنی متعصب را متعه نکند سؤال اگر زنی سنی باشد و ترسیم که نام متعه پیش او
مذکور کنیم باید انیم که چه مذهب دارد اگر بلفظ زوجت و انکحت عقد بکنیم و مدت قرار دهیم آیا عقد
متعه بعمل آید لا این قرب حرام است یا نه جواب اگر مدت مذکور شود خوابست اگر بعضی از احکام
متعه را مثل عدم میراث و عدم قسمت مذکور سازد بهتر است سؤال هرگاه زید متعه کرد بوعده صد
سال به پنجاه تومان و بعد از سی سال فوت شده و هیچ از وجه متعه را بآن زن نداده آیا آن
زن تمام مبلغ را از متروکات از ورثه زید میتواند گرفت یا نه جواب تمام را میتواند گرفت
هرگاه دخول واقع شده باشد سؤال هرگاه در صورت مذکوره زن قبل از انقضای اجل فوت شود
ورثه آن زن تمام آن مبلغ را میتوانند گرفت جواب همین که دخول شده تمام وجه لازم میشود
و بموت احد قبل از اجل نصف ساقط نمیشود **فصل چهارم** در مهور سؤال ببخشند مهر را بخوش طبعی
چه صورت دارد جواب ذمه مشغول است سؤال مهر مطلقه قبل از دخول چه قدر میشود جواب
نصف میشود سؤال هرگاه خلاف در مهر در وقتی که یکی از زوجین یا هر دو مرده باشند
یا هر دو زنده باشند بچه گونه ثابت میشود جواب بگواه ثابت میشود و الا قسم داده میشود بنا بر مشهور
میگویند مهر المثل ثابت میشود و احوط صلح است و این مسئله شقوق بسیار دارد و در نهایت اشکال
است و در کتب مبسوطه فقه مذکور است با شقوق بسیار سؤال تمام کرد متعارف که سوا آنکه

بیان احکام نکاح منقطع

بیان احکام مهور

٥٧

بیان احکام خلوت

بعنوان عهد و یمین زوج بوده خود لازم کند که عقد الوسع والمطالبه مثلاً کنیز هندیه که تخلیا بیچون
قیمت آن باشد تسلیم زوجه نماید اگر زوجه ابراء نماید فایده دارد **جواب** بخشیدن فایده ندارد
زیرا که بمقتضای عهد هرگاه مطالبه نماید باید داد مگر آنکه زن نیز صیغه نذر بخواند که هرگز مطالبه
نخواهم کرد **فصل پنجم** در آداب خلوت **سؤال** هرگاه شخص عالم نباشد که زوجه‌اش
حایض است و جاهل مسئله باشد و دخول کند چه حکم دارد **جواب** قصوری ندارد و اگر جاهل مسئله
باشد تقصیر دارد **سؤال** عورت زن نسبت بمحارم قبل و دبر است یا از سره تا رکبه **جواب** ظاهر اختصاص
عورتین است و احتیاط از نظر کردن ما بین سره و رکبه احوط است **سؤال** دختر تا چند سال برابر
مرد اجنبی میتواند رفت **جواب** بعد از پنج سال احوط آنست که نگذارند برود جز نزد محرم
خاتمه در احکام اولاد **سؤال** دو طفل که توأم متولد شوند برای عقیقه هر دو یک گوسفند کافی
است یا نه **جواب** ظاهر تعدد باید **کتاب طلاق** **سؤال** عده مطلقه چند است و عده

بیان طلاق و اقسام عده مطلقه و بیان عده وفات و عده متعه و عده کنیز

وفات و عده متعه و عده کنیز هر یک چند است و آنکه عده ندارد کدام است **جواب** صغیره و
یائسه و زوجه غیر مدخوله عده ندارد و مطلقه که غیر اینها باشد عده‌اش اگر طلاق در طهر غیر مواقعه
مراد آنست که صغیره و یائسه و زوجه غیر مدخوله عده از طلاق ندارد و اما از وفات [illegible]
شده سه طهر است چنانچه بعد از طلاق گفتن فی الجمله پاک بوده و حیض که ببیند اول حیض سیم عده
اش تمام است و الا اول طهر چهارم و اگر حیض نمیدیده باشد بسبب علتی عده‌اش سه ماه است و اگر سه ماه
بگذرد که در جمیع پاک باشد از حیض عده‌اش تمام شده و اگر در عرض سه ماه یک حیض ببیند عده
اش یک سال است و اگر حامله باشد عده‌اش وضع حمل یا عده مذکوره هر کدام کمتر باشد در دور
بعمل آید و عده وفات چهار ماه و ده روز است و اگر حامله باشد وضع حمل و چهار ماه و ده روز
هر کدام دیرتر شود و آخر باشد و عده طلاق از وقت صیغه طلاق گفتن است و عده وفات
از وقت رسیدن خبر فوت است و عده کنیز دو طهر است از طلاق و اگر حیض نه بیند چهل و پنج روز و عده از
وفات چهار ماه و ده روز است و مثل عده کنیز است عده متعه **سؤال** حد یائس زنان چند سال
است و زن یائسه عده دارد یا نه **جواب** در قرشیه رسیده شصت سال است و در غیر ایشان پنجاه

سال

بیان احکام تدبیر

سال و ظاهر آنست که عده ندارد **سؤال** اینکه گفته‌اند که زوجه مطلقه اگر قبل از دخول طلاق او
واقع شود عده ندارد و نصف مهر را میبرد و مراد از دخول چه چیز است **جواب** دخول در دبر داخل
مدخوله است بلکه تفخیذ یا خلوت کردن بنا بر ظاهر بعضی اخبار موجب عده و تمام مهر میشود **کتاب تدبیر** **سؤال**
جایز است مولی را در حین حیات خود فسخ تدبیر مدبر خود و بیع آن یا نه **جواب** فسخ تدبیر جایز
است اما بیع پس اگر پیش از آن فسخ تدبیر کرده باشد صحیح است و اگر پیشتر فسخ نکرده باشد خلاف است بعضی
گفته‌اند صحیح است چون بیع متضمن فسخ است و بعضی گفته‌اند صحیح نیست از جهت عدم صراحت آن در فسخ

بیان ایمان

۵۸

کتاب ایمان **سؤال** هرگاه شخصی بر شخصی دعوی کند که دستک یا سندی که بکار من آید تو
داری و او انکار نماید قسم میتوان داد یا نه **جواب** اشکالی دارد زیرا که قسم در دعوای مال است مگر اینکه
احتمال داده شود که چون حقش که قاعدتاً مالی میشود میتوان قسم داد **سؤال** هرگاه مدعی علیه بر مدعی
دعوی کند که در سینه که از من داری الحاق کنم قسم میتواند داد یا نه **جواب** برای الحاق قسم نمیتواند داد
باز قسم منکر در دیانت مال منظور است **سؤال** هرگاه شخصی بموجب سندی که از مورث او مانده بر کسی دعوی کند
با وجود انکار مدعی علیه قسم میتواند داد یا نه و اگر کند میتواند خورد **جواب** اگر ادعا کند که علم دارم بر
صحت سند و بقای ذمه والا فلا **سؤال** اگر چنین سندی بمهر شرع شده باشد و علم آن وارث
منحصر بهمین باشد سندی بمهر شرع تاکنون ظاهر شده و مظنون او هست که وجه سند را داده بود سند را
پس میگرفت **جواب** مدعی علیه را تسلط قسم در نفی العلم بر آن وارث هست که نمیداند که وجه را داده و ظاهراً
بعد از آن باید وجه را مهما امکن برساند **کتاب نذور** **سؤال** اگر کسی نذر کند و چنین بگوید که

بیان کیفیت نذر

نذر کردم که اگر بیمارم به شود هزار دینار بمستحقین بدهم آیا چنین صیغه گفتن لازم میشود یا باید
مضمون لله علی کذا باید کرد و بر فرضی که چنین صیغه نذر حضرت امام رضا کند که باید داد و اگر
نذر کند که در ضریح مبارک بگذارد از اسباب خدمه یا طالبعلمان مستحق میتوان داد یا نه **جواب**
بچنین صیغه گفتن لازم نمیشود مگر آنکه نام خدا ببرد که بخدا نذر کردم یا عهد کردم که در این وقت لازم
میشود و باید بر آن وجهی که نذر کرده و مصرفی که تعیین کرده برساند مثلاً هرگاه نذر کند بخدا که

بتصریح بلند از دباید بنذر وفا کند اما اگر نام خدا نبرده گفته نذر کرد اولی است و شخص میتواند
سوال نذر مطلق که باین نحو بگوید لله علیّ که سه روز روزه بگیرم بدون آنکه آنرا جزای چیزی
مثلا شفای بیماری یا مثل آن قرار دهد آیا منعقد است یا نه جواب خلافست اما ظاهر منعقد باشد
سوال اگر شخصی نذر کند که بعد از فوت زید هر دینی که بر ذمه او باشد ادا کند و اتفاقا زید پسری داشته
باشد که قبل از زید فوت شده باشد و برادر نیز دیون بجهه باشد آیا باید آن شخص دیون پسر زید را نیز
بدهد یا نه جواب هرگاه آن پسر فوت شده میراثی هم برای پدر گذاشته باشد و آن پدر میراث
را هم متصرف شده بیلغ آورده باشد آن دیون پسر بر ذمه زید تعلق گرفته خواهد بود و اگر میراث
نگذاشته بذمه زید تعلق نخواهد گرفت و اگر میراث گذاشته و میراث موجود باشد باز تعلق خواهد گرفت
مجملا هرگاه بنحوی شود که آن دیون بر ذمه زید تعلق گیرد داخل نذر خواهد بود والا فلا

کتاب کفارات

بیان اقسام کفارات

سؤال کفاره روزه خوردن در ماه مبارک رمضان بحلال چه باید داد و اگر بحرام
افطار کند یا بوجهی دیگر فاسد کند روزه را چه باید داد جواب در حلال مخیر است میان بنده
آزاد کردن و دو ماه روزه و اطعام شصت مسکین و در حرام جمع است میان هر سه سوال
شخصی شرط بسته و از روی تعصب روزه ماه مبارک رمضان را خورده و قضای آنرا هم روز گرفته
دیگر برا و چه چیز لازم است جواب بعد البسمله باید که یک بنده آزاد کند یا دو ماه متوالی روزه بگیرد
یا شصت مسکین را بهر مسکینی نیم من گندم بدهد سوال کفاره وطی کردن زن حایض واجب است
یا سنت جواب فعل حرام است و کفاره ظاهر آنست که سنت است و احتیاط آنست که ترک نشود سوال
اطعام شصت مسکین که در کفاره لازم شود تفریق جایز است یا همه را یکبار اطعام باید کرد و
هرگاه تفریق جایز باشد یک مسکین را اگر مکرر اطعام کند در یک کفاره محسوب میشود یا نه و قدر طعام
چه مقدار است جواب تفریق جایز است و یک مسکین را مکرر اطعام کردن در یک کفاره جایز نیست
مگر آنکه مسکین یافت نشود چنانچه اطعام کند باید آنقدر باشد که سیر شوند و اگر بایشان دهد احتیاط
این است که مد که نیم من تبریز است کرده باشد بدهد با نان خورش اگر وسعت داشته باشد والا یک مد

سوال

سؤال در کفاره سادات را اطعام میتوان کرد یا نه جواب بعضی از علما را اعتقاد این است که میتوان داد اما اگر کفاره
کفاره سید باشد سوال هرگاه شخصی روزه قضا را بعد از ظهر خورده باشد چه حکم دارد جواب لازم است که
روزه قضا را بعد از ظهر بدون عذر افطار کند خلافست در وجوب کفاره و بنابر وجوب بعضی گفته اند که ده
مسکین را طعام بدهد بهر مسکینی مدی که تقریبا یک چارک بوزن قدیم باشد و اگر نداشته باشد سه روز روزه بگیرد و بعضی
گفته اند که کفاره قسم است یعنی یک بنده آزاد میکند یا ده مسکین را طعام میدهد یا جامه میدهد و اگر عاجز شود سه روز
روزه میدارد و بعضی گفته اند که مخیر است که سه روز روزه بدارد یا ده مسکین را طعام بدهد و بعضی گفته اند
که کفاره اش کفاره افطار ماه رمضان است که یک بنده آزاد میکند یا دو ماه پی در پی روزه میدارد یا شصت
مسکین را طعام میدهد و بنابر وجوب ظاهر اول قوی باشد والله اعلم

کتاب صید و ذباحت

بیان صید و ذباحت

سوال ذبیحه تفنگ حلال است یا نه جواب حلال است سوال حیوة مستقره که در مذبوح بعد از ذبح
شرط است چه معنی دارد جواب مختلف نقل کرده اند و اظهر آنست که بعد از ذبح حرکتی کند که دلالت بر حیوة کند
سؤال هرگاه حیوان مأکول اللحم مشرف بموت شده ذبح نماید که از خون معتاد بیرون آید و حرکت نماید حلال است
یا نه جواب هرگاه خون جهنده جاری بیاید و حرکت نماید خوب است والا اگر یکی از اینها واقع شود در آخر محل اشکال است
سوال چه میفرمایند در حیوانی که مریض باشد یا سبعی بر او زخم زند که حیوة مستقره نداشته باشد و معلوم الموت باشد آیا
بمجرد ذبح حلال است یا نه جواب اگر بعد از ذبح خون جهنده از آن بیاید و حرکت کند حلال است سوال
حیوان مأکول اللحم که قبل از ذبح حیوة مستقره در آن شرط است در حالت اختیار است یا مطلقا جواب اگر خون و حرکت
بعد از ذبح بعمل آید در همه حال مجزیست و شرط حیوة مستقره معتبر دیگر دلیل ندارد والله اعلم سوال چه میفرمایند در ذبح
مسلم هرگاه آنچه شرط است که باید در ذبح طیر بجا آورند و بعد از مفارقت روح طیر مزبور معلوم شود که حلقوم او یا عضوی
از اعضای ذبح بریده نشده است آیا آن طیر مزبور حلال است یا نه جواب اگر چهار رگ بریده شده حلال است والا محل
اشکال است و احوط اجتناب است والله اعلم سوال هرگاه عالم بمسئله نباشد حیوانی را ذبح بغیر قبله نماید حلال است یا نه جواب
ظاهرا حلال است سوال ذبیحه سنّی را در بلاد اهل سنت میتوان خورد یا نه جواب ظاهرا توان خورد و اگر ذبح شیعه بهم رسد
اجتناب بهتر است سوال زن ذبح میتواند کرد جواب مکروه است ذبح کردن ایشان اما جایز است

کتاب اطعمه

تا الطعمه و اشربه

واشربه و در آن چهار فصل است **فصل اول** در احکام حیوانات **سؤال** مرغهائی که قاعده
میتوان دانست که کدام حلال است و کدام حرام **جواب** حیوانی که سنگدانه یا چینه دان داشته باشد یا سیخ پس یا
یا بال زدنش بیش از صاف رفتن باشد حلال است **سؤال** هدهد و مرغ و غیر آن از حیوانات که بسبب آن جلاله شوند چه چیز است
و حکم عرق آن چه چیز است **جواب** اکثر بنای آنرا بر عرف گذاشته اند و بعضی گفته اند و بعضی گفته اند که
کنه فضله در گوشت او بهم رسد و در این اخبار چند یا صحیح وارد است اگرچه خلاف است که جلال باعث حرمت میشود یا کراهت و لکن مشهور
حرمت است و ایضا خلاف است که مثلا باید چند روزه بخورد یا اگر غالب باشد نیز باعث حرمت میشود و اول مشهور است و بعضی با
دیگر را الحاق کرده اند و ظاهر این قوت است و کراهت عرق اقوی است **فصل دوم** در احکام جامدات

تا احکام جامدات از اطعمه

سؤال مشک حلال است یا نه **جواب** ظاهرا حلال است از جهت استحاله **سؤال** اصل جند چه چیز است و حلال است
یا نه **جواب** ظاهر آنست که خصیه حیوان معروف است و بعضی گفته اند که در میان رانهای او میباشد و بعضی گفته اند که آن
حیوان را انثیین ظاهری میباشد مثل سایر حیوانات و انثیین دیگر دارد که در وقت بیم پنهان میکند و گاهی ظاهر میشود
و اینها که پنهان است جند است و میتوان این قول و جمع میان دو قول اول نمود و احوط اجتناب است بدون ضرورت
سؤال اگر نان یا چیزی دیگر که از آن بو [illegible] باشد یک لقمه یا چند لقمه آنرا خورده باشد بعد دید که خاک دارد آیا
جایز است که دندان را بر باقی نانها بگذارد تا معلوم شود که خاک دارد یا ندارد و با خود گوید که از کجا که
غیر از لقمه نان خاک داشته باشد که خاکی داخل آرد همان لقمه شده و بس آیا این چنین حیله جایز است یا نه و
همچنین اگر یک نفر یا چند نفر گویند که این نان خاک دارد آن نان را نیاز باید میخورده باشد جایز است یا نه
جواب خاکی که مستهلک باشد در نان خوردنش معلوم نیست **سؤال** بادام تلخ که پوست آن از بابت پوست جوز و
پوست پسته نه نیست چوب است در بعضی کرهها پوست آنرا با مغز آن آرد میکنند و با دوشاب ممزوج میکنند و نان
میپزند و تلخی از ان بر طرف میشود بلکه لذیذ میشود و همچنین عرق یا آب دهن هرگاه در میان ماکول یا مشروب افتد
و مخلوط شود چه صورت دارد و دلیل منع یا رخصت هر یکی از اینها کدام است و دیگری علفی که برگ آن پنج است
و چوب آن چرس است حکمی دارد و دانهای ریزه دارد و قبرکه خاصیت میگویند فی الجمله کیفیتی دارد و چون بریان شود
طبیعت [illegible] چه حکم دارد **جواب** پوست بادام تلخ و آب دهن و عرق ظاهر اینست که حلال باشد و

جائز

بیان احکام مایعات

جماعتی که دغدغه میکنند از جهة خباثت آنهاست و خباثت آنها ثابت نیست خصوصا بر روشی که مذکور شد در
و در باب چرس و بنج و دانه آن حرمت تابع اسکار است هر چه کثیر آن باعث اسکار است قلیلش نیز حرام است
فصل سیم در احکام مایعات **سؤال** آب نهر عام را هرگاه بحوض آورند و ضو و غسل آن میتوان ساخت
در شرح جعفریه آب نوشته که چه حکم دارد **جواب** همه اقسام آب یک حکم دارد اما در وضو و غسل احتیاط ترک است
ضرورت **سؤال** اگر مار یا ماهی در خم سرکه افتد و بمیرد نجس میشود یا نه **جواب** مشهور آنست که حلال است اما بجهة
سمیت آن کراهت دارد و اگر ظن ضرر باشد حرام است **سؤال** اگر خواهد جوشانیده شیره انگور بعد از غلیان
بنا بر قول نجاست هنوز که ذهاب ثلثین نشده بر ظرف و ملعقه آن رسیده تا آن ظرف پاک کردن چون بهتر بعد از
ذهاب از اصل این شیره احتیاج بشستن خواهد بود یا نه **جواب** حکم نجاست صیغه ندارد و آنچه تا آن متنجس
شده اند صورتی ندارد و کسی قایل بنجاست شده حکم کرده که اینها بتبعیت پاک میشوند **سؤال** در وقت
دوشاب پختن متعارف است که خاکی داخل میکنند و آخر اجزاء آن خاک قدری در آن هست آیا آن هم حلال
است یا حرام **جواب** حلال است زیرا که اکثر آن خاک از او جدا میشود و قلیلی که باقی میماند چون در میان
دوشاب مستهلک است دغدغه ندارد و حکم چیزی از ماکولات میباشد که قدری از خاک در آن مستهلک باشد
سؤال چه میفرمائید در مویز یا عسل یا دوشاب و یا خرما که آب مطلق بر آن میریزند و که است تا مسکر شود بعد
از آن گذارند تا سرکه شود آن سرکه مذکور طاهر و حلال است یا نه **جواب** ظاهرا حلال و طاهر است **سؤال**
چه میفرمائید در سرکه یا آب مطلق که بر خمر عصیر عنبی ریخته شود تا استهلاک حاصل شود و بعد از استهلاک خمر مزبور
خل گردد آیا آن خل حلال است یا نه **جواب** اگر شراب بر سرکه و غیر آن غالب شود و بعد از آن سرکه شود خوب است
و اگر سرکه غالب شود که شراب در آن مستهلک شود محل اشکال است و احوط ترک است **سؤال** کشمش را هرگاه بکوبند
و شیره آنرا گرفته بجوشانند آیا عصیر این نیز در حلیت آن بر طرف شدن دو ثلث شرط است یا چنین که عرفا دوشاب
و شیره بر آن صادق آید کافی است **جواب** بعد غلیان و جوشیدن حکم بحرمت عصیر کشمش و مویز نمیتوان کرد
اما احتیاط آنست که ذهاب ثلثین بعمل آید **سؤال** کشمش را هرگاه در میان آب برنج و غیره بجوشانند
چه حکم دارد در حرمت و حلیت قبل از ذهاب ثلثین **جواب** حاکه کشمش نقص شده که شیره داخل آب برنج نگشته

بچیلی که آب میوه برنش کوبند و همچنین شیرهٔ انگور است احوط اجتناب است اگر قدر قلیلی باشد که شیرهٔ او محسوس شود
حرام میشود سؤال هرگاه شیرهٔ انگور را یا شیرهٔ انار ممزوج ساخته بجوشانند تا بقوام آید و دو ثلث آن برود
چه حکم دارد جواب ظاهر اول آنست که حلال باشد اگر معلوم باشد که دو ثلث عصیر رفته است و اگر پیش از ذهاب دو ثلث
داخل کنند احوط است سؤال در صورت مذکوره هرگاه پیش از قوام به دخل کنند یا بخته شود چه حکم دارد
جواب ظاهر احوط است سؤال آب غوره را اگر بجوشانند حرام میشود چنانچه بعضی گفته‌اند جواب
ظاهر این است که نمیشود بلکه در عرف انگور [illegible] و اطلاق نمیکنند حرام نمیشود سؤال [illegible] رنگ آن [illegible]
متغیر است آشامیدن و در خمیر و غیر آن صرف کردن چه صورت دارد جواب ظاهرا باکی نیست سؤال
هرگاه سگی از خانه بیرون آید دهن [illegible] آلوده و در آن خانه ظرف [illegible] باز باشد حکم آن [illegible]
جواب احتمال دارد که آن از بیرون خانه دهن آلوده داخل شده باشد و بر فرضی که کسی ببیند که وقت داخل شدن
دهنش آلوده نبود چند ظرفی که در آن خانه است [illegible] نه باشد بنا بر فرض مذکور اجتناب از جمیع [illegible] فصل
چهارم در آداب طعام و شراب سؤال [illegible] بر روی سفره که شخص در حالت اختیار خورده است با وجود
آنکه حدیث که امام ع از فعل متغیر شد و هرگاه [illegible] که شخص ظرف و نان و طعام آیا [illegible]
قلیل باعث جواز آن میشود یا نه جواب تا مقدور است ترک کردن اولی است و با قدر [illegible] تخفیف کراهت [illegible] زوال
معلوم نیست خاتمه در ذکر بعضی از امور مناسب کتاب سؤال در قلیان [illegible] داخل
میدانند یا نه و بر تقدیری که داخل باشد اجتناب از چنین شبهه حرام است یا نه و حال آنکه [illegible] در
بعضی روایات در باب [illegible] واقع شده و اگر داخل شبهات نمیدانند جواب [illegible] و حال
آنکه آلات در روایات داله بر اباحت اشیاء ظاهر در مأکول و مشروب است و قلیان را در عرف و لغت مأکول
و مشروب نمینامند بلکه فعلی است که کردن آن موقوف بر حصول [illegible] جواب عمومات [illegible] اعم از مأکول و مشروب است
و جواب این سخنان در این موضع ذکر نمیتوانند شد سؤال در شرح [illegible] واجب است جواب واجب نیست سؤال
محصولاتی که زکوة آنها واجب است هرگاه زکوة آنها ندهند خوردن آنها جایز است یا نه جواب اگر مالک [illegible]
زکوة نشده باشد خوردن و تصرف [illegible] مشکل است والله اعلم سؤال حرام رزق میشود یا نه جواب این [illegible]

کتاب

بیان آداب الطعام [illegible]

بیان بعض امور مناسبه

۴۱

کتاب غصب سؤال هرگاه کسی رختی را از کسی غصب کند و مغصوب منه معلوم یا موجود نباشد آن رخت
مغصوب را چه کند آنرا علاج میتوان کرد که برائت ذمه حاصل شود و همچنین هرگاه از وجه دزدی یا از وجه حرام
باشد جواب کسی که از او غصب کرده اند اگر موجود یا معلوم نباشد بعد از ظن مأیوس شدن از او بمستحقین
بدهند و دزدی نیز حکم غصب دارد و چیزی که از وجه حرام بخرند چنانچه بر عین آن وجه واقع شود حکم غصب دارد
و چنانچه بیع بر ذمه واقع شود و آن وجه را [illegible] بدهند آن رخت حکم غصبی ندارد سؤال هرگاه جمعی باشند
که در [illegible] مال الوجهات با هم شریک شده باشند [illegible] در بعضی بلاد میباشد و [illegible] از ایشان [illegible]
او بیشتر است او را التماس میکنند که ما را آنچه باید داد بشما میدهیم که شما تسلیم نوکر حاکم کنید [illegible] منت دار
هستند و شاید که [illegible] نفع باشد [illegible] دادن آن شخص اگر کسی چنین کند و مرتکب امر شده از ایشان
بگیرد و بحاکم بدهد آیا آثم است یا نه جواب اگر کسی [illegible] التماس کند و [illegible] مصلحت او
خوب باشد [illegible] چنانچه اغلب این است که سرکردگان کسی را رئیس میکنند و التماس میکنند و بیچارگان هستند
که از ایشان [illegible] میکنند وجهی ندارد و اعانت بر ظلم است سؤال گاه میشود که در مزرعه چند نفر تحصیل
مال الوجهات وغیره داخل میشود و بقدر [illegible] هزار دینار طلب دارند و [illegible] هزار دینار خرج ایشان است
آیا کسی از شرکاء یا غیر ایشان [illegible] مطالبه آنجماعت را از خود بدهد یا ایشان [illegible] اخراجات کمتر شود و [illegible]
بشرکا رسد و بعد از آن از آن شرکاء متفرق یا مجموع [illegible] چه صورت دارد و در صورت مذکور هرگاه
باعتبار [illegible] تحمل نقصان آن ده باشد آیا [illegible] و تحریک شرکاء از برای زیاد دادن وجه
اعانت ظالم خواهد بود یا نه جواب این نیز از مسئله سابق ظاهر میشود [illegible] چنین امور [illegible] تواند شد سؤال
خراج سلطان از مال الوجهات و بعضی [illegible] مثل داروغگی وغیرها که حواله میکنند جایز است [illegible]
[illegible] کردن [illegible] و از ایشان بگیرد و بحاکم بدهد [illegible] الذمه [illegible] میشود چنین کسی یا نه اگر خود
طمع نداشته باشد و بر فرضی که نفع [illegible] باشد چه حکم دارد و چیزی خوردن در جائیکه کسی که از این وجوه میگیرد
و خود هم حلال دارد چه حکم دارد جواب جایز نیست مگر اینکه مأمور شدن و طعامی که می‌آورد اگر معلوم باشد
که عین حرام در آن داخل است جایز نیست خوردن و اگر معلوم نباشد جایز است و اگر غالب مال او حرام باشد

شاید که الهی درست باشد **کتاب شفعه** **مسئله** در شفعه بودن ملک شرط است که قسمت نشده باشد
و میان دو کس مشاع باشد که چنانچه شرکاء زیاده بر دو شریک باشند شفعه نمی باشد **سؤال** شریک ملک با
وجود تمام خریدن مانع شریک دیگر از فروختن ملک بغیر میتواند شد یا نه و اگر در صورت مذکوره بدون وقوف
او بفروشد بیع صحیح است یا نه **جواب** مانع نمیتواند شد و بیع صحیح است اما اگر شریک واحد باشد و سایر شرایط
شفعه متحقق باشد تولیت عاریه شفعه میتواند کرد **کتاب احیاء اموات** **سؤال** اراضی که در کوهها
و بیابانها است تصرف و احیا که سبب ملکیت شود چگونه است **جواب** هر گاه شخصی ازاله اسباب موانع زراعت نماید یا
آثار را بیابد و قابلیت زراعت دارد و ملک اوست و بعد از بیرون شدن از قابلیت زراعت حکم بملکیت آن نمی
توان کرد **کتاب لقطه** **سؤال** اگر کسی چیزی گوید چه کند **جواب** بردارد آنرا **سؤال**
اینکه گفته اند که خاک بر روی آن باید کرد **جواب** در کار نیست **کتاب میراث** و در آن دو
فصل است **فصل اول** در میراث بنسب **سؤال** هر گاه شخصی فوت شود و یک همشیره و یک دختر
پدری از او مانده کدام میراث میبرند **جواب** میراث بهمشیره میرسد و بدختر پدری نمیرسد **سؤال** هر گاه
کسی فوت شود و از او دو خاله و دو عمه و از عمه اولاد و از دو عمو اولاد مانده ترکه چگونه قسمت میشود **جواب** هر گاه مجموع پدر
و مادری باشند ترکه را بر ایشان ثلث سهم صحیح است بدینموجب **سؤال** حبوه میت که به پسر بزرگ تعلق دارد
اولاد عمه و عم للذکر ضعف الانثی اولاد سه عمه هر یک — اولاد خاله ذکور و اناث بالسویه — چهار سهم اولاد عم — جمله بیست سهم — پنج سهم جمله ده سهم — و باقی را پسر بزرگ
چه چیزهاست **جواب** عمامه و ردا داخل است و دخول باپوشیدنی و کلاه و کفش و موزه و کمربند و پوستین اشهر است
و در جامه ها که از پوست باشد با جایز الصلوه نباشد خلافی هست و دخول خالی از قوتی نیست و بعضی زره را داخل دانسته
و خالی از قوتی نیست و یک انگشتر که با او جمعا باشد داخل است و اگر نسبت بهمه باوسا و رثه دهد شاید تعیین بقرعه اولی است
و همچنین در تعیین یک مصحف اگر متعدد باشد و یک شمشیر با عدم خصوص بقرعه تعیین کردن اولی است و احوط در چیزهای
که کل حالات است صلح است **فصل دوم** در میراث بسبب **سؤال** نصف زوجه غیر ذات ولد هر گاه شوهر اولاد
داشته باشد از میراث شوهر چند است **جواب** مشهور آنست که از منقولات ثمن میبرد و از عمارت و اشجار قیمتش و عین
آنها نمیبرد و از اراضی نه عین میبرد و نه قیمت **کتاب قضا** **سؤال** هر گاه کسی دعوی ملکی را در تصرف داشته

باشد

باشد و کسی ادعای ملکیت آن کند در این صورت حکم چنین است که منکر متصرف باید و جه استحقاق را ثابت کند یا بهمان تمسک نماید
و قسم **جواب** چنین احکام تعلق بحاکم شرع دارد و مسئله در نهایت اشکال است حاکم حکم را خواهد دانست
سؤال هر گاه زوج فوت شود و بعد از آن زوجه و ورثه زوجه دعوای مهر کنند و با ورثه زوج ادعا نمایند
که زوجه مهر را در حین حیات ابرا نموده بود چه صورت دارد **سؤال** هر گاه حلول مهر ثابت است بالفعل ورثه زوج
بر ورثه زوجه مسلط است تعلق العلم استنهاد دارند که و میگویند ما علم نداریم که زوجه مهر را بخشیده یا اگر ورثه زوج
ادعای علم بابرا نمایند آن را ثابت نمینمایند ورثه زوجه قسم بنفی علم بخورند اما اگر بعضی از ورثه زوجه صغیر باشند میباید حصه آن را
داده دیگر بای و قسم در میان نمی آید تعطیل حق او جایز نیست و قسم استنهاد در چنین جا لازم نیست **کتاب
شهادات** **سؤال** زری که در معاملات متعارف است که دستگردان میکنند در شهادت **جواب** درست
اما شاهد بر قبض کل نمیتوان شد میباید بهمان نحو که واقع شده شهادت بدهند **سؤال** خواهد سیرا بار تا بر
شهادت حکم مرد دارند یا زنان **جواب** خلاف و اشکالی نیست در اینکه حکم مردان دارند **کتاب حدود**
سؤال حرام است مرد با زن بدون ضرورت در زیر یک لحاف خوابیده یا نه **جواب** اگر برهنه باشند حرام است
و اگر رخت پوشیده باشند احوط آنست که نخوابند و اگر ضرور شود لحاف را در میان نه کنند تا حایل باشد **کتاب
قصاص و دیات** و در آن دو فصل است **فصل اول** در ذکر اقسام قتل و مقادیر
دیات و موجبات ضمان **سؤال** دیه مرد مقتول که زر چند میشود **جواب** بعد التسلیم دیه مرد مقتول که
درهم که ده هزار درهم است در این زمان که عباسی نه دانگ و نیم معمول است موازی شصت و شش تومان و
سه هزار و صد شصت دینار نقره میشود و بحساب زر ده دانگی که الحال معمول است شصت و سه تومان میشود
و بحساب طلا هزار اشرفی است و بهر قیمت باشد **سؤال** هر گاه دو نفر زنی را کشته باشند و دعای ایشان آن زن
را در زنا دیده بودند و اقرار میکنند که آن حامله نیز بود و وارث آن زن منحصر است در دو همشیره و مدعی
که یکنفر دیگر همراه ایشان بوده که مجموع سه نفر بوده اند آنچه از دیه و قصاص بر قاتلان لازم است چیست **جواب** لازم است
معروض میدارد که موافق شرع انور بمحض ادعای قاتلان زنا زن مقتول ثابت نمیشود تا چهار گواه عادل بر زنای
آن زن شهادت ندهند و بر تقدیر ثبوت اگر آن زن شوهر داشته باشد مستحق قتل نبوده و حد او صد تازیانه است و قاتل

بعد از قسمت ترکه ورثه زوجه مهر مقدم است اول مهر را ادا نمایند بعد میراث را قسمت کنند

بیان احکام شهادات

حدود و تعزیرات

اقسام قتل و مقادیر دیات

و هر گاه...

از مستحق قصاص میشود و اختیار قصاص کردن و عفو کردن و دیت گرفتن با جد همشیره است که وارث ویند اگر عفو
کنند قصاص و دیت هر دو ساقط میشود و اگر قرار بدیت دهند دیت آن که یکصد نفر شتر موافق عباسی سه دانگ
و نیم سی و سه تومان و یکهزار و پانصد و هشتاد دینار است میگیرند و اگر خواهند قصاص کنند اگر یک قاتل یک کس باشد همین
باید سی و سه تومان و یکهزار و پانصد و هشتاد دینار بوارث او بدهند و او را بکشند و اگر قاتل دو نفر باشند
که بضرب هر دو کشته شده باشد اگر خواهند هر دو را میکشند و اگر خواهند یکی را میکشند و اگر خواهند دیت
میگیرند اگر دیت گیرند همان مبلغ سابق را از هر دو میگیرند و اگر اختیار کشتن هر دو کنند باید که
بوارث هر یک ربع دیت خود بدهند که چهل و نه تومان و هشت هزار و سیصد و هفتاد دینار است و هرگاه یکی را
بکشند و اگر یکی را کشند باید ورثه مقتول نصف دیت را بدهند بورثه آنکه میکشند یعنی سی و سه تومان و یکهزار
و پانصد و هشتاد دینار و قاتلی که او را نکشته اند باید ربع دیت را بدهند بورثه آنکه کشته اند یعنی شانزده
تومان و پنجهزار و هفتصد و نود دینار و اگر قاتل سه نفر باشند حالت مذکور میشود در این حالت توانند هر سه را بکشند
یا دو نفر را یا یکی را یا دیت بگیرند اگر دیت گیرند سی و سه تومان و یکهزار و پانصد و هشتاد دینار را از هر سه
نفر میگیرند بانکه هر یک ثلث این مبلغ را میدهند و اگر یکی را کشند باید که بوارث او پنجاه و پنج تومان
و دو هزار و هشتصد و سی و سه دینار بدهند و از دو نفر که ایشان را نکشته اند از هر دو بیست و دو تومان
و یکهزار و پنجاه و سه دینار بگیرند نفری یا و اگر دو نفر را بکشند بوارث هر یک پنجاه و پنج تومان و دو هزار
و هشتصد و سی دینار میدهند و از آنکه او را نکشته اند باید یازده تومان و پانصد و بیست و هفت دینار میگیرند
و اگر هر سه را خواهند بکشند باید بوارث هر یک آن مبلغ را بدهند آنچه عرض شد احکام او بود و چنین
مذکور میشود که اقرار دارند قاتلان که زن حامله بوده است پس باید دیت فرزند را نیز بدهند اگر معلوم شود که فرزند
روح در او دمیده بود اگر معلوم شود که پسر بوده باید دیت او را که شصت و شش تومان و سه هزار و صد و شصت
دینار است بدهند و اگر دختر بوده سی و سه تومان و یکهزار و پانصد و هشتاد دینار بدهند و اگر معلوم نباشد که
پسر بوده یا دختر موافق مشهور میان علما باید چهل و نه تومان و هفت هزار و سیصد و هفتاد دینار بدهند و اگر
روح در او دمیده نشده معلوم نباشد و خلقتش تمام شده باید که صد اشرفی بدهند علی المشهور بین الاصحاب و اگر خلقتش

تمام

تمام نشده بود اگر نطفه بوده یعنی منی بسته است بیست اشرفی میدهند و اگر علقه شده بوده یعنی پاره خون بسته چهل
اشرفی میدهند و اگر مضغه بوده یعنی پاره گوشت شصت اشرفی میدهند و اگر استخوان شده بوده و گوشت بر دور
آن روییده بود هشتاد اشرفی میدهند و اگر گوشت پوشیده بوده و خلقتش تمام شده بوده اما روح ندمیده بوده
صد اشرفی میدهند علی المشهور بین الاصحاب **سوال** هرگاه زید کشته شود و مادر زید ادعا نماید که محمد آقا
زید را نگاه داشته تا کافور برادر ضرب نموده بر محمد آقا و کافور هر یک چه چیز لازم است و مادر زید اختیار
قصاص دارد یا نه **مولف گوید** که چون که اصل بنظر نرسیده ظاهرا بعضی فروع دیگر در سوال مذکور
بود **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم معروض میدارد که میان علما خلاف است در آنکه زنان را اختیار قصاص هست
و بنای مشهور میان علما که ایشان را اختیار هست بنا بر تصویر مذکور ظاهر آنست که بر محمد آقا چیزی لازم نیاید
و اگر مادر مدعی آن باشد که محمد آقا مقتول را نگاه داشت تا کافور برادر ضرب نمود محتمل است که قسم متوجه محمد آقا
بشود و بعد از نکول او و قسم خوردن مدعیه او را حبس مؤبد نمایند و لکن این احتمال بعید است و اما کافور
چون در این ماده لوث متحقق نیست هر چند محتمل است حکم بقسامه ظاهرا نتوان کرد و اگر در میان ملاک کافور
مکلف بوده باشند بنا بر قول بعضی از اعاظم علما مانند علامه و شهید رضوان الله علیهم رجحان دارد قسم
علم متوجه ایشان تواند شد پس اگر قسم بخورند دعوی ساقط میشود و اگر نکول کنند و بنا بر قول بعضی از علما
مدعیه سوگند یاد کند و کافور اقرار نماید به نسبت میراث او و وارث از رقبه کافور منتقل میشود یا در ملک
مادر میشود او را قصاص و تعذیب نمایند و آنچه از ورثه مکلف نباشند موقوف ماند تا بالغ و مکلف شوند
و باز همین حکم در شان جاری گردد در بعد از قسم خوردن مالکان و سقوط دعوی بنا بر قول بعضی از
علما محتمل است که دیت مقتول را از بیت المال مسلمانان باید داد آنچه از کلام علمای شریعت بر این
قلیل البضاعه ظاهر شد این بود و بعضی از فروع مذکوره فقیر را ظن حاصل نشده که حکم آن توانم
کرد **سوال** هرگاه کسی مفقود الاثر شود و اسبی که بر او سوار بود در حوالی دهی یافت شده و میان او و مردم
آن ده عداوتی هم بوده و مال و اسباب او را نیافته باشند و گمان عرف شود که مردم آن ده او را کشته باشند دیت آن بر کیست و میتوان
ایشان را تلخیص و زجر و تهدید کرد تا اقرار بیایند یا نه **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم مشهور میان علما

یعنی هرگاه کسی
کافور را از رقبه
منفصل شده
واقع

اما میزان آنست که هر گاه کشته بیابند و قاتل معلوم نباشد اگر لوث باشد یعنی قرینه که افاده ظن کند بر شخصی
یا جماعتی که ایشان قاتلند مثل آنکه کشته در میان قبیله یا قلعه یا دهی یافت شود و میان ایشان شده و آنها عداوت ظاهر
بهم رسیده در این صورت اگر وارث مقتول ادعا کند که یکی یا چند نفر از آن جماعت قاتل مورث اویند حاکم
شرع او را پنجاه قسم میدهد اگر دعوی کند که عمدا کشته است و اگر خویشان مدعی با او در قسم موافقت کنند
پنجاه را بر ایشان قسمت میکنند والا هر قدر از ایشان که موافقت کنند بر او و ایشان قسمت میشود و اگر هیچیک
موافقت نکنند مکرر او را قسم میدهند تا پنجاه قسم بعمل آید برآنکه فلان شخص قاتل فلان است و اگر وارث
قسم نخورد باید مدعی علیه و اقارب او پنجاه قسم بخورند که قاتل آن کشته نیستند و دفع قصاص از خود نمایند
و اگر دعوی قتل خطا کند خلاف است که قسم پنجاه است یا بیست و پنج و اول اشهر است و اگر قرینه نباشد که افاده
ظن کند و وارث دعوی قتل بر شخصی کند و گواه نداشته باشد یک قسم میدهند مدعی علیه را و اگر نکول
کند قسم مدعی بکند و بخورد علی المشهور و اگر قرینه نباشد و وارث نیز دعوی بر کسی نکند دیه را امام علیه السلام یا نایب او
از بیت المال مسلمانان میدهد و در مفازه معروفه کشته یافت نشده و علم بقتل او هنوز بهم نرسیده
و بر تقدیر علم محض آنکه اسیر را در حوالی مساکن جماعتی یافته حکم بلوث مشکل است و بر تقدیر لوث نباشد
معلوم نیست که ورثه آن شخص دعوی قتل بر آنها کنند و شکنجه و زجر و تهدید بر اقرار موافق شرع جایز نیست
پس صبر باید کرد که قتل معلوم شود بعد از آن یا قسامه بعمل آید یا دیه را از بیت المال اگر باشد خواهند داد
سؤال هر گاه شخصی شخصی را بکشد و ورثه مقتول همه یا بعضی صغیر باشند و قاتل را عفو کنند و مصالحه نمایند
جواب عفو صغار از اطفال فایده نمیدهد باید حاکم شرع قاتل را ضبط کند تا اطفال بزرگ شوند و بعد
از بلوغ مختارند در عفو و قصاص و اگر بعضی بالغ باشند و الحال عفو کنند در حصه ایشان مصالحه **سؤال** هرگاه
عمرو کشته شد و وارثی از او نمانده و زید و زینب هر دو بالغ و عاقلند اقرار بقتل او کرده اند و عبد الله نام
غلام عمرو مقتول اقرار میکند که دستهای عمرو را نگاه داشت تا زید و زینب او را کشتند در این باب آنچه بر ایشان
لازم است چیست **جواب** چون دو بالغ عاقل اقرار بقتل کردند و اقرار عبد بنگاه داشتن دستهای مقتول
بدون تصدیق مولی معتبر نیست و مالک او بغیر از امام علیه السلام کسی معلوم نیست و با تصدیق مولی باید که او را تا ابد در زندان

بدارند

بدارند و آن دو بالغ حکم ایشان آنست که اگر وارث مقتول خواهد هر دو را بکشد و
دیه بدهد و اگر خواهد یکی را بکشد و نصف دیه از دیگری بگیرد و چون وارث هر یک نصف
وارث بغیر امام علیه السلام معلوم نیست حکم بقتل مشکل است و وارث مقتول هر دو در این ماده چون
را تصدیق کنند بدین شان [illegible] و در اینجا اگر هر سه را حبس مؤبد نمایند و مال مقتول

فصل دوم در احکام جنایت بر اطراف

در بریده و دعوی میکند که دو پنجه بر سرش زده که یکی **سؤال** هرگاه شخصی کسی را از بند
شکسته و بیرون آمده و یک ضرب دیگر هم بر کتف او زده که یکی بهمین جراحات باستخوان رسیده و پنجه دیگر استخوان
جانی چه چیز لازم است **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم اگر دستها را [illegible] که پاره استخوان شکسته شده و بیرون آمده بر
میتوان کرد و اگر بدیت قرار دهند آنچه راضی شوند [illegible] اگر از بند دست کسی زند که گویند قطع کرده باشد عمدا قصاص
حال سی و سه تومان و یکهزار و ششصد دینار رایج میشود تقریبا و در شجه عمد و خطا نصف دیگر دیه است که بحساب نقره
شجه که استخوان بیرون نیامده باشد و شکسته باشد اما جراحات باستخوان رسیده باشد و در سر چون دعوی دو شجه میکند اگر یک شجه در یک
پنج شتر لازم میشود و بحساب نقره اکثر میگویند پنج تومان و [illegible] موافق اکثر احادیث و اقوال
استخوان شکسته و بیرون آمده اگر ثابت شود موافق مشهور اخبار ده شتر و [illegible] و در زخم دیگر که دعوی میکند
میگویند که نه تومان و نه هزار و چهار و هشتاد دینار است و در بسیار از اخبار نصف شتر دیه آنست و بحساب نقره بعضی
آمده از حد طرف و کلام فقها معلوم میشود که دیه آن صد و هشتاد و پنج دینار است و در کتف که دعوی میکند که استخوان شکسته و بیرون
و بعضی صد و سی و دو اشرفی و ثلث اشرفی گفته اند و از کلام جمعی فقها چهار تومان و نه هزار و صد و چهل دینار یعنی اشرفی چهار دانگی
معلوم میشود و در جمیع مراتب احوط صلح است **سؤال** دست ضرب شمشیر که در سال شل کنند دیه دست **جواب** بیند
دو تومان و دو هزار و صد دینار رایج میشود تقریبا **سؤال** شخصی بر شخصی زخم زده بنحوی که پایش شل شده
و قوت جماع او برطرف شده **جواب** اگر پایش شل شده که در راه رفتن مطلقا بکار او نمی آید دو
ثلث دیه پا بر او لازم است آنکه بحساب [illegible] معمول نقره بیست و [illegible] تومان و یکهزار و چهار صد دینار است و عشار
ذهاب قوت جماع اگر صدقش معلوم شود بمقام شرعیه موافق مشهور دیه کامله است که نقره بیست [illegible]
دیگر بحساب شش تومان و سه هزار و دو یست دینار است موافق مشهور بر او لازم است والعلم عند الله

و جمعی هم در آن دیت همراه [illegible] داخل [illegible] بعوانند در باب [illegible] حکم جست هم

بیان احکام جنایات بر اطراف

۶۵

این امور اگر با متحان در جنیهار نوالکم کو و الا عف شرعیه حکم میکنند و انها هر کس را لازم میشود که رخم زده و بر آنها که همراه بعض بغیر تفویض شرعی و عفا اخروی چیزی لازم نمی آید و ما که بعضی بر هر که نا مشخص که بعضی غرامت لازم مشغول و ما وجه تهمت بعضی از علما نفهم قابل شده اند بخط

کتاب نوادر سؤال

هرگاه بار جهل بار حلال یا غله بخس است یا زنی که بسبب جهل حرام است مجهول داخل شود بیا رجه حلال و رز حلال و غله پاک و زنی که حلال است و مشتبه شود بینها بر آن بعضی نکرده باشند آیا در جهت صورت اجتناب لازم است یا نه **جواب** اکثر علما را اعتقاد آنست که اگر در میان غیر محصور مشتبه شده است اجتناب واجب نیست و اگر محصور باشد واجبست و در حد محصور اشتباهی هست و ظاهر احادیث آنست که تا حرام بعینه معلوم نباشد اجتناب واجب نیست و احوط اجتنابست **سؤال** نسخ جونست که بعضی از آن نوشته و بعضی از بعض میگویند که بعد از انشا تأمل در نسخه که احادیث آن معتمد علیه نیست و حال آنکه ال النسخ انست یا فقه این حرف صورتی دارد یا حرف جاهلان است **جواب** در نقل احادیث که از کتب معتبره علما و مصنفین استخراج شده باشد نهی نمی‌شده کسی را که جون رساله مختصر بتوضیح و جمع بین الاحادیث جواب که ایشان را الانوار کرده‌ام و الله الموفق **سؤال** خیر المال عین ساهره لعین نایمه **جواب** چشمه آب جاری را میگویند که در خواب باشد **سؤال** من اکل البقیقه و لفظ الوقوفه و استعمل الخشنین ام هم السوس و اللوص و الافلس حدیث **جواب** در طرق عامه است **سؤال** شوص و لوص و افلس یعنی چه **جواب** کو فنی است **سؤال** السعید سعید فی بطن امه و الشقی شقی فی بطن امه حدیث است **جواب** میگویند از جمله احادیث موضوعه است و اگر نوعی باشد در احادیث است **سؤال** القائلون له والطالحون لی در باب داد میگویند حدیث نبوی است اصل دارد یا نه **جواب** ظاهرا از طرق عامه است **سؤال** در بعضی روایات مذکور است که اگر کسی فلان کار بکند خدا و ملائکه و مردمان او را لعنت میکنند و این چگونه میشود و حال آنکه همه کس بران مطلع نمیشوند و بر بعضی از مطلعین هم کسی لعنت میکنند **جواب** شاید مراد آن باشد که مجملا بر کار کننده میکنند یا از لعنتیان معنی دیگر مراد باشد که بیان آن **سؤال** صیغه فعال بضم فا و تشدید عین برای جمع است یا مفرد **جواب** صیغه فعال بضم و تشدید مفرد برای مبالغه و جمع هر دو آمده است اول مثل کبار و طوال چنانچه تصریح کرده اند که بزرگ را اکبر میگویند و بسیار بزرگ را کبار بتشدید میگویند و همچنین طویل و طوال و طوال بتخفیف **سؤال** شپش را در میان آتش انداختن چونست و بآتش کشتن جایز است یا نه بعضی گفته‌اند شپش بمیرد که نا دعا میکند دلیلش چیست **جواب** حیوانات را بآتش سوختن خوب نیست و اگر در میان جامه باشد و بآتش بسوزند ظاهرا قصوری ندارد و شبهه خاطر ندارم ۵ تا نجاح خیر نقد لیالی بشبهه و مثال

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الذی شرع الدیات والقصاص والحدود لرفع الفساد من
بین العباد و نظام عالم الوجود والصلوة علی خیر من شرع الشرع و حدّ الحدود
محمد و اهل بیته خلفاء المعبود و شفعاء یوم الورود و بعد
احقر عباد محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عنهما و عن آبائهما بر الواح ارواح زکیه و دفاتر
خواطر علیّه ناظمان حلّ و عقد امور عباد و سالکان مناهج خیر و سداد بلسان بیان
و اقلام اعلام منکشف و واضح میسازد که چون حق تعالی نوع بشر را مدنی بالطبع و محتاج بیکدیگر آفریده و غالبا
معاملات و معاشرات سبب حدوث مشاجرات و منازعات میشود و منتهی بقتل
نفوس و نهب اموال و حدوث جراحات میگردد و ایضا نفوس اکثر ناس مایل بمتابعت
لذات و تحصیل شهوات و اکثر اوقات مانعی نباشد در عرض و اموال یکدیگر تصرف
مینمایند و منتهی بانواع فساد میگردد لهذا جناب مقدس ایزدی تعالی شانه در شریعت
مقدسه نبویه برای انتظام امور عباد و دفع فتنه و رفع فساد از قطان بواد
و بلاد احکام حدود و قصاص و دیات را مقرر فرموده تا از نفوس شریره از ارتکاب
فتنه و فساد و اعراض از سلوک طریق صلاح و سداد لو لیم باشند و چون اکثر احکام
مباحث مذکوره از جمله غوامض مسایل فقه است و در غالب آنها اختلاف بسیار میان
فقهای رضوان الله علیهم است لهذا فقیر بامر رفیع مستطاب امره متع الله المسلمین ببقائه
احکام مزبوره را در این رساله بلغت فارسی ایراد مینماید تا نفعش اعم و فایده اش
اتم بوده باشد و چون از تتبع خبر ثابت است که در شریعت جمیع پیغمبران حفظ آنها لازم و محتم
بوده اول دین دوم نفس سیم مال چهارم نسب پنجم عقل و حفظ دین بامثال
عبادات و کشتن کافران و مرتدان و جاری گردانیدن حدود و تعزیرات
بر جمعی که آنها را سبک شمارند و حفظ نفس بقصاص کردن و دیت گرفتن است
چنانکه حق تعالی در کلام مجید فرموده است و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب یعنی از برای شما

در القصاص